

جوان

حق گرفتنی است
مهارت های ارتباطی

شب‌ی بهتر از هزار شب
سالم و تندرست در مهمانی خدا
فرا تر از یک برگ‌رای
حادثه‌هایی که از سر می‌گذرانیم
خرم شهر در جستجوی آبادی
وقتی عروس از داماد بزرگتر است
هر گردی گردو نیست
از زنجی که می‌بریم

دلت را خانه ماکن ...

مصفا کردنش با من ...



میهمانی سفره خدا...



جوان

ماهنامه فرهنگی و اجتماعی
شماره ۱۴۲ خرداد ماه ۱۳۹۶

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران
مدیرمسئول و سردبیر: محبوب شهبازی
جانشین سردبیر: یوسف قدیانی
مدیر اجرایی: محمدمهدی مازنی

دبیر تحریریه: آمنه آدینه
طراح گرافیک و مدیر هنری: امید بهزادی
مدیر داخلی: سیده زینب اسکندریان
ناظر فنی چاپ: علیرضا قاسمی
حروفچین: ویدا امیدی

امور فنی: آتلیه شاهد
تلفن تحریریه: ۸۸۳۰۸۰۸۶
تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۲۳۵۸۴
دورنگار امور مشترکین: ۸۸۳۰۸۳۴۸

ناشر: انتشارات شاهد
تهران. خیابان طالقانی. خیابان ملک الشعراء
بهار شمالي. شماره ۵
تلفن: ۸۸۸۴۲۲۴۷

آدرس الکترونیکی:
Email: javan@shahedmag.com
صندوق پستی: تهران ۱۵۷۱۵/۱۹۴

چاپ: چاپخانه سازمان فرهنگی سیاحتی کوثر

* شاهد جوان برای جوانان ۱۷ تا ۲۵ سال
منتشر می شود.
* مجله در تلخیص و ویرایش مطالب رسیده
آزاد است.

* مطالب رسیده بازگردانده نمی شود
* نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ مجاز است

- حرف اول: ۴ / فراتر از یک برگ رای
یادداشت: ۵ / حادثه هایی که از سر می گذرانیم
برداشت آزاد: ۶ / خرمشهر در جستجوی آبادی
اجتماع: ۸ / نقش کسبه و بازار در قیام پانزده خرداد
دخترانه، پسرانه: ۱۰ / وقتی عروس از داماد بزرگتر است
مادرانه، پدرانه: ۱۲ / شهدی به شیرینی روزه
حماسه آفرین: ۱۴ / می روم تا انتقام سیلی مادر بگیرم
راه و چاه: ۱۶ / حق گرفتنی است
مهارت: ۱۸ / مهارت های ارتباطی
مطببخ: ۱۹ / آش شله قلمکار
لبخند: ۲۰ / آدمی، جنی، جنونی چیستی
جدول: ۲۱ / جدول
زندگی به سبک دیگر: ۲۲ / از زنجی که می ترسیم
سرچشمه: ۲۴ / شبی بهتر از هزار شب
عافیت: ۲۶ / سالم و تندرست در مهمانی خدا
سلامت: ۲۸ / وقتی پشه ها مردافکن و استخوان شکن می شوند
خانه دوست: ۳۰ / پاوه، مهد شفقتی های طبیعت
حرفه و فن: ۳۲ / استارت آپ، کار و فناوری
موج سازان: ۳۴ / شمع ها و زیارتی به نیابت احمد
نور و نقره: ۳۶ / افطار با طعم سریال
نقد و نظر: ۳۸ / روایت ناتمام زنان جنگ دیده
روبه رو: ۴۰ / جوانی به وقت تلاش
یک، دو، سه: ۴۲ / پدل ورزش قرن بیستمی ها
حرکت: ۴۴ / بازگشت ایران
سیاست: ۴۶ / جهان میهوت جمهوریت ما
داستان: ۵۰ / روز خوب پیروزی
شعر: ۵۲
بازار کتاب: ۵۳
باشگاه مهریانی: ۵۴
تفال: ۵۶
انگلیسی: ۵۸



فرا تر از یک برگ رای

اشاره کردند. برای پیشرفت در مسیری که از دهه‌ها پیش آغاز شده. برای دست یافتن به شعار سال که از سوی رهبری اعلام شده به خصوص تولید و اشتغال که مبنا و اساس اقتصاد در یک کشور است.

برای امیدواری انبوه جوانان این کشور که در همه‌ی عرصه‌ها نشان داده‌اند که نیروهای قابل اتکا در اقتصاد، علم، ورزش، فرهنگ و ... بوده‌اند. آنها که هر وقت به میدان آمده‌اند نشان داده‌اند که تک‌تک برگه‌های راییشان مانند قطره‌هایی است که دریایی از حرکت و جوشش ایجاد کرده‌اند. دریایی برای بهت آفریدن مردمان دنیا.

حالا انتخابات به سرانجام رسیده و هنگام حرکت و کار است. برای امیدواری جوانان، برای بهبود اوضاع، برای جبران کاستی‌ها و تقویت داشته‌ها و آورده‌ها.

انتخابات فارغ از کاندیدای مورد نظر می‌شدند.

حالا که دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری را پشت‌سر گذاشتیم "فارغ از نتیجه به دست آمده" و از شور انتخابات فاصله گرفته‌ایم؛ زمان مناسبی برای بررسی عملکرد است. یک نفر از میان ۶ نامزد مورد تایید نظام و حاکمیت برنده انتخابات خواهد شد و از چند ماه بعد سکان هدایت کشور را برای چهار سال و تا آغاز قرن آینده‌ی شمس در اختیار خواهد گرفت. رئیس جمهوری که با وجود خط‌کشی‌ها و برنامه‌های بالادستی به رتق و فتق امور خواهد پرداخت.

رقابت‌ها به پایان رسید و امیدواریم رفاقت‌ها آغاز شود. برای اصلاح همه‌ی کاستی‌هایی که هرکدام از کاندیداهای شش‌گانه در مناظره‌های انتخاباتی به آن

مهم‌ترین چالش یک ماه اخیر کشور موضوع انتخابات بود. انتخاباتی که هواداران کاندیداهای برگزیده یعنی شش نامزدی که صلاحیت‌شان از طرف مراجع رسمی و متولی این کار احراز شده بود و پا به رقابتی گذاشتند که هر چند از هفته‌ها پیش شروع شده بود اما در تمام اردیبهشت‌ماه ادامه داشت تا در آخرین روزهای اردیبهشت حجم انبوهی از واجدین شرایط رای دادن را پای صندوق‌های رای بکشاند.

در این میان درصدی هم از مردم تا آخرین لحظات در زمینه رای دادن یا رای ندادن مردد بودند. بسیاری تصور این را داشتند که یک رای آنها هیچ تاثیری در سرنوشتشان نخواهد داشت. تصویری که از سوی موافقان شرکت در انتخابات به شدت مورد چالش قرار می‌گرفت و تشویق به شرکت در



حادثه‌هایی که از سر می‌گذرانیم

اما روسفید از تلاش برای همیشه در خاطره‌ی این ملت نقش خواهد بست و آن را کنار تلاش آتش‌نشانان پلاسکو می‌گذاریم. کنار تلاش‌های آیت‌الله طالقانی و غلامرضا تختی. ما ملتی هستیم که در سخت‌ترین روزها و شرایط، به جای گریختن از خطر و معرکه، به دل آتش و خطر می‌رویم تا جان و مال و ناموس هم‌وطنانمان را محافظت کنیم. نمونه‌ی آن ده‌ها هزار شهید و صدها هزار جانباز و آزاده و ایثارگری است که مدال‌های افتخار هشت سال مقاومت و ایستادگی این ملتند. مدال‌های افتخار همیشگی. فرقی نمی‌کند این عرصه برای افتخار آفرینی دفاعی مقدس باشد یا حادثه‌ای طبیعی اما غیر مترقبه. حادثه معدن زمستان یورت آزادشهر، حادثه شهادت مرزبانان ما در بلوچستان و هر اتفاقی دیگر پیش از این یا پس از این نشانه‌هایی برای امیدواری و اتحاد ملتند.

گوشتی جهان رخ می‌دهد. اتفاقاتی که جدا از توجه جهانی، می‌تواند زمینه‌ای برای اتحاد و وحدت ملی باشد. جدا از نقش حاکمیتی و دولتی که در چنین مواردی وارد عرصه می‌شوند ما شاهد حمایت‌ها و حضور مردمی بوده‌ایم. هنوز زلزله ورزقان را از یاد نبرده‌ایم که مردم سریع‌تر و جدی‌تر از هر دستگاه و ارگانی به صحنه آمدند. حضور مردم در اتفاقاتی این چنین ریشه در باورها و اعتقادات ما مبنی بر پرهیز از فردی‌نگری و حمایت از کار جمعی دارد. خیلی پیش‌تر و در آستانه‌ی پیروزی انقلاب زلزله طبس رخ داد که نیروهای انقلابی و مذهبی در ترمیم خسارت‌ها و کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان نقشی اساسی داشتند. یا در زلزله بوبین‌زهره نه افسانه که جوانمردی جهان پهلوان تختی برای همیشه در تاریخ ثبت شد. تصویر معدنچیانی با صورت‌های سیاه از زغال سنگ

اتفاق تلخ معدن زمستان یورت استان گلستان، بار دیگر کام ما را تلخ کرد. در اردیبهشتی جان‌افزا و در شرایطی که تنور انتخابات داشت گرم می‌شد، بار دیگر حادثه‌ای در ابعاد ملی از سر گذراندیم. پیش‌تر و در همه‌ی این چند ماه اتفاقات تلخ و حادثه‌هایی مانند آتش‌سوزی پلاسکو، سیل آذربایجان و زلزله خراسان سرخط اخبار حوادث بودند و تبدیل به موضوع‌هایی در ابعاد ملی و بین‌المللی شدند. حوادثی که به ما یادآوری کردند که آدم‌هایی در گوشه گوشه‌ی این کشور و برای تحقق به اهداف والا و برتر مشغول فعالیت هستند که هر آن احتمال حادثه‌ای برای آنها متصور است. آنها که بر اساس احادیث به جهاد هر روزه می‌روند برای کسب روزی و معیشت و یقیناً جهادگران عرصه‌ی کار و تلاش هستند. با این‌همه؛ چنین اتفاق‌های هر روز در همه‌ی چهار

ایمان سرچشمه قدرت، توانایی، شجاعت
و اعتماد به نفس و بزرگ ترین نیرو و انگیزه
برای حل مشکلات عظیم است.



برداشت آزاد...

خرمشهر در جستجوی آبادی

جمله ناامیدی از توانایی و استعداد های خود کردند. تردیدی نیست که ایمان و خودباوری سرچشمه همه سرافرازی ها و پیروزی هاست و فقدان آن موجب خواری و سرافکندگی. ایمان و خودباوری بود که حماسه عظیم و ماندگار خرمشهر را در چنین جایگاه بلند مرتبه و والایی نشانده.

دیگر ویژگی خلق این حماسه بزرگ استقامت، پایداری و ایمان به کلام قرآن بود که می فرماید: «ای اهل ایمان! مبدا از بیم دشمن به او پشت کنید و از جنگ بگریزید.» امام علی (ع) به فرزند خود، محمد حنفیه می فرماید: «هنگامی که کوه ها از جا کنده می شوند، تو استوار باش. دندان ها را به هم بفشار. کاسه سرت را به خدا عاریت بده. پای خود را چون میخ در زمین بکوب. به عقبه لشکر دشمن و صفوف آخر آن بنگر. از فراوانی دشمن چشم بپوش و بدان که پیروزی از جانب حق تعالی است.»

باور به پیروزی در پرتو ایمان و استقامت بود که بزرگمردان ما را به مقاومتی جانانه برانگیخت و بدون ترس و با عشق به شهادت توانستند این افتخار بزرگ را رقم بزنند. صبر، استقامت و اعتقاد به این اصل مسلم که خداوند در صورت یاری دین او وعده پیروزی داده است، همه تنگناها و کمبودها را در چشم آن نسل بی بدیل حقیر کرد و توانستند با ارتشی تا بن دندان مسلح که از سوی قدرت های بزرگ جهانی و کشورهای معاند با نظام جمهوری اسلامی حمایت

مرز و بوم در اوج مظلومیت و با توکل محض به خدا و ایثاری مثال زدنی حماسه عظیمی را در تاریخ معاصر ایران رقم زدند.

آزادی خرمشهر در عملیات بیت المقدس و پس از ۵۷۵ روز اشغال، همه جهانیان را مهیوت کرد و ناچار شدند در برابر عظمت این رشیدمردان غیور سر تسلیم فرود آورند. در سوم خرداد سال ۱۳۶۱، خرمشهر نام خونین شهر را از پیشانی خود سترد و این خودباوری ملی را تقویت کرد که با رشادت، تلاش و ایمان می توان همه مناطق تحت اشغال را آزاد کرد. از این رو آزادی و فتح خرمشهر «روز ملی مقاومت، ایثار و پیروزی» نام گرفت و امام خمینی آن را «فتح الفتوح» نامیدند.

رمز پیروزی رزمندگان اسلام در فتح خرمشهر در درجه اول ایمان و خودباوری بود. ایمان سرچشمه قدرت، توانایی، شجاعت و اعتماد به نفس و بزرگ ترین نیرو و انگیزه برای حل مشکلات عظیم است. نسلی که با دست خالی این حماسه شگفت انگیز را رقم زد، برای همیشه تاریخ این باور را اثبات کرد که با ایمان هر ناممکنی شدنی است و تمام ابرقدرت های جهان هم در برابر مردمانی متحد و مؤمن قادر به دستیابی به اهداف خود نیستند و این همان انرژی هسته ای عظیمی است که متأسفانه از اواخر دهه ۶۰ به بعد به تدریج از یادها رفت و ملاک های مادی جای آن را گرفتند و جامعه را دچار انواع و اقسام گرفتاری ها، از

در ظرف یکی دو قرن اخیر به دلیل بی کفایتی حاکمان وقت و عدم اتکای حکومت ها به مردم، نیروهای نظامی ایران در تمام جنگ هایی که دشمنان بر ایران تحمیل کردند شکست های خفت باری را متحمل شدند و بخشی از خاک کشور را به بیگانگان واگذار کردند، از جمله دو جنگ بزرگ با روسیه که منجر به عهدنامه های خفت بار گلستان و ترکمانچای شد.

در جنگ جهانی دوم هم با اینکه رضاخان برای تشکیل ارتش به اصطلاح قدرتمند خود هزینه های گزافی را صرف کرده بود، اما این ارتش در مدت کوتاهی شکست خورد و شمال و جنوب ایران به اشغال روسیه و انگلیس در آمد و پس از سه روز ایران رسماً تسلیم شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی با فرار یا اعدام سران ارتش شاهنشاهی، نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران، ارتش و نیروهای نظامی منسجمی در اختیار نداشت و کشور آماده دفاع از خود نبود. رژیم بعث عراق با هدف فروپاشی این نظام و با تشویق و حمایت بسیاری از کشورهای منطقه و قدرت های بزرگ در ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ با توهم تسخیر یک روزه خرمشهر به آنجا حمله کرد، اما مردم غیور و دلاور خوزستان با دست خالی و ایمانی راسخ شگفتی آفریدند و در روز سوم خرداد سال ۱۳۶۱ پس از بیش از یک سال و نیم اشغال، این خطه زرخیز را از چنگ دشمن نجات دادند و فرزندان برومند و سروقامت این



روا نیست استان و شهری که بخش اعظم درآمد کل کشور را تأمین می‌کند، خود از محروم‌ترین مناطق کشور باشد و در کنار رودخانه‌های بزرگی چون کارون، کرخه و اروندر، مردمانش لب تشنه باشند و رنج بکشند



خوزستان تأمین می‌شوند. آبادان و خرمشهر دروازه ترقی کشور و مهد تمدن نوین شهرنشینی و روزگاری نگیین خاورمیانه بودند و لذا وضعیت کنونی آنها انصافاً شایسته نظام جمهوری اسلامی نیست. از یاد نبریم اگر مقاومت دلیرانه مردم خرمشهر نبود کشور با خطرات جدی روبرو می‌شد، بنابراین روا نیست مردمی که در طول تاریخ در تیررس دائمی دشمن بوده و بیشترین صدمات را تحمل کرده‌اند و روزگاری بندری پررونق و آباد و شهری خرم و شاد داشتند، اینک از ساختمان‌های مخروبه و اقتصادی علیل و کفالت و زبانه‌های شهری رنج بکشند و ناگزیر به ترک سرزمین آبا و اجدادی خود شوند.

نزدیک به سه دهه از پایان جنگ می‌گذرد و خرمشهر هنوز مشکل آب شرب و فاضلاب دارد. گویی قرار است شهری زنده و پویا به موزه تأثراوری از جنگ تبدیل شود و نشانی از آن حماسه پر شور باقی نماند. این بی‌توجهی‌ها موجب مهاجرت خرمشهری‌های اصیل به دیگر کشورها یا شهرهای ایران شده و خرمشهر از فقدان سازندگی و مهم‌تر از آن احترام و مهرورزی همچنان زخم می‌خورد و مغموم و تنها گرفتار مشکلات بی‌شمار است.

این رسم جوانمردی و دینداری در کشوری که مزین به نام اهل‌بیت (ع) و سابقه طولانی تمدن تاریخی و فرهنگی است، نیست و در درازمدت پیامدهای نامطلوبی بر نظام و انقلاب خواهد داشت.

خودداری کردند. با محاسبات عادی و فرمول‌های متداول جنگی، دستیابی به این پیروزی ناممکن بود، اما فرماندهی بی‌نظیر امام و ایمان و پایداری رزمندگان، این حماسه شگفت را خلق کرد و عراق با از دست دادن خرمشهر تکیه‌گاه سیاسی خود را برای مذاکره از دست داد. آزادی خرمشهر نقطه عطفی در تاریخ جنگ ایران و عراق و تاریخ معاصر ایران است.

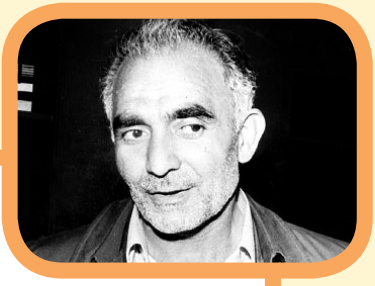
و اما امروز خرمشهر

شایسته بود شهری آباد و خرم که به دست دشمن بعثی به ویرانه تبدیل شد و مردمان دلاورش با دست خالی و خانه به خانه و سنگر به سنگر نزدیک به یک ماه در برابر دشمنی مقاومت کردند که فتح خرمشهر را چند ساعته تصور کرده بود، به الگوی سرافراز مقاومت تبدیل شود و شهر و مردمانش بیش از هر جای دیگری از رفاه مادی و معنوی برخوردار شوند. خوزستان پرآرام‌ترین استان کشور و خرمشهر شهری آباد و پر نعمت بود. روا نیست استان و شهری که بخش اعظم درآمد کل کشور را تأمین می‌کند، خود از محروم‌ترین مناطق کشور باشد و در کنار رودخانه‌های بزرگی چون کارون، کرخه و اروندر، مردمانش لب تشنه باشند و رنج بکشند. فراموش نکنیم اولین چاه نفت خاورمیانه در مسجد سلیمان حفر شد و بیشترین تولید برق کشور از سدهای دز، کرخه و کارون و نفت کشور از پالایشگاه‌های آبادان و سایر شهرهای

می‌شد، به زانو در آورند. اینک نیز می‌توان با ایمان و مقاومت عاری از شائبه دنیاگرایی بر همه مشکلات فایق آمد، زیرا «يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرَاسًا بَاسًا» دست خدا بالاترین دست‌هاست و با اتصال به او و تکیه و اعتماد به وعده‌های الهی می‌توان از پس هر مشکلی برآمد. ویژگی دیگری که فتح خرمشهر را رقم زد، اینار رزمندگان بود، ایثاری که فقط برای خشنودی خداوند انجام شد و خدا هم باران رحمت خود را بر سر این بزرگمردان و مردم ایران نازل کرد. اینار، روح سلحشوری، فداکاری و از خودگذشتگی را در انسان‌ها می‌دمد و تقویت می‌کند و وقتی انسان‌ها به چنین جایگاه والایی دست می‌یابند که برای رضای خدا از خواسته‌های خود چشم‌پوشند و هر خطری را به جان بخرند، هیچ دشمنی هر قدر هم که به تجهیزات نوین مجهز باشد قادر به شکست چنین مردمانی نیست. از همین رو امام خطاب به رزمندگان اسلام گفتند: «شما با اخلاص و ایثار خود جمهوری اسلامی را بیمه کردید.»

بی‌تردید فتح خرمشهر یک مسئله عادی نبود و امدادهای غیبی به دست رزمندگان مؤمن و ایثارگر اسلام رقم خورد. دشمنان نظام اسلامی با تکیه بر محاسبات مادی و غفلت از نصرت الهی خرمشهر اشغال شده را تسخیرناپذیر تصور می‌کردند، از همین رو تا مدت‌ها پس از آزادسازی خرمشهر در بهت و ناامیدی فرو رفتند و حتی از پخش اخبار این پیروزی

کجایند آنهایی که دم از رفراندوم قلابی می‌زنند. بیایند و از نزدیک گوشه‌ای از این رفراندوم حقیقی ملت را بنگرند



اجتماع...

نقش کسبه و بازار در قیام پانزده خرداد

○ عاطفه امینی

پلاکاردهای مختلفی منقوش به شعارهایی علیه آمریکا، اسرائیل و رفراندوم قلابی شاه که توسط هیأت‌های مؤتلفه آماده شده بود، در دست داشتند، پس از عبور از سه راه امین حضور و سرچشمه وارد میدان بهارستان شده و آن‌گاه به طرف خیابان شاه آباد به راه افتادند.

در میدان فردوسی شهید مهدی عراقی در یک نطق پرشور «انقلاب سفید» شاه را محکوم کرد و پشتیبانی عموم مردم تهران را از نهضت اسلامی اعلام داشت.

ایشان در بخشی از سخنانشان فرمودند: «کجایند آنهایی که دم از رفراندوم قلابی می‌زنند. بیایند و از نزدیک گوشه‌ای از این رفراندوم حقیقی ملت را بنگرند.»

بعد از سخنرانی عراقی، سبیل تظاهرکنندگان به سوی خیابان شاهرضا (انقلاب فعلی) و دانشگاه تهران سرازیر شدند. به علت تعطیلی دانشگاه

تعطیلی بازارها در بحبوحه تحولات سیاسی آن دوران و برگزاری جلسات متعدد از ارتباط تنگاتنگ روحانیت و بازاریان حکایت داشت. به همین جهت بازارهمواره کانون نارضایتی از دولت محسوب می‌شد.

آغاز مبارزه بازار

شخصی به نام مهدی عراقی از بطن بازار پا به عرصه سیاست نهاد و توانست اهداف و آرمان‌های امام خمینی را در بین توده مردم ایفا کند. با برنامه‌ریزی هیأت‌های مؤتلفه مسیر تظاهرات عاشورا از مدرسه‌ی حاج ابوالفتح، از مساجد بازار تهران، تا دانشگاه تهران تعیین شد. چون امکان داشت دولت بخواهد از برخی اوباش تهران برای برهم زدن تظاهرات عاشورا استفاده کند، اعضای مؤتلفه برای جلوگیری از حادثه به تکاپو افتادند. مرحوم هاشمی رفسنجانی که خود یکی از اعضای

قیام ۱۵ خرداد قیامی با اصالت مردمی و خودجوش بود و هیچ‌گونه سازماندهی قبلی را همراه نداشت. اقشار مختلف مردم کوچه و بازار به دنبال آگاهی از دستگیری مرجع تقلید و رهبر مذهبی‌شان به خشم آمدند و برای ادای وظیفه دینی خود حماسه آفریدند و سینه‌های خویش را سپر گلوله‌های سربازان رژیم پهلوی قرار دادند.

بازار و بازاریان همواره در تحولات سیاسی و اجتماعی تاریخ معاصر ایران نقش آفرین بوده اند. عامل اصلی این نقش آفرینی به دلیل ارتباط و تعاملات دیرینه با بازاریان با روحانیت و همچنین مراکز و مؤسسات مذهبی است.

این ارتباط را می‌توان از جنبش مشروطیت تا انقلاب اسلامی به خوبی مشاهده نمود. هیأت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی که در اوایل دهه‌ی ۱۳۴۰ خورشیدی از متن بازار تهران شکل گرفت از جمله گروه‌هایی است که با آغاز نهضت امام فعالیت‌های



بدون توقف به سوی کاخ شاه حرکت کرده و شعار «خمینی خمینی، خدا نگهدار تو، بمیرد بمیرد، دشمن خونخوار تو» را سر دادند. سپس با حضور در مسجدشاه (امام خمینی(ره) فعلی) قطعنامه‌ای را که در شش ماده تنظیم شده بود، قرائت نمودند. در جریان قیام ۱۵ خرداد، می‌توان حضور و دخالت دو گروه؛ روحانی و بازاری را تعیین کننده دانست. در واقع این دو قشر در چارچوب تعامل نهادهای سنتی و مذهبی جامعه به فعالیت سیاسی پرداختند و با تبلیغ و گسترش آموزه‌های نهضت

شورای روحانیت هیأت‌های مؤتلفه بود، چنین روایت می‌کند:

من یادم هست که در جریان ۱۵ خرداد همین مهدی عراقی که جوانتر بود و هنوز تجربه‌اش کم بود، در یکی از اتاق‌های بازار نشست بود و این انقلاب عظیم آن روز را از یک اتاق فرماندهی می‌کرد.

در روز راهپیمایی هیأت‌های مؤتلفه نقش مهمی در هدایت تظاهرکنندگان و انتظامات راهپیمایی به عهده داشت. تظاهرکنندگان در حالی که

خود را آغاز کرد. این گروه با توجه به ماهیت بازاری و ارتباط گسترده با اصناف مختلف بازار نقش مهمی در مبارزه با رژیم پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی ایفا نمود. روحانیانی روشنفکر همچون مطهری، بهشتی و باهنر از اعضای فکری در رأس مؤتلفه بودند و فعالیت‌های برجسته‌ی آنان در زمینه‌ی فکری را حداقل در آن برهه‌ی زمانی (۱۳۴۳-۱۳۴۲) که ارتباط تنگاتنگی با این گروه داشتند، نمی‌توان جدای از مؤتلفه در نظر گرفت.





در سرتاسر کشور، قابلیت و توانایی بالقوه نهادهی خود را به آزمون گذاشتند. این مقدمه، پاسخی به پرسش بنیادین میزان دخالت بازار شهرهای بزرگ در این قیام می‌باشد.

نقشه بازاریان بر ضد رژیم

از شگردهای خاصی که شبکه‌ی بازار بعد از قتل عام پانزدهم خرداد بر ضد رژیم پهلوی بهره جست استفاده از رانندگان تاکسی برای توزیع اعلامیه بود. چنین شگردی با وجود خطرات به نوعی نشان از جایگاه و توانایی وسیع شبکه‌ی اطلاع‌رسانی بازار بود.

استفاده از رانندگان تاکسی که در شبکه‌ی وسیع حمل و نقل شهری حضور داشتند و در حوزه‌ای وسیع از سطح شهر فعالیت می‌کردند، برای تکثیر و پخش مستقیم اعلامیه در سطح شهر در این برهه کارایی فراوانی داشت.

استفاده از شبکه‌ی وسیع اقتصادی توزیع کالا در سطح خرده فروشی‌های مغازه‌های سطح شهر، شیوه‌ی دیگر شبکه بود که در این روش مغازه‌داران در تماس با مشتریان مطمئن خویش، ضمن اعلام اعتصاب به طور ضمنی از آنان می‌خواستند که مایحتاج فردای خود را نیز تهیه کنند. حتی برخی از اعضای مؤتلفه با تهدید و پرتاب نارنجک‌های

آن روز، صحنه اصلی درگیری و نقطه ازدحام مردم میدان ارگ بود. مردم معترض تلاش می‌کردند تا اداره رادیو را به تصرف خود درآورند. بر اثر ازدحام مردم ماشینهای آتش‌نشانی و آب‌پاشی از صحنه درگیری فرار کردند. عمال رژیم، مردم بی‌دفاع را به طور وحشیانه‌ای می‌کشتند.

من به اتفاق تعدادی از برادران، مجروحان را با هر وسیله ممکن به بیمارستان بازرگان رساندیم. در آن روز، حضور مردم بسیار گسترده بود. مردم در خیابان سیروس - خیابان شهید مصطفی خمینی - به مغازه‌های مشروب‌فروشی حمله کردند و آنجاها را به آتش کشیدند.

برخی از خیابان‌ها به سنگ‌رندی پرداختند. در این موقعیت حتی صاحبان چرخهای دستی‌ای که در بازار تهران کار می‌کردند با جمع‌آوری سنگ و آجر از اطراف به کمک بازاریان شتافتند.

یکی از مأموران ویژه ساواک گزارش می‌دهد که «تظاهرکنندگان مدعی هستند که آیت‌الله خمینی (ره) و فلسفی واعظ و حاج اشرف کاشانی نیاوندی بازداشت شده‌اند و باید برای آزادی آنها اقدام نمایند و به همین جهت فعلاً از بازار بزرگ به طرف خیابان سرازیر شده و با تظاهرکنندگان در حرکت هستند و وضع بازار به این ترتیب کاملاً غیرعادی است.»



به خاطر دارم در یکی از بیمارستان‌ها کاسبی تهرانی یک ساک پر از پول آورده بود تا به بیمارستان بدهد و در قبال آن مجروحان مداوا شوند. او به دکتر معالج التماس می‌کرد و با گریه از او می‌خواست تا به مجروحان رسیدگی کند. دکتر وقتی این وضع را دید با گریه به او گفت حاج آقا شما چه می‌گویید، مأموران آمدند و سرم‌ها و آمپول‌ها را از دست مردم کشیدند و بعد از ما خواستند تا کاری کنیم که مجروحان از بین بروند.»

روایت شاهدان عینی

سیدرضا نیری نیز در شرح مشاهدات خود از ماجرای ۱۵ خرداد در تهران می‌گوید: «آن روز بازار یکپارچه تعطیل شد. حرکت تظاهرکنندگان در روز ۱۵ خرداد از بازار کفاشان شروع شد. در بازار مردم با نیروهای رژیم درگیر شدند. نیروهای مسلح، چند نفر از مردم را هدف گلوله قرار دادند. بعد از آن، مردم وارد خیابان بوذرجمهری شدند.

دست‌ساز برخی از مغازه‌دارانی را که به اعتصاب نمی‌پیوستند، مجبور به بستن مغازه‌هایشان کردند.

دستگیری امام (ره) و عکس‌العمل بازاریان

بازاریان تهران با شنیدن خبر دستگیری حضرت امام (ره) به تدریج از ساعت‌های اولیه صبح روز ۱۵ خرداد در مسجد شاه تجمع کردند و اندکی بعد با تظاهرات در خیابان‌ها اعتراض خود را نسبت به دستگیری آیت‌الله خمینی (ره)، علما و واعظ اعلام کردند. آنان برای مقابله با هجوم نیروهای انتظامی در



وقتی عروس از داماد بزرگتر است

فریده چابک

بودند و با همه وجود سعی در حفظ و دوام زندگی خود داشتند. من خودم شخصی را می‌شناسم که نوجوان بود و بعد از فوت برادرش به دلیل فرهنگ و سنت قبیله مجبور به ازدواج با همسر برادرش شد که بیش از ۱۰ سال اختلاف سنی داشتند و این زندگی امروز سی‌ساله شده است و دوام آورده. **خب شاید زن بلد بوده چطور زنانگی کند و مردش را حفظ کند!!**

حتما یک بخش قضیه می‌تواند این باشد اما تمام آن نیست.

خب پس چرا یک پسر جوان با چنین گزینه‌ای ازدواج می‌کند؟

این هم دلایل بسیاری دارد. از جمله ازدواج بر مبنای اقتصاد باشد به شرطی که زن دارای توان مالی و شغل است.

پسر به دنبال یک حامی یا تکیه گاه است، یک زنی به جای مادر، عشق‌های زودگذر و...

یعنی عشق واقعی نداریم؟

در بقیه ازدواج‌ها چقدر عشق واقعی داریم؟ همان‌قدر هم در این نوع ازدواج‌ها عشق دخیل است.

یک کم حرف‌های امیدوار کننده بزنید؟

ببینید من واقعیت‌ها را گفتم. اما الزاما تمام این واقعیت‌ها صدق پیدا نمی‌کند و هستند زوج‌هایی با این شرایط که توانسته‌اند از تمام آسیب‌ها مصون بمانند.

پس چه باید کرد؟

شرایط ازدواج را تسهیل کرد. دختر و پسرها به موقع و با هم کفو خود ازدواج کنند. سطح توقعات خود را پایین بیاورند تا از ازدواج به موقع خود لذت ببرند.

یکی از معیارهای ازدواج تناسب سن دختر و پسر است و معمولا این در همه دنیا یک امر پذیرفته شده است که مرد باید چند سالی از زن بزرگتر باشد. خیلی‌ها هم هستند که این قاعده را رعایت نمی‌کنند و با زنی ازدواج می‌کنند که چند سال از آنها بزرگتر است گرچه با عکس‌العمل منفی بسیاری روبرو هستند. این موضوع بهانه‌ای است تا در این شماره به سراغ کارشناس ارشد روانشناسی خانم لیلا نادعلیپور برویم و درباره این موضوع گفتگو کنیم شاید برای بخشی از خوانندگان مجله این مساله اهمیت و موضوعیت داشته باشد و ما بتوانیم کمکی کرده باشیم.

ازدواج کرده‌اید؟ خب این سؤال بار منفی دارد و گاه توام با سرزنش است. بنابراین ممکن است این نگاه یک زندگی را به طلاق برساند. حالا بماند که زن به دلیل شرایط فیزیکی زودتر بالغ می‌شود، زودتر وارد زندگی اجتماعی می‌شود، زودتر پخته می‌شود، زودتر قابلیت باروری پیدا می‌کند و زودتر هم این قابلیت را از دست می‌دهد، به دلیل زایمان زودتر شکسته می‌شود، اختلاف سن زیاد باعث انعطاف‌ناپذیری بیشتر است، درک احساسات همدیگر به مرور سخت‌تر می‌شود، نیازهای جنسی متفاوت است و...

با توجه به اینکه اغلب جوانان امروز تحصیل کرده هستند آیا نمی‌شود این مشکلات را حل کرد؟

باید دید ما به آن اندازه از شعور و دانایی رسیده‌ایم که همه این موانع را با تدبیر و دانش پشت سر بگذاریم؟ ما امروز شاهد طلاق‌های روزافزون در میان قشر تحصیل کرده هستیم و برای همین است که فریاد «وا خانواده» بلند شده است که نرخ طلاق روز به روز در حال افزایش است. اتفاقاً نسل گذشته صبورتر و آبدیده‌تر از جوانان امروز

به نظر شما ازدواج با دختر بزرگتر از خود به بن بست ختم می‌شود؟

در مورد هیچ ازدواجی نمی‌توان قاطعانه حکم صادر کرد. هر ازدواجی می‌تواند به جدایی ختم شود و چه بسا زوج‌هایی داشتیم که زن ده سال هم از مرد بزرگتر بوده ولی ازدواجشان ختم به خیر شده. ولی برای رسیدن به یک جواب قاطع باید یک تحقیق جامع و کامل مبتنی بر آمار و ارقام صورت پذیرد.

خود شما با این نوع ازدواج موافق هستید؟

شخصاً موافق نیستم.

چرا؟

به دلایل متعدد

چند دلیل را عنوان کنید؟

اولین اتفاقی که بعد از ازدواج می‌افتد نگاه مردم است، شاید دختر و پسر بعد از جلسات متعدد به این نتیجه رسیدند که همه دلایل فردی که می‌تواند به ازدواج آن‌ها آسیب وارد کند را با مهارت‌هایی پشت سر بگذارند اما نگاه منفی برخی می‌تواند به مرور زمان به این زندگی آسیب برساند. کافی است هر بار با دیدن آقا داماد پرسیده شود که چطور با یک پسر دختر، پیرزن، ترشیده و ...



خدیجه کبری (س)
محمد مصطفی (س)

هر گردی گردو نیست

پیامبر فرستاد و گفت: «من به تو بسیار علاقمندم و خواستار تو هستم. تو از بستگان و خویشاوندان من هستی، در میان قوم خود بسیار گرمی و شریفی و به امانداری، اخلاق نیک و گفتار صادقانه مشهوری. من حاضرم به همسری تو در آیم.» خدیجه از محمد درخواست کرد که ابوطالب را برای انجام مراسم ازدواج نزد او آورد و نیز به خدمتکاران خود گفت: «عمویم، عمرو بن اسد، را صدا بزنید تا مرا به همسری محمد در آورد.»

ابوطالب و عمو خدیجه نزد او آمدند، ابوطالب خطبه ازدواج حضرت محمد (ص) و خدیجه را خواند. در پایان مراسم وقتی پیامبر می‌خواست از خانه خدیجه خارج شود، خدیجه گفت: «در خانه خود بمان. این خانه، خانه توست و من خدمتگزار تو هستم.»

چنین می‌گویند که: خدیجه از راهبانی نظیر نسطور و یا کسانی چون ورقه بن نوفل (پسر عمویش) شنیده بود که حضرت محمد در آینده پیامبر امت اسلام خواهد بود.

برابر نقل مورخان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هیچ گاه اجیر کسی نشد و قرارداد او با خدیجه به صورت مضاربه یا شرکت بوده است.

خانم نادعلیپور کارشناس ارشد روانشناسی که از فضا لیسانس الهیات دانشگاه تهران را نیز در رزومه خود دارد بعد از پایان گفتگو گفت: برخی از کسانی که می‌خواهند با زن بزرگتر از خود ازدواج کنند برای تأیید خود مثال ازدواج پیامبر با خدیجه را می‌آورند که من در پاسخ می‌گویم این یک قیاس مع الفارق است، ما چطور به خودمان اجازه می‌دهیم که زندگی مان را با معصومین مقایسه کنیم. وی در ادامه می‌گوید دهم ماه رمضان سالروز وفات این بانوی بزرگ اسلام است که خوب است حکایت ازدواج این بانوی بزرگ و ارزشمند را از زبان جابر انصاری بخوانیم.

جابر می‌گوید:

ابوطالب تصمیم داشت برای حضرت محمد همسری برگزیند، ولی توانایی مالی چندانی نداشت. به همین دلیل به او گفت: «خدیجه از خویشان ماست و قریشیان هر سال با اموال او برای تجارت به شام می‌روند و هر کدام دستمزد چشمگیری از او می‌گیرند. تو هم به این کار تمایل داری؟»

پیامبر فرمود: «آری.»

ابوطالب همراه او به خانه خدیجه رفت؛ خدیجه پیشنهاد آنها را پذیرفت و به غلام خود، میسره، گفت: «تو و این اموال در اختیار محمد هستید.» حضرت محمد نیز همراه میسره راهی تجارت شام

شد.

پیامبر در این سفر سود فراوانی به دست آورد و به نزد خدیجه برگشت. او در غرفه مخصوص خود با زنان نشسته بود که دید سواری از دور آشکار شد؛ ابری بر سر او سایه افکنده بود و همراه او حرکت می‌کرد و نیز دو فرشته از راست و چپ سوار با شمشیری در هوا همراه او حرکت می‌کردند.

خدیجه گفت: «این سوار باید بسیار گرانبهادر باشد؛ ای کاش به خانه من بیاید!» وقتی متوجه شد که او محمد است و به سوی خانه او می‌آید، پاپره‌نه برای استقبالش به در خانه شتافت.

بعداً وقتی میسره از کرامت‌های پیامبر در سفر شام برای خدیجه تعریف کرد، خدیجه پیکتی نزد

فلسفه ماه رمضان فقط روزه‌داری و گرسنگی کشیدن و همدردی با گرسنگان نیست. رمضان یک درس با چند سرفصل است که هر کدام از این سرفصل‌ها نیاز به سال‌ها آموزش دارد



رمضان و کودکان

شهدی به شیرینے روزہ

○ ایلیا حسینی

مادرم دارم که به ما این حلاوت را ذره ذره تزریق می‌کرد. با موضوع کودکان و ماه رمضان با سید صفا دادوند کارشناس تربیتی به گفتگو نشستیم. **با توجه به تغییر در سبک زندگی مردم آیا نگرش خانواده‌ها به انجام مناسک دینی کم‌رنگ شده است؟**

در سبک زندگی مردم تغییر ایجاد شده در دین که تغییری ایجاد نشده است. این مناسک از ابتدا بوده و به امروز رسیده.

منظورم این است که تربیت دینی در خانواده‌ها چگونه است؟

من فکر می‌کنم خانواده‌های تمام تلاش خود را دارند که فرزندان‌شان را با اخلاص و معنویت بزرگ کنند. حتی کسانی که ادعای روشنفکری از نوع غربی دارند وقتی می‌گویند ما می‌خواهیم اخلاق را به کودکان یاد بدهیم باز دارد به دین رجوع کند. اخلاق بخشی از دین است. و حتی نقل است که پیامبر فرموده «من مبعوث شدم تا مکارم اخلاق را کامل کنم».

برویم سر مبحث خودمان، واقعا این امکان هست که انجام اعمال سختی چون روزه را به کودکان آموخت؟

بین کارشناسان در مورد اعمال دینی اختلاف نظر هست اما به نظر من می‌شود. وقتی همین کارشناسان معتقدند کودک در شکم مادر آموزش می‌بیند، موسیقی را درک می‌کند، قصه می‌شنود و... نمی‌تواند با دین و اصولش آشنا شود. **چطور؟**

ببینید ما فقط روزه را پرهیز از آشامیدن می‌دانیم و تحمل گرسنگی و تشنگی. خب معلوم است یک کودک ۵-۶ ساله از نخوردن و نیاشامیدن آسیب می‌بیند. حرف ما این است که کودک را قبل از بلوغ برای انجام اعمال دینی واجب آماده کنیم. بستری فراهم کنیم که فرزند ما با شادی و نشاط به استقبال ماه مبارک برود. روی سجاده بنشیند و...

چطور این بستر را فراهم کنیم؟

فلسفه ماه رمضان فقط روزه‌داری و گرسنگی کشیدن و همدردی با گرسنگان نیست. رمضان یک درس با چند سرفصل است که هر کدام از این سرفصل‌ها نیاز به سال‌ها آموزش دارد. اول اینکه

یعنی مادر در سکوت همه کارهایش را کرده است. سفره را پهن کرده، غذا را کشیده و منتظر بیدار شدن ما است تا همه در کنار هم سحری بخوریم. هیچ‌کس خواب‌آلود نبود. شور و شوق سحر وصف ناشدنی است و افطار هم حکایت خودش را داشت. روزه هم که کله گنجشکی می‌گرفتیم و آرزویمان رسیدن به سن بلوغ بود که بتوانیم روزه را کامل بگیریم. و تمام آن خاطرات خوب و شیرین را از

ماه رمضان از آن ماه‌های شیرین و پرخاطره‌ای است که اغلب ما حلاوت آن را چشیده‌ایم. ماهی که باید گرسنگی و تشنگی‌اش در خاطر بماند، اما اینگونه نیست و هر چه خاطره است از افطار و سحر است. از آذان و دعای سحر. یادش بخیر با التماس از مادر می‌خواستیم ما را برای سحر بیدار کند و مادر نیازی به سفارش و التماس ما نداشت. وقت سحر که صدای دعای سحر توی خانه می‌پیچید





روزه‌های بی افطار

ماه رمضان را خوب معرفی و تبیین کنیم. وقتی خودمان مشتاق آمدن این ماه باشیم و مدام لذت و شیرینی این ماه را تکرار کنیم حتما کودک ما اشتیاق پیدا می‌کند. ماه رمضان، ماه عبادت است بنابراین، این جنبه را برای کودک پررنگ کنید و از رحمانیت و بخشندگی خدا برای کودک حرف بزنیم که اگر در این ماه که ماه دعا و عبادت است خداوند زودتر از همیشه جواب می‌دهد و البته دعاها را قشنگ و با محتوا به کودک یاد بدهیم. شأن دعا را در حد مادیات پایین نیاوریم که خدایا ماشین فلان بخریم، خانه فلان و... این دعاها بین شما و خدایتان است کودک را وارد بحث بازار نکنید بلکه دعاهایی چون دعا برای سلامتی همه بیماران، دعا برای پیروزی رزمندگان مدافع حرم، دعا برای بچه‌هایی که پدرشان در جنگ است و... یک سرفصل دیگر همدردی کردن با مستمندان است یاد بدهیم که خیرات کنیم. ایثار و بخشش. اگر کمکی می‌کنیم کودکمان واسطه آن کار خیر باشد.

شکرگذاری از نعمات خداوند و... اما باز ما یک پیش نیازهایی لازم داریم.

مثلاً؟

اول من به عنوان والد باید خودم آگاه باشم و با خلوص نیت و به دور از غر زدن و آبی تشنمه، آبی گشنمه و... روزه‌داری کنم. نشاط و شادی باید در نگاه من تصویر شود.

سفره افطار ساده خود را بسیار زیبا تزئین کنیم. چیدمان سفره باید مثل چیدمان یک ضیافت باشد و شور و شوق در کودک ایجاد کند. اگر کودکی اولین سال است که روزه‌داری می‌کند برایش جشن بگیرید.

کودک را کم‌کم با سختی روزه هم آزمایش کنید که همان روزه کله گنجشکی معروف است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «ما کودکان را در هفت سالگی به روزه گرفتن، به اندازه‌ای که توان آن را دارند، تا نصف روز، بیشتر یا کمتر، دستور می‌دهیم. هرگاه تشنگی و گرسنگی بر آنها غلبه کرد افطار می‌کنند، تا به روزه عادت کنند و توان روزه‌داری بیابند. شما کودکان را در نه سالگی به روزه گرفتن، به هر اندازه که می‌توانند، امر کنید و هرگاه تشنگی بر آنها غلبه کرد افطار کنند.»

در جلسات عبادی این ماه کودک را همراه خود ببرید. سحرگاه کودک را بیدار کنید البته نه با زور و سر و صدا، به خواست خود کودک.

نقش پدر بیشتر است یا مادر؟

هر دو در کنار هم. یک سری از وظایف به عهده پدر است و یک سری بر عهده مادر. فراموش نکنیم که پدر و مادر اولین و مهمترین الگو و مربیان کودک هستند. بنابراین باید در امر آموزش مسائل دینی به مربیان فردا کوتاهی نکنند و خود را مجهز به سلاح علم و دانایی کنند.

خودداری کرده‌اند. در ماه رمضان صبحانه و ناهار را برای افطار نگه می‌داشتیم و شام را برای سحر، اما تا دو روز از هیچ کدام از وعده‌های غذایی خبری نشده بود، و از آن مهم‌تر اینکه از برادر مؤذن‌مان هم هیچ اطلاعی نداشتیم. گرسنگی و تشنگی به شدت به اسرا فشار آورده بود و چون این اقدام عراقی‌ها، به صورت ناگهانی اتفاق افتاد، اسرا هیچ‌گونه ذخیره غذایی در آسایشگاه‌شان نداشتند. بالأخره بعد از دو روز صبرها لبریز شد و اسرا با وحدت کامل تصمیم به برگزاری تظاهرات گرفتند و در جریان تظاهرات شیشه‌ها و پنجره‌های آسایشگاه را شکستند و خواستار بازگشت مؤذن و اتمام وضعیت قطع غذا گشتند. عراقی‌ها گرچه همیشه از آزار و اذیت اسرا لذت می‌بردند اما زمانی که دیدند خشم اسرا به سرحد خود رسیده است، به شرط عدم اذان‌گویی، به ناچار خواسته‌های آنان را عملی کردند.

راوی: عبدالمجید سراوانی

ماه رمضان فرا رسیده بود. گرچه عراقی‌ها دل خوشی از روزه گرفتن اسرا نداشتند و از این موضوع راضی به نظر نمی‌رسیدند، اما جلوی روزه گرفتن آن‌ها را هم نمی‌گرفتند. با رسیدن این ماه مبارک، همه برادران در حال و هوای دیگری قرار گرفتند و اعمال عبادی با جدیت بیشتری دنبال می‌شد.

یک روز موقع افطار یکی از اسرا که صدای زیبایی داشت، بلند شد و شروع به گفتن اذان کرد، اما هنوز چند جمله‌ای از اذان را سر نداده بود که چند سرباز بعثی در حالی که مضطرب و عصبانی به نظر می‌رسیدند، وارد آسایشگاه شدند و بلافاصله او را با خود بردند. آن‌ها قبل از رفتن فریاد زدند: «از این به بعد هیچ کس اجازه گفتن اذان را ندارد.» آن شب گذشت و از برادر مؤذن خبری نشد. فردا صبح که مسئولان غذا برای گرفتن صبحانه راهی آشپزخانه شدند، متوجه شدیم که عراقی‌ها برای تنبیه کردن اسرا به اسرا گفتن اذان دیشب، از دادن غذا به اسرا

روحیه شهادت طلبی در سجاد به وضوح پیدا بود به گونه‌ای که فرماندهان و دوستانش به شوخی از او می‌خواستند که از آن‌ها فاصله بگیرد و به او می‌گفتند که چهره‌اش نورانی است و اگر کنار ما قرار بگیری ممکن است ترکشی به ما اصابت کند. (راوی پدر شهید)

زندگینامه شهید مدافع حرم سجاد طاهر نیا

می‌روم تا انتقام سیلی مادر بگیرم

به عنوان هدیه تقدیمش می‌کرد. (راوی همسر شهید)

هزینه مراسم فاطمیه

آقا سجاد علاقه زیادی به استاد احدی داشت آخر هفته‌ها توفیق داشت پای درس استاد حاضر شود و خیلی مواقع تا تهران همراه استاد می‌شد و مسئولیت بردن ایشان را تا جلسه تهران به درخواست خودش قبول می‌کرد. هر چند وقتی یکبار استاد مبلغی بابت ایاب و ذهاب به ایشان می‌داد. سجاد این مبالغ را در گوشه‌ای نگه می‌داشت تا ایام فاطمیه برسد و همه مبالغ جمع شده را به دفتر استاد می‌برد و از استاد می‌خواست این مبالغ را برای مراسم بی بی که هر ساله در دفتر برپا می‌شد هزینه کند. (راوی همسر شهید)

روحیه شهادت طلبی

سجاد یک نیروی زبده و آموزش دیده عملیاتی بود. روحیه کاری قوی و حس مسئولیت‌پذیری داشت و تا هنگامی کارش به اتمام نمی‌رسید محل کارش را ترک نمی‌کرد. در اکثر اوقاتی که با منزلش در قم تماس می‌گرفت همسرش می‌گفت که هنوز در محل کار است و به خانه نیامده. روحیه شهادت طلبی در سجاد به وضوح پیدا بود به گونه‌ای که فرماندهان و دوستانش به شوخی از او می‌خواستند که از آن‌ها فاصله بگیرد و به او می‌گفتند که چهره‌اش نورانی است و اگر کنار ما قرار بگیری ممکن است ترکشی به ما اصابت کند. (راوی پدر شهید)

نماز اول وقت

همیشه و در همه شرایط تلاش می‌کرد نمازش را اول وقت بخواند. نیم ساعت قبل از اذان کارهای خودش را با اذان هماهنگ می‌کرد که مبدا از خواندن نماز اول وقت جا بماند. اضطراب نماز اول وقت همیشه در چهره‌اش نمایان بود. بارها اذان را که می‌شنوید در اولین مکان توقف می‌کرد و به سمت اقامه نماز حرکت می‌کرد. (راوی دوست شهید)

دست از ریا بردار

سجاد عزیز در اخلاق اسوه بود در طی این سال‌ها به جرات می‌توانم بگویم کلمه لغوی از او نشنیدم. با سجاد اردوهای زیادی رفتیم شب‌های متعددی در پیش یکدیگر بودیم اهل تقوی بود و نماز شب خوان؛ بارها برای همین نماز شب‌ها با او شوخی می‌کردیم که دست از ریا بردار. (راوی دوست شهید)

شهدای گمنام

در گلزار شهدا بودیم وقتی بالای سر شهدای گمنام رسیدیم شهید روح‌الله بر سر یکی از قبرها نشست که تاریخ تولد شهید نظرش رو جلب کرده بود، شهید گمنام هم سن خودش بود. شهید بابایی زاده هم همینطور و شهید آقا سجاد هم بر سر قبر یک شهید دیگری که تاریخ تولدش تا شهادتش رو که دقت می‌کردی می‌شد سن آقا سجاد...

یکی ششون گفت: «اینا هم سن ما بودن شهید شدن و ما...». بقیه هم به نشان تایید حرفش سری تکیون دادن و سکوت کردند... (راوی هم‌رزم شهید)

عشق به فوتبال

از بچه‌گی عاشق فوتبال بود هر جایی که فرصت می‌شد با بچه‌ها به فوتبال راه می‌انداخت نوعش مهم نبود از گل کوچک گرفته تا چمن مصنوعی یا داخل

دیروز در عاشورای سال ۶۱، زینب بود و اسارت و ناله کودکان در دشتی پر از خون و بلا. کسی نبود که زینب را یاری کند. اینک عاشورای دیگری در زینبیه برپاست با این تفاوت که جوانان دلیری هستند تا از حرم زینب دفاع کنند و شعار کلنا عباسک یا زینب سردهند. جوانانی که جان را فدا می‌کنند و به امام روز عاشورا می‌پیوندند. در این شماره گذری داریم بر زندگی پاسدار شهید سجاد طاهر نیا.

تولد

بهار ۱۳۶۴ بود که دومین گل در باغچه خانواده طاهر نیا روییده شد. سجاد اسمی بود که خانواده برایش انتخاب کردند. او در فضایی مذهبی تربیت شد. در کنار پدری که سه سال قبل از تولد سجاد به عضویت سپاه درآمد بود و مصادری که تمام تلاشش را می‌کرد که فرزندان مؤمن تربیت کند. در



ازدواج

یکی دو سال از رفتنش به سپاه گذشته بود و سجاد در قم ساکن بود و ما به دنبال همسری مناسب برایش بودیم. خواهر دوست سجاد را دیدم. راجع به ازدواج با سجاد صحبت کردم، اول مخالفت کرد. نگران بود که نکند دوستش بخاطر این پیشنهاد از او ناراحت شود. با اصرارهای ما بالاخره راضی شد و در سال ۸۷ ازدواج کرد و به خواسته خودش مراسم عقدش را در مسجد جمکران قم برگزار کردیم. او راضی نبود که برایش مراسم عروسی گرفته شود و تأکید داشت که اگر قرار است جشنی برگزار شود در مهدیه رشت این مراسم برگزار شود. (راوی مادر شهید)

ابراهیم هادی

آقا سجاد اهل مطالعه بود. او عاشق شهید ابراهیم هادی بود. به هر کسی از دوستان می‌رسید یک جلد کتاب ابراهیم به او می‌داد و می‌گفت: «بخون بعد بهم برگردون». همیشه چند جلد کتاب تو ماشین همراه داشت و به صورت گردشی به دوستان و آشناها می‌داد. گاهی خواننده کتاب از بس عاشق کتاب می‌شد که دیگه بازگشتی تو کار نبود و آقا سجاد اون کتاب رو

سن ۸ سالگی فعالیت‌های خود را در مسجد شروع کرد. بزرگتر که شد نیز پایگاه بسیج مسجد صاحب الزمان (عج) محله یخساز رشت فعالیت‌های خود را ادامه داد. (راوی پدر شهید)

ایثار در مدرسه

اول دبیرستان که بود، یکی از هم‌کلاسی‌هایش کار اشتباهی کرده بود. وقتی معلم پرسیده بود کی این کار رو کرده؟ سجاد گفته بود: من! معلم هم گوش سجاد رو گرفته بود و از کلاس بیرونش کرد. دوستاش وقتی ازش پرسیده بودن چرا این کار رو کردی، گفته بود: چون ممکن بود اون دانش‌آموز رو اخراج کنن. فقط چند روزه که پدرش فوت کرده. (راوی مادر شهید)

عضویت در سپاه

بعد از گرفتن دیپلمش به خانواده اعلام کرد «می‌خوام برم سپاه». پدرش راضی نبود می‌گفت: دانشگاه باید در اولویت باشه» اما وقتی من شنیدم گفتم: بهتر از سپاه کجا هست که بره؟! با تایید من، رضایت پدرش جلب شد و در ۱۸ سالگی به سپاه پاسداران انقلاب

احترام ویژه‌ای برای سادات قائل بود. وقتی در مسیر تهران قم، روحانی با عمامه مشکی می‌دید بلافاصله می‌گفت: «بزن کنار سوارش کنیم»

بیاورم و با رفتنش موافقت کردم. (راوی همسر شهید)

شهادت در تاسوعا

سجاد از سال ۸۴ تا ۹۴ بیشتر لحظاتی را در مأموریت عراق، سیستان و بلوچستان و شهرهای دیگر سپری کرد و هنگامی که قرار بود به آخرین مأموریتش برود با تماس تلفنی از من و خانواده خداحافظی کرد و در ۱۴ مهر ۹۴ عازم سوریه شد. سجاد در اول آبان ۹۴ که مصادف با روز تاسوعای حسینی به شهادت رسید. (راوی پدر شهید)

دو یادگار سجاد

دو فرزند از سجاد برایمان به یادگار مانده است؛ یک دختر به نام فاطمه رقیه و یک پسر به نام محمدحسین که ۱۵ روز از تولدش گذشته بود و سجاد در حین مأموریت به شهادت رسید. دیدار این پسر و پدر صحنه‌ای را رقم زد که کسی تاب تحمل آن را نداشت. (راوی پدر شهید)

قسمتی از وصیت‌نامه

فرزندان!

نمی‌دانم چه حکمتی می‌باشد؟ از خداوند سی سال عمر هدیه گرفتم، اما خوب استفاده نکردم و فقط شاید افتخارم نوکری ارباب باشد و دختر سه ساله‌ی ایشان که دو فرزندم را هدیه‌ی این بی‌بی سه ساله

می‌ساخت برای پرواز. (راوی همسر شهید)

نگاه معصومانه

در مزار شهید دیدمش از آن دوست‌هایی بود که هر وقت رشت می‌آمد حتما یک شام در منزل ما مهمان بود و یا اگر من قم می‌رفتم حتما منزلشان می‌رفتم. آن روز هم دعوتش کردم اما گفت آمده‌ام به مادرم سر بزنم و بروم، گفت که مأموریتی در پیش دارم اگر همدیگر را ندیدیم حلالم کن برادر، گفتم این چه حرفی است. اما آن حلالیت طلبی خیلی جدی بود بعد رفت کنار قبور مطهر شهیدا. می‌دیدم گردنش را کج کرده و با نگاه معصومانهای به قبور شهیدا خیره شده است. (راوی همسر شهید)

مهر شهادت

یک‌ماه قبل از شهادت آقا سجاد بود برای انجام کاری دنبال شناسنامه‌هایمان می‌گشتم. یکی یکی شناسنامه‌ها را باز می‌کردم و صفحات آن را روق می‌زدم که حضور گرم آقا سجاد رو در مقابلم احساس کردم، مثل همیشه تا یک گوشه ساکت مشغوله کاری می‌شدم خودش را می‌رساند. ولی این بار حضورش بی هدف نبود، شناسنامه‌اش را از جلوی من برداشت و صفحه آخرش را باز کرد و انگشتش را گذاشت روی کلمه وفات و به من گفت: «خانم اینجaro می‌بینی؟» گفتم: «بله» گفت: «این قسمت هیچ‌وقت برای من پر نمیشه

سالن، می‌گفت لذت می‌برم از بازی. تازه سال‌های آخر می‌گفت فوتبال بازی کردنش کم شده. روزهای آخر تو سوریه دو روز قبل از عملیات با چندتا از نیروهای سوری و دوستاش دوباره فوتبالی راه انداختند، ما هم تماشاچی شده بودیم.

تعامل بین بچه‌ها با دوتا جوان سوری خیلی جالب بود تو بازی اینقدر بهشون احترام می‌گذاشتن که قابل تامل بود و این دو جوان هم همه‌اش با لیخند و سر تکان دادن جواب محبت بچه‌ها رو می‌دادند. جالب‌ترین قسمت همونجایی بود که بچه‌ها به اصطلاح عربی که فارسی شکسته شده بود می‌خواستند حرفی رو به اونها برسوند ما که از خنده می‌مردیم... (راوی همسر شهید)

دعای مادر شهید

شهید مجتبی بابایی‌زاده در کنار شهید آقاسجاد بعد مراسم تدفین شهید نوزاد در منزلش نشسته بودند. مادر شهید نوزاد بسیار صبور بود و به صحبت‌های آقا مجتبی گوش می‌داد، آقا سجاد که کمی عقب‌تر از آقا مجتبی نشسته بود آرام آرام اشک از چشمانش جاری بود. مجتبی از سخت بودن تحمل فراق برای مادر گفت و در آخر کلام از مادر شهید نوزاد درخواست کرد تا برای شهادت باقی دوستان دعا کند. مادر شهید با تامل در پاسخ گفت: «شما بمانید شما روح‌الله من هستم من دعا می‌کنم آقا امام زمان بیاید، چون او با



می‌دانم. درست در شبی که «محمد حسین» متولد شد و درست در همان ساعت، بنده توفیق زیارت این خانم را داشتم و حس خوبی در آن ساعات پیدا کردم. خدا را شکر و سپاس به خاطر این دو امانت.

فرماندهان:

چند سال پیش دو بزرگی که پدر شهید بودند به من توصیه کردند که دو چیز را هرگز فراموش نکنم، اول هر روز زیارت عاشورا و دوم قناعت کردن در تمامی کارها. از فرماندهان خواهش میکنم که اگر خداوند توفیق شهادت را نصیب کرد، اگر جنازه ام دست دشمنان اسلام افتاد، به هیچ وجه حتی اندکی از پول بیت المال را خرج گرفتن بنده‌ی حقیر نکنند. از فرمانده‌ی محترم این عملیات و یا «حاج قاسم» در خواست دارم فرصت دیدار با امام و سیدمان را برای خانواده‌ی این حقیر ایجاد نمایند. تا شاید این کار باعث شود زحماتشان را تا حدی جبران کرده باشم همه‌ی شما را دوست دارم و به یادتان هستم. مواظب «فاطمه رقیه» و «محمد حسین» من باشید و به همسرم کمک کنید تا روزی که خدا می‌داند.

اینجا مهر شهادت می‌خوره». اطمینان و صلابت خاصی در گفتارش به چشم می‌خورد ولی من آن موقع تمام حرف‌هایش را به شوخی گرفتم غافل از اینکه یک‌ماه بعد دقیقا همان جایی که به من نشان داده بود نوشته شد «۹۴/۰۸/۱» در حلب سوریه به فیض شهادت نائل آمد. (راوی همسر شهید)

آخرین مأموریت

با شدت گرفتن درگیری‌ها در عراق و سوریه تصمیم گرفت به سوریه برود و از حرم اهل بیت که در معرض خطر تعرض تروریست‌های تکفیری قرار گرفته‌اند دفاع کند و اعزام به سوریه تلاش‌های فراوانی داشت. فرمانده‌اش وقتی متوجه شد که فرزندمان به‌زودی متولد می‌شود نام سجاد را از لیست اعزام حذف کرد. زمانی که همسر من از موضوع حذف نامش از لیست اعزامی‌ها باخبر شد بسیار ناراحت بود و به گریه افتاد و از من خواست تا رضایت را با رفتنش اعلام کنم. من هم گریه کردم و از سجاد خواستم تا حداقل قبل از زمان تولد فرزندم در کنارم باشد اما سجاد به قدری بی‌تاب بود که نتوانستم در مقابل گریه‌هایش تاب

سیاهی از شهیدان می‌آید و قطعاً ما دوباره روح الله را خواهیم دید». (راوی همسر شهید)

احترام به سادات

احترام ویژه‌ای برای سادات قائل بود. وقتی در مسیر تهران قم، روحانی با عمامه مشکی می‌دید بلافاصله می‌گفت: «بزن کنار سوارش کنیم». همین که ماشین توقف می‌کرد سریع از ماشین پیاده می‌شد و سید روحانی رو با اصرار روی صندلی جلو سوار می‌نشاند و خودش عقب می‌نشست. همه این احترام به خاطر عشق به حضرت‌زهر(س) بود، شب عملیات اتیکتش که روی آن نوشته شده بود «می‌روم تا انتقام سیلی مادر بگیرم» همراه داشت. (راوی همسر شهید)

حسرت شهادت

مقداری از موهای اطراف سرش سفید شده بود. هر وقت جلوی آینه می‌ایستاد و خودش را می‌دید، آهی با حسرت می‌کشید و می‌گفت: «آخر پیر شدیم و شهید نشدیم». آن قدر با حسرت و نگرانی این جمله را بیان می‌کرد که اشتیاق به شهادت را در کلامش می‌دیدم، او با این جملات مرا آماده می‌کرد و خودش را مهیا

در حال حاضر عراق درآمدهای خوبی در زمینه فروش نفت دارد، در این زمینه فروش این کالا در بازار بین‌المللی فعال و موفق بوده بنابراین می‌تواند درصدی از درآمد فروش نفت را برای پرداخت غرامت به ایران اختصاص بدهند



راه و چاه...

حق گرفتنی است

احترام عبدی

پس از بازگشت از اولین سفر خود در گزارشی به دبیرکل سازمان ملل نوشت «میزان خسارات وارده به زیرساخت‌های ایران چنان گسترده است که بازسازی آن سال‌ها طول می‌کشد». پس از سفر دوم این هیات، دبیرکل گزارشی ۱۹۱ صفحه‌ای به اعضای شورای امنیت ارائه کرد (روزنامه جام جم، اول شهریور ۱۳۹۰) که در آن خسارات مستقیم وارده به ایران ۹۷ میلیارد دلار برآورد شده بود. طبق این گزارش «در ۲۴ استان کشور، پنج استان صحنه نبرد بود و ۱۱ استان دیگر هدف حمله‌های هوایی و موشکی مکرر قرار گرفت. این ۱۶ استان، دو سوم جمعیت ۵۰ میلیونی کشور را در خود جای می‌داد ... طبق اظهارات مقامات ایرانی، بیش از ۵۰ شهر و شهرستان و نزدیک به ۴ هزار روستا در این جنگ به میزان مختلف متحمل خسارت شدند و تعداد بسیاری نیز با خاک یکسان شده‌اند که باید آن‌ها را به این تعداد اضافه کرد. در مجموع، کل واحدهای مسکونی که بنا به گزارش‌ها در جنگ تخریب شد، بیش از ۱۳ هزار بود و ۱۹۰ هزار واحد نیز به شدت خسارت دید. هیات سازمان ملل تعداد قابل ملاحظه‌ای از این محل‌ها را مورد بازدید قرار داد و خسارات وارده را تایید کرد. این جنگ در تخریب مناطق مسکونی و غیرنظامی تأثیر مستقیم و اسفباری داشت که طبق برآوردهای دولت، ۱۴ هزار غیرنظامی کشته و هزار نفر مجروح شدند که از این تعداد، حدود ۳۷ هزار نفر معلول هستند. به علاوه، در حدود یک میلیون و ۲۵۰ هزار نفر نیز مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شدند.» (روزنامه سرمایه، ۵ مهر ۱۳۸۵)

اما رقم خسارتی که ولایتی با اشاره به «بررسی‌های انجام شده توسط کارشناسان و نمایندگان سازمان ملل و شورای امنیت» اعلام کرد، ده برابر آن، ۹۵۰ میلیارد دلار بود که به گفته او «عراق موظف به پرداخت آن شده است.» (روزنامه رسالت، ۱۵ تیر ۱۳۷۱) رقم ۹۵۰ یا ۱۰۰۰ میلیارد دلار، مطالبه ایران از عراق بود و چنانکه بعدها هاشمی رفسنجانی گفت «۱۰۰۰ میلیارد دلار خسارت جنگ است. با کارهایی که انجام دادیم شورای امنیت را قانع کردیم که عراق آغازکننده جنگ بوده ولی در مورد غرامت با ۱۰۰ میلیارد دلار آن موافقت شد که البته هنوز پرداخت نشده است.» (خبرگزاری مهر، ۹ اردیبهشت ۱۳۹۲) حال آنکه طبق توضیحات سید کمال خرازی وزیر خارجه دوره اصلاحات، در قطعنامه ۵۹۸ هیچ اشاره‌ای به پرداخت غرامت به ایران نشده بلکه طبق این قطعنامه باید «یک صندوق بین‌المللی بوجود بیاید و کشورهای مختلف در آن صندوق پول بریزند و بر اساس ارزیابی خسارت که از طرف سازمان ملل انجام می‌گیرد به دو طرف برای بازسازی خرابی‌هایشان کمک بشود. در اجرای بند ۷ دبیرکل نماینده خودش را به ایران فرستاد و ارزیابی کرد که میزان خسارات وارده به ایران چقدر بوده که نزدیک به ۱۰۰ میلیارد دلار ارزیابی کرد و از طرف عراق این کار انجام نگرفت و همچنان ماند و چنین صندوقی هم

سازمان ملل چنانکه طارق عزیز از او نقل کرده، در یکی از مذاکراتش (پیش از اجرای آتش‌بس) به خسارات عراق اشاره کرده و گفته بود «چه کسی غرامت خسارات عراق را خواهد داد؟ عراق هم باید غرامت بگیرد.» علی‌اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه وقت حتی پیش از گزارش دبیرکل سازمان ملل تأکید کرده بود «ما به دنبال اجرای کامل و دقیق قطعنامه شورای امنیت هستیم و تأمین خسارات وارده در طول جنگ تحمیلی به ایران و پرداخت غرامت از سوی عراق چیزی است که هرگز از آن نمی‌گذریم.» (روزنامه کیهان، ۱۲ اسفند ۱۳۶۹) مطالبه‌ای که رئیس مجلس سوم در دیدار با معاون دبیرکل سازمان ملل تکرار کرد (روزنامه رسالت، ۵ تیر ۱۳۷۰) و هم مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت درباره گرفتن غرامت از عراق ابراز امیدواری کرد تا «پیروزی‌های انقلاب اسلامی یا فتح سیاسی در صحنه بین‌المللی پس از فتح در عرصه نبرد تکمیل شود.» (روزنامه همشهری، ۶ بهمن ۱۳۷۱) دبیرکل سازمان ملل برای اجرای بند هفتم قطعنامه که به بررسی خسارت‌ها اشاره داشت، عبدالرحیم آبی فرح، معاون پیشین خود را همراه با هیاتی در سال ۱۳۷۰ راهی ایران کرد. در این سفر، اطلاعاتی درباره استان‌هایی که صحنه عملیات‌های جنگی یا هدف حملات هوایی و موشکی بوده‌اند، مراکز شهری و روستایی که با خاک یکسان شده یا خسارت کلی دیده، خانه‌های مسکونی که کاملاً منهدم شده و یا آسیب جدی دیده‌اند، غیرنظامیانی که کشته، مجروح یا برای همیشه از کار افتاده‌اند و میلیاردها ریال خسارت‌های سنگینی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به بخش‌های اقتصادی از جمله در بخش کشاورزی و بویژه نابودی باغ‌های نخل بر ایران وارد شده بود در اختیار این هیات قرار گرفت. این هیات

قطعنامه ۵۹۸ و اعلام آتش بس تمام خواسته تیم دیپلماسی ایران نبود، تیم دیپلماسی ما در مذاکرات به نمایندگی از ملت ایران به دنبال این بودند که مقصر واقعی در شروع جنگ هشت ساله با تمام خسارات مادی و معنوی‌اش بود، باید مقصر واقعی شناخته می‌شد و تلاش‌ها بالاخره نتیجه داد و علی‌رغم حمایت بسیاری از کشورهای غربی و حاشیه خلیج فارس با وجود شواهد و ادله بسیار ایران توانست در سازمان ملل حقانیت خود را به اثبات برساند و در سال ۱۹۹۱ «خاویر پرز دکوئیار» (دبیرکل وقت سازمان ملل متحد) با استناد به نظر گروه ناظر سازمان ملل متحد، رسماً عراق را بعنوان آغازگر جنگ معرفی کرد و از خواسته ایران برای دریافت غرامت جنگی پشتیبانی کرد.

پس از معرفی عراق بعنوان آغازگر جنگ، فرآیند بررسی خسارات وارد شده به ایران آغاز شد و در نهایت خسارات وارده به ایران در طول جنگ هشت ساله، ۹۷ میلیارد دلار برآورد شد؛ رقمی که بسیار با واقعیت فاصله داشت و اعتراض ایرانیان را نیز برانگیخت؛ تعیین غرامت ۹۷ میلیارد دلاری در حالی رقم خورد که تنها خسارات مستقیم وارده به کویت توسط عراق در جنگ اول خلیج فارس ۲۴۰ میلیارد دلار برآورد شده بود؛ در حالی که کویت در قیاس با ایران کشوری بسیار کوچک‌تر بود و در مقایسه با ایران، زیرساخت چندان‌ی نیز نداشت که از بین رفته باشد.

غرامت کی داده، کی گرفته؟

پس از تعیین آغازگر جنگ، نوبت به بند هفتم قطعنامه ۵۹۸ رسید که تاکنون اجرایی نشده است. هدف ایران پس از اعلام صدام حسین به عنوان متجاوز، دریافت غرامت جنگی بوده اما دبیرکل

دفاع همچنان باقیست...

قطعنامه ۵۹۸





کرد. وزیر خارجه وقت ایران این را «اقدامی به عنوان ثبت در سازمان ملل که ما خواهان پرداخت غرامت هستیم» ارزیابی کرد. در سال ۸۳ که همه کشورها میزبان مطالباتشان از عراق را ثبت می‌کردند، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با وزارت امور خارجه، مطالبات مستقیم و غیرمستقیم ایران را در صندوق بین‌المللی پول به ثبت رساند و با اشاره به

ارزیابی سازمان ملل مبنی بر اینکه میزان خسارات ایران در این جنگ ۹۷.۲ میلیارد دلار به عنوان خسارات مستقیم غیرنظامی بوده، این را به عنوان مطالبات ایران از عراق ثبت کرد. (مشروح مذاکرات مجلس هفتم، ۲۹ مهر ۱۳۸۳)

سفیر سابق عراق: به کویت غرامت دادیم؛ مسئله غرامت ایران هم باید حل شود

«مجدد الشیخ» سفیر عراق در ایران زمانی که موضوع دریافت غرامت جنگ از عراق مطرح بود در گفت‌وگو با رسانه‌های ایرانی، پرداخت غرامت جنگی به ایران را هم رده تبادل اسرا دانسته و گفته بود: همان‌طور که مسئله اسراء، مفقودالاثرا و میله‌های مرزی آبی و خشکی حل شد، مسئله پرداخت غرامت جنگی به ایران نیز باید حل شود.

سفیر عراق همچنین درباره پرداخت غرامت جنگی این کشور به دولت کویت نیز اظهار داشته است: پس از جنگ با ایران، عراق جنگ با کویت را نیز تجربه کرد و مجموع مطالبات دولت کویت تحت‌الشعاع قطعنامه شورای امنیت، ۴۱ میلیارد دلار بوده است که ۳۴ میلیارد دلار آن از صندوق ویژه پرداخت شده و ۷ میلیارد باقی مانده است. برای پرداخت این مبلغ مذاکرات و تفاهم‌هایی میان دولت‌های کویت و عراق صورت گرفت.

حق مسلم ما

محمد کاظمی در گفت و گو با خبرنگار خبرگزاری خانه ملت، در خصوص پیگیری غرامت ایران از عراق به واسطه هشت سال جنگ تحمیلی اظهار داشت: غرامت ایران از جنگ تحمیلی قانونی و شرعی است، شکی در این نیست که عامل تجاوز به کشور ما صدام بوده و باید خسارت‌های مادی از سوی دولت عراق بر اساس قوانین بین‌المللی پرداخت شود.

نماینده مردم پلدختر در مجلس دهم شورای اسلامی ادامه داد: درست است که در شرایط کنونی ایران با دولت فعلی عراق روابط مناسبی دارد و مشکلی بین دو کشور به چشم نمی‌آید اما این دلیل نمی‌شود که

به وجود نیامد که کشورهای مختلف در آن صندوق پول بریزند و از آن برای بازسازی به نفع دو کشور هزینه شود... ساختار ۵۹۸ صحبت از غرامت نمی‌کند بلکه همین‌طور که عرض کردم، صحبت از صندوقی می‌کند که دیگران در آن صندوق پول بریزند و به دو کشور برای بازسازی‌شان کمک بکنند... این ساختار ۵۹۸ است که در آن زمان نوشته شده بود و طبیعتاً تحت نفوذ قدرت‌ها در شورای امنیت به این ترتیب تنظیم شده بود که ما نتوانیم از طریق ۵۹۸ ادعای خاصی را انجام بدهیم به جز اینکه برای بازسازی به ما کمک بشود ولی این به این معنی نیست که ما از غرامت صرف‌نظر کرده بودیم بلکه یکی از محورهای اصلی مذاکرات دوجانبه ما با عراقی‌ها مسئله غرامت بود. آن‌ها اصرار بر این داشتند که مسئله غرامت به فراموشی سپرده شود و ما نمی‌توانستیم چنین کاری را بکنیم چون به هر صورت از اینکه عراق جنگ را آغاز کرد کسی تردید ندارد و بنابراین نفس این قضیه می‌تواند حقوقی را برای ما مترتب بکند.» (مشروح مذاکرات مجلس ششم، ۱۲ شهریور ۱۳۸۲)

خرازی این توضیحات را برای نمایندگان مجلس هفتم هم تکرار کرد؛ زمانی که رژیم صدام حسین ساقط شده و پرداخت غرامت عراق به کویت با عدم پیگیری غرامت ایران از عراق مقایسه می‌شد. وزیر خارجه وقت گفت که عراق طبق قطعنامه شورای امنیت موظف به پرداخت غرامت به کویت شده است در حالیکه قطعنامه ۵۹۸ چنین سازوکاری تعیین نکرده است. بنابراین ایران از مسیرهای دیگری درصدد جبران خسارات جنگ برآمد. پس از اجلاس سران کنفرانس اسلامی در تهران که معاون رئیس‌جمهور عراق در آن شرکت کرد، قرار شد پنج کمیته برای بررسی مسائل ایران و عراق تشکیل شود که یکی از آن‌ها کمیته مطالبات بود که بحث غرامت در آن می‌گنجید.

با وجود اینکه قطعنامه ۵۹۸ اشاره‌ای به پرداخت غرامت از سوی عراق نکرده، ایران مطالبات خود را در کانال روابط دوجانبه پیگیری کرد، سفرهای وزرای خارجه ایران و عراق پیش از سقوط صدام، برای پیگیری این امور بود. نهایتاً در ۲۱ بهمن ۱۳۸۱، عراقی‌ها پیغامی برای سیدمحمد خاتمی، رئیس‌جمهور وقت فرستادند که در آن بر عهده‌نامه ۱۹۷۵ که یکی از خواسته‌های ایران بود تأکید کردند. در زمینه مطالبات هم مکانیزم‌هایی در دست طراحی بود که به شیوه‌ای این خسارات جبران شود اما عمر رژیم صدام کفاف نداد. ایران پس از سقوط رژیم صدام، نامه‌ای در روز ۱۶ اردیبهشت ۸۲ به دبیرکل سازمان ملل فرستاد و با اشاره به شناسایی رژیم عراق به عنوان متجاوز از سوی دبیرکل سابق، خواست با سر کار آمدن دولت جدید در عراق، برای تامین و جبران خسارات و پرداخت غرامت به ایران اقدام شود. دبیرکل سازمان ملل در پاسخ به درخواست ایران گفت: «با توجه به وضعیت فعلی عراق که در آن یک حکومت شناسایی شده‌ای وجود ندارد باید جبران خسارات را به تشکیل دولت ملی در عراق و از طریق مذاکرات دوجانبه موکول

خسارت وارده به ملت از هشت سال جنگ تحمیلی پرداخت نشود در حالی که بر اساس قوانین بین‌المللی پرداخت خسارت حق مسلم ملت ماست.

وی با رد این مسئله که عراق در شرایط مادی مناسبی نیست، گفت: در حال حاضر عراق درآمدهای خوبی در زمینه فروش نفت دارد، در این زمینه فروش این کالا در بازار بین‌المللی فعال و موفق بوده بنابراین می‌تواند درصدی از درآمد فروش نفت را برای پرداخت غرامت به ایران اختصاص بدهند.

کاظمی با بیان اینکه مسئولان کشور در زمینه پیگیری غرامت جنگی جدی نیستند، عنوان کرد: البته این احتمال وجود دارد که پیگیری می‌کنند اما به اطلاع عموم مردم نمی‌رسد با این حال تأکید می‌کنم که دریافت غرامت جنگی از حقوق مسلم ملت است باید دنبال احقاق آن بود.

این نماینده در باره اینکه حقوق بین‌الملل پرداخت خسارت به دلیل تصمیم‌گیری فرد را از دولت‌ها ساقط کرده گفت: در حقوق بین‌الملل چنین چیزی نیامده است، چرا که دولت‌ها در کشور یک مجموعه منسجم یافته و مستمری است که باید به تعهدات عمل کند امروز نمی‌توانیم بگویم چون رئیس‌جمهور آمریکا تغییر کرده است ایالات متحد نباید به تعهداتش در بحث برجام پایبند باشد.

وی ادامه داد: دولت‌ها در هر منطقه نماینده ملت و تصمیم‌گیر هستند و دولت‌های بعدی موظف به انجام تعهدات و توافقات هستند اگر این چنین نباشد هیچ تعهد بین‌الملل اجرایی نمی‌شود.

عضو هیات رئیسه کمیسیون قضایی و حقوقی با بیان اینکه دریافت غرامت جنگی از عراق نیاز به مذاکره دارد، اظهار داشت: راه‌های مختلفی برای پرداخت این غرامت وجود دارد، از جمله اینکه شرکت‌های خصوصی و دولتی ایران می‌توانند در بحث بازسازی عراق پیمانکار شوند تا بدهی دولت عراق به ملت ایران تسویه شود.

مردم ایران خواهان احقاق حق خود هستند و اجازه نمی‌دهند این حق مشمول زمان شود حتی اگر طرف ما کشور دوست و برادر ما باشد.

روابط انسانی منشأ فرهنگ و زمینه‌ساز حرکت و ارتقای انسان‌ها و فقدان ارتباط به معنی سکون نسبی در زندگی انسان‌ها و مانعی بر سر راه تعالی و رشد آنهاست



مهارت‌های ارتباطی

○ مهتا کریم‌پور

سوءتفاهم‌ها و اشکالات بیشتری مواجه خواهد بود. هنگامی که ابزارها و تکنیک‌ها بر روابط انسانی سلطه می‌یابند، قوانین عاطفی و فکری دچار اختلال می‌شوند و به جای تسلط انسان بر ابزار، این ابزارها هستند که برای همه چیز، از جمله روابط انسانی تعیین تکلیف می‌کنند.

بنابراین فضای مجازی می‌تواند به عنوان وسیله‌ای برای معرفی افراد به یکدیگر عمل کند، اما نمی‌تواند جای رابطه زنده انسانی را بگیرد. فضای مجازی باید پل ارتباطی افراد جامعه باشد، نه اینکه جای آنها را بگیرد و خود به عنوان عامل تأثیرگذار وارد صحنه شود.

برخی از اندیشمندان حوزه ارتباط معتقدند وسایل ارتباط جمعی دارای چنان قدرتی هستند که توانسته‌اند نسل جدیدی با فرهنگ و ادبیات خاص خود را به وجود بیاورند، اما گروه دیگری معتقدند به شرط درایت، هوشمندی و مدیریت صحیح فرهنگی می‌توان از ابزار ارتباط جمعی در راه‌های خیر سود برد و از فواید فراوان و گسترده آن بهره گرفت. این گروه بر این باورند که وسایل ارتباط جمعی به‌رغم برخورداری از تکنولوژی برتر هنوز هم نتوانسته‌اند مثل روابط زنده و چهره به چهره انسانی تأثیرگذار باشند.

برای ایجاد و حفظ روابط سالم ارتباطی چه باید کرد؟

به حالات گوینده دقت کنید. وقتی کسی حرف می‌زند و شما سرگرم صحبت با تلفن همراه یا تماشای تلویزیون یا حرف زدن با فرد دیگری هستید، چطور از طرف مقابل توقع دارید برای

بی‌مینا به جای اقدام و در شکل‌های حاد خود، افسردگی و خودکشی است.

بنابراین در ریشه‌یابی بیماری‌های روانی پیش از آنکه به مشکلاتی چون فقر، نقص عضو، یتیمی و بیکاری توجه داشته باشیم، باید روی عدم توانایی و قابلیت فرد برای ایجاد روابط سالم اجتماعی متمرکز شویم. فلسفه صله رحم در اسلام و تأکید بسیار بر آن برای جلوگیری از بروز بیماری‌های روانی ناشی از انزوا و تنهایی است. متأسفانه یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ورود به عصر ارتباطات کاهش یا اختلال در روابط انسانی است.

رابطه مستقیم یا چهره به چهره که رابطه‌ای است بی‌واسطه بین انسان‌ها از هر ارتباط دیگری مؤثرتر و کارسازتر است، زیرا در یک ارتباط زنده بیش از آنکه واژه‌ها نقش بازی کنند، حالات فرد مؤثرند و تبادل احساسات اتفاق می‌افتد. در این نوع ارتباط همبستگی اجتماعی و آمادگی روانی مشترک بین افراد معنا پیدا می‌کند.

در ارتباط چهره به چهره باز خورد بلافاصله اتفاق می‌افتد، ارتباط یک سویه نیست، بلکه در هر لحظه شاهد حرکتی از طرفین هستیم که تأثیر و تأثر منطقی‌تر و حقیقی‌تری را شکل می‌دهد. هر چه بین فرستنده و گیرنده پیام ابزارها و عوامل بیشتری وجود داشته باشند، رابطه انسانی با

آدمی موجودی اجتماعی است و بی‌تردید روابط انسانی سنگ بنای جوامع است و بدون رابطه، جامعه انسانی شکل نمی‌گیرد. گسترش ارتباطات الکترونیک متأسفانه روابط انسانی را از ویژگی تأثیرگذار و مفید تماس چهره به چهره محروم ساخته و در بسیاری از موارد روابط بین افراد جامعه را به شکلی نازل، سطحی و گاه پرخطر در آورده است.

ارتباط یعنی تبادل افکار و احساسات بین انسان‌ها و رشد و تقویت آنها. بنابراین بدون تعامل با دیگران و انتخاب زندگی انزواجویانه که متأسفانه در پی گسترش فضای مجازی و استفاده غلط از آن به شدت در جوامع شهری متداول شده است، خستگی و دل‌سردی ناشی از عدم تبادل عاطفی به وجود می‌آید و لاجرم آسیب‌های روانی بسیاری را بر افراد جامعه تحمیل می‌کند.

روابط انسانی سرچشمه فرهنگ بشری و موجب تکامل آن‌اند، بنابراین انسان‌های پراکنده و متفرق و منزوی از عناصر ارتقای فرهنگی برخوردار نخواهند بود و همواره در دنیای ذهنیات و توهمات خود باقی خواهند ماند.

انسان فقط در جمع و با جمع است که می‌تواند مهارت‌های خود را به کار گیرد، دانسته‌ها، عواطف و افکار خود را با دیگران به اشتراک بگذارد، نقاط قوت خود را تقویت و نقاط ضعفش را اصلاح کند. بنابراین روابط انسانی منشأ فرهنگ و زمینه‌ساز حرکت و ارتقای انسان‌ها و فقدان ارتباط به معنی سکون نسبی در زندگی انسان‌ها و مانعی بر سر راه تعالی و رشد آنهاست.

اهمیت روابط اجتماعی

اهمیت روابط اجتماعی را می‌توان با ضد خود یعنی فقدان و کاستی روابط انسانی سنجید. انسان‌های منزوی و فاقد ارتباط با دیگران در معرض بیماری‌های جسمی و آسیب‌های روانی جدی، از جمله بیماری‌های روان‌تنی - بیماری‌هایی که در اثر اختلالات روانی در بدن انسان نمود پیدا می‌کنند، مثل سردردهای دائمی، زخم معده، بالا رفتن فشار خون بدون علل جسمی آشکار، دیابت و... - می‌شوند. نتیجه انزوا، انفعال در برابر سیر حوادث زندگی، بی‌تصمیمی، تزلزل، خیالبافی‌های



طرز تهیه آش شله قلمکار



مواد لازم

گوشت قرمز ۵۰۰ گرم
گندم ۱ لیوان
عدس ۲ لیوان
نخود ۱ لیوان
لوبیا چیتی ۱ لیوان
برنج ۱ لیوان
سبزی آش ۱ کیلوگرم
ترخون ۵ قاشق غذاخوری
پیاز ۵ عدد
کشک و نعنا مقداری

طرز تهیه:

از شب قبل گندم، عدس، نخود و لوبیا را خیس دهید (در این مدت آب حبوبات را چند بار تعویض کنید تا نفخ حبوبات از بین برود). پیازها را خرد کنید و با مقداری روغن تفت دهید تا نرم شود سپس کنار بگذارید.
گندم را داخل قابلمه‌ای بریزید و چند لیوان آب اضافه کنید و بگذارید حدود ۲ ساعت بپزد تا نرم شود. نخود و لوبیا را نیز داخل قابلمه دیگری بریزید و چند لیوان آب اضافه کنید و روی حرارت قرار دهید تا بپزند و نرم شوند.
گوشت را خرد کنید و همراه با ۱ پیاز، چند حبه سیر و چند لیوان آب داخل قابلمه‌ای بریزید و ۱ ساعت روی حرارت متوسط قرار دهید تا بپزد و نرم شود (می‌توانید مقداری چربی هم به گوشت اضافه کنید تا آش خوشمزه تر شود)؛ پس از پخت گوشت را ریش ریش کنید و آب گوشت را صاف کنید و برای آش کنار بگذارید.



عدس و برنج را داخل قابلمه‌ای بریزید و روی حرارت قرار دهید تا بپزند و نرم شوند. سبزی آش را ساطوری کنید (ریز خرد کنید) و همراه با ترخون به مواد اضافه نمایید و پس از ۳۰ دقیقه گندم و نخود و لوبیای پخته، نصف پیاز داغ، گوشت ریش‌ریش شده، آب گوشت، نمک و فلفل سیاه را به آن اضافه نمایید.
به مقدار لازم آب جوش اضافه کنید (آنقدر آب اضافه کنید که بتوانید مواد را به راحتی هم بزنید) سپس حرارت را ملایم کنید و در قابلمه را ببندید و حدود ۲ - ۳ ساعت اجازه دهید آش جا بیفتد. آش را در ظرف بکشید و همراه با پیاز داغ و نعنا داغ و کشک تزیین و سرو کنید (می‌توانید چند قاشق کشک با آش مخلوط کنید).

نکته‌ها:

- این آش بسیار خوشمزه، گزینه‌ای مناسب برای سفره‌های افطار و نذری است.
- هر چه پیاز داغ آش بیشتر باشد آش خوشمزه‌تر می‌شود. سبزی آش شله‌قلمکار ترکیبی مساوی از جعفری، اسفناج، گشنیز، شوید، نعناع، ریحان و مرزه است.

ایجاد رابطه با شما و حفظ آن رغبت به خرج بدهد؟ در یک ارتباط سالم، ارتباط چشمی، حرکات دست و سر و مسائلی که تحت عنوان «زبان بدن» دسته‌بندی می‌شوند، بسیار بیشتر از کلام تأثیر می‌گذارند. بنابراین به خاطر اینکه بتوانید مخاطب خود را به گفتگو و ایجاد رابطه یا ادامه آن ترغیب کنید همه کارهایتان را رها و شش‌دانگ حواستان را متوجه او کنید.

*بعضی از افراد عادت دارند در میان صحبت‌های دیگران از کلماتی مثل خب؟ آهان! اوهوم و... استفاده کنند. تکرار بیش از حد این کلمات، اعتماد به نفس گوینده را از بین می‌برد و بعد از مدت کوتاهی او را از صرافت حرف زدن می‌اندازد. باور کنید به قول شاعر «سکوت سرشار از ناگفته‌هاست».

*باز کردن سر صحبت، مخصوصاً با غریبه‌ها برای اکثر آدم‌ها کار دشواری است. شاید یکی از راه‌های شروع صحبت این باشد که از طرف سؤال ساده‌ای را بپرسید و بعد هم به گونه‌ای رفتار کنید که مشخص باشد به پاسخ او علاقه دارید.

*در هنگام صحبت کردن، سن، سطح سواد، فرهنگ و علایق مخاطب خود را بسنجید. حرف زدن با یک کودک بسیار با صحبت با یک بزرگسال تفاوت دارد. حرف‌های خود را متناسب با توانایی شنونده ساخته و پرداخته کنید.

*کم و مفید حرف بزنید. دلیلی ندارد در حرف‌هایتان همه جزئیات را توضیح بدهید. مگر اینکه شنونده چنین چیزی را از شما بخواهد.

*به مخاطب خود این احساس را بدهید که با او همدرد و همراه هستید تا در هنگام صحبت با شما دچار نگرانی و اضطراب نشود، زیرا برای تخریب یک رابطه هیچ چیزی بدتر از نگرانی نیست.

*گوشت دادن هنری است که اکثر آدم‌ها از آن بی بهره‌اند. در واقع زمانی که کسی حرف می‌زند، ما در ذهن خود پاسخ او را آماده می‌کنیم و چندان تفاوتی نمی‌کند که او چه بگوید، چون بالاخره حرف‌مان را می‌زنیم. ایجاد هماهنگی بین گفتن و شنیدن هنر آدم‌هایی است که مهارت ارتباطی را به‌خوبی آموخته و در زندگی به کار بسته‌اند.



برگه مجروح

بعد از دایر شدن مجتمع‌های آموزشی رزمندگان در جبهه، اوقات فراغت از جنگ را به تحصیل می‌پرداختیم. یکی از روزهای تابستان برای گرفتن امتحان ما را زیر سایه درختی جمع کردند. بعد از توزیع ورقه‌های امتحانی مشغول نوشتن شدیم. خمپاره اندازهای دشمن همزمان شروع کرده بودند. یک خمپاره در چند متریمان به زمین خورد. همه بدون توجه، سرگرم جواب دادن به سؤالات بودند. یک ترکش افتاد روی ورقه دوست بغل دستیم و چون گرم بود قسمتی از آن را سوزاند. ورقه را گرفت بالا و به ممتحن گفت: برگه من زخمی شده باید تا فردا به او مرخصی بدهی! همه خندیدند و شیطنت دشمن را به چیزی نگرفتند.

حسین کیه؟

یک قناسه چی ایرانی که به زبان عربی مسلط بود اشک بعثی‌ها را درآورده بود. با سلاح دوربین‌دار مخصوصش چند ده متری خط بعثی‌ها کمین کرده بود و شده بود عذاب بعثی‌ها.

چه می‌کرد؟

بار اول بلند شد و فریاد زد: «ماجد کیه؟»

یکی از بعثی‌ها که اسمش ماجد بود سرش را از پس خاکریز آورد بالا و گفت: «منم!»

ترق!

ماجد کله پا شد و قل خورد آمد پای خاکریز و قبض جناب عزرائیل را امضا کرد! دفعه بعد قناسه چی فریاد زد: «یاسر کجایی؟» و یاسر هم به دست بوسی مالک دوزخ شتافت!

چند بار این کار را کرد تا این که به رگ غیرت یکی از بعثی‌ها به نام جاسم برخورد.

فکری کرد و بعد با خوشحالی بشکن زد و سلاح دوربین داری پیدا کرد و پرید رو خاکریز و فریاد زد: «حسین اسم کیه؟» و نشانه رفت.

اما چند لحظه‌ای صبر کرد و خبری نشد.

با دلخوری از خاکریز سرخورد پایین.

یک هو صدایی از سوی قناسه چی ایرانی بلند شد: «کی با حسین کار داشت؟» جاسم با خوشحالی، هول و ولا کتان رفت بالای خاکریز و گفت: «من!»

ترق!

جاسم با یک خال هندی بین دو ابرو خودش را در آن دنیا دید!

۲۰

آدمی، جنی، جنونی چیستی

آشپز و کمک آشپز، تازه وارد بودند و با شوخی بچه‌ها ناآشنا. آشپز، سفره رو انداخت وسط سنگر و بعد بشقاب‌ها رو چید جلوی بچه‌ها. رفت نون بیاره که علیرضا بلند شد و گفت: «بچه‌ها! یادتون نره!» آشپز اومد و تند و تند دوتا نون گذاشت جلوی هر نفر و رفت. بچه‌ها تند نون‌ها رو گذاشتند زیر پیراهنشون. کمک آشپز اومد نگاه سفره کرد. تعجب کرد. تند و تند برای هر نفر دو تا کوکو گذاشت و رفت. بچه‌ها با سرعت کوکوها رو گذاشتند لای نون‌هایی که زیر پیراهنشون بود. آشپز و کمک آشپز اومدن بالا سر بچه‌ها. زل زدن به سفره. بچه‌ها شروع کردند به گفتن شعار همیشگی: «ما گشنمونه یاالله!». که حاجی داخل سنگر شد و گفت: چه خبره؟ آشپز دوید روبروی حاجی و گفت: حاجی! اینها دیگه کیندا! کجا بودند! دیوونه‌اند یا موجی؟! فرمانده با خنده پرسید چی شده؟ آشپز گفت تو یه چشم بهم زدن مثل آفریقایی‌های گشنه هر چی بود بلعیدند! آشپز داشت بلبل زبونی می‌کرد که بچه‌ها نون‌ها و کوکوها رو یواشکی گذاشتند تو سفره. حاجی گفت این بیچاره‌ها که هنوز غذاهاشون رو نخوردند! آشپز نگاه سفره کرد. کمی چشماشو باز و بسته کرد. با تعجب سرش رو تکیونی داد و گفت: جل‌الخالق!؟ اینها دیوونه‌اند یا اجنه؟! و بعد رفت تو آشپزخونه. هنوز نرفته بود که صدای خنده‌ی بچه‌ها سنگرو لرزوند ...

سرفه‌ی عربی....

از بچه‌های خط نگهدار گردان صاحب زمان الزمان (عج) بود. می‌گفتند شبی به کمین رفته بود که صدای مشکوکی شنید. با عجله به سنگر فرماندهی برگشت و گفت: بجنبید که عراقی‌اند شاید نیروهای خودی باشند؟ گفته بود: نه بابا با گوش‌های خودم شنیدم که عربی سرفه می‌کردند.

[illegible]

- ۱- خلبان شهید جنگ تمیمی
- ۲- ضمیر جمع - درس درست نوشتن - محل غیبت حضرت مهدی (عج)
- ۳- زادگاه حضرت ابراهیم (ع) - پشیمان - سرزمین
- ۴- شهر استان کرمان - لقب میثم یاور امام علی (ع)
- ۵- دعای صبح جمعه - وسایل - مادر عرب
- ۶- بنای تاریخی توس - اختراع ادیسون
- ۷- ضمیر وزنی - یخ آذری - پاداش - از حالات دریا
- ۸- آرزو - نمابر
- ۹- درخت انگور - مجوز - سمت راست
- ۱۰- میمنت - از خونخواران تاریخ
- ۱۱- نام شهرهای هسته‌ای - یار - بانگ درندگان
- ۱۲- از عالمیان قهرمان شطرنج - واحد پولمان
- دوستی
- ۱۳- فرمانده شهید لشکر چهارده امام حسین (ع)

- ۱- یار پیامبر گرامی اسلام - فرمانده آزاده قرارگاه خاتم الانبیا
- ۲- جزیره‌ی جنوبی ایران - رشد بعد غیر جسمانی
- ۳- از اجزای گوارش - دیوارش بلند است
- ۴- علامت مفعول - مادر حضرت علی‌اصغر(ع) - درخت همیشه سبز
- ۵- درون - پدر تاریخ - حد وارونه
- ۶- اسباب - فاتح بلندی‌های بازی دراز
- ۷- یادواره - از گیاهان دارویی
- ۸- اسب ماده - جدید
- ۹- چاشنی غذا - سالک راه حق - رنج
- ۱۰- خاطره - مکار - از طوایف
- ۱۱- شهر استان اردبیل - روش زندگی
- ۱۲- چروک - بهشت دروغین شداد - اولین روز بهار
- ۱۳- لقب فلسطین - کاپیتان سابق تیم ملی والیبال

15	14	13	12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1
ی	ت	س	د	پ	ا	ن	د	ن	ک	ی	ش	د	ز	د
ا	و	ا	ت	خ	ا	ن	و	ا	خ	ا	ش	ا	م	ش
د	ی	س	د	ع	د	و	د	و	ه	م	ی	ی	ن	د
ی	د	ت	ا	م	گ	ه	و	ز	ن	و	ت	ل	ل	ت
م	ن	ج	د	ه	د	خ	س	ی	ن	ا	د	د	د	د
د	ی	ب	ا	ت	ی	ا	ل	م	ا	م	ی	ز	ه	د
م	د	ب	ه	پ	ر	م	ه	ر	ی	ت	د	ا	ه	د
س	ل	ف	د	و	ن	و	ا	ب	س	م	ا	م	ا	م
ج	د	ت	س	ی	س	ه	و	س	ب	ی	ی	ی	ن	ی
د	ک	ش	ا	ع	م	ا	پ	ا	ر	د	ر	ا	ا	ا
ج	ی	ا	ن	ت	ی	پ	ه	ن	د	ش	ن	گ	گ	گ
ا	ی	و	ه	ت	ی	ل	ت	ا	م	ا	ن	م	ا	م
و	ش	ی	د	ا	ن	ا	ی	ا	ز	ا	د	ا	ا	ا
ع	م	ن	م	ا	ا	س	ا	ل	م	و	م	ج	ن	ا

طراح جدول: ابراهیم زارعی
حل جدول: شماره گذشته:

نیاز به احترام و توجه از سوی دیگران یکی از نیازهای طبیعی انسان است که جز در پرتو فعالیت‌های سالم، موفقیت و برخورداری از سبک زندگی سالم به دست نمی‌آید



از زنجی که می‌بریم

○ مونا قائمی

تحصیل و برخورداری از مزایای اجتماعی است که مآلاً به کاهش هزینه‌های درمانی اعم از جسمی و روانی می‌انجامد، مردم کشور ما عمدتاً از چاقی و در موارد کمتری لاغری مفرط، بی‌حرکی و بی‌نشاطی رنج می‌برند و برای درمان دردهای متعدد جسمی و روانی خود به جای درمان ریشه‌ها که همانا اصلاح سبک زندگی، تغییر عادات غذایی و روی آوردن به تحرک است، به پزشکان، بیمارستان‌ها و داروخانه‌ها متوسل می‌شوند و مصرف داروهای متعدد گویی تبدیل به نوعی تشخیص و تفاخر اجتماعی شده و سرانه مصرف دارو در کشور ما را به رقم هشداردهنده‌ای رسانده است.

سیاست‌گذاران بهداشت در کشور ما بیش از آنچه که به مدد اصلاح سبک زندگی، تصحیح عادات غذایی، ترویج ورزش و حتی اجبار افراد جامعه به این کارها بیندیشند، دائماً به فکر ازدیاد مراکز درمانی و اضافه کردن تخت‌های بیمارستانی هستند و بدیهی است که با افزایش سرسام‌آور آمار مبتلایان به دیابت و بیماری‌های قلبی عروقی، چاقی و چربی خون که همگی ناشی از شیوه‌های غلط غذایی و بی‌حرکی است، هرگز نخواهند توانست نیازهای درمانی جامعه را برآورده سازند، در حالی که با یک برنامه‌ریزی دقیق و اجرای قاطع آن از دوره کودکی و ملزم ساختن افراد جامعه به رسیدن به سلامت جسمی، از جمله تناسب قد و وزن که لاجرم اصلاح عادات غذایی و همه‌گیر شدن ورزش و تحرک را به دنبال دارد، می‌توان از بسیاری از هزینه‌های گزاف درمانی که غالباً به‌قدری دیر وصال می‌دهند که فایده‌ای هم ندارند، جلوگیری کرد و از بلاهای خانمان‌سوزی چون اعتیاد، تنبلی، بدبینی، گله و شکایت‌های پایان‌ناپذیر و... رهایی یافت.

ارتقای سلامت به افراد جامعه قدرت می‌دهد تا از استعدادها و توانایی‌های خود نهایت استفاده را بکنند و در پرتو شادمانی حاصل از یک زندگی

به بیماری‌های قلبی عروقی، چاقی، دیابت و چربی خون قرار بگیرند و هزینه‌های درمانی به‌سرعت بالا بروند.

تغذیه مناسب و سبک زندگی پرتحرک می‌تواند از بسیاری از بیماری‌های جسمی و روانی کم کرده، بر نشاط و خلاقیت جامعه بیفزاید و مانع از بسیاری از بحران‌های ناشی از افسردگی و تنبلی شود. پژوهش‌های جامعه‌شناسانه و روان‌شناختی به‌خوبی مبین این مسئله هستند که سلامت جسمی و تحرک و نشاط تا حد زیادی از ارتکاب رفتارهای آسیب‌زننده، به‌خصوص اعتیاد و انحرافات جنسی کم می‌کند. آدم‌های پرتحرک و بانشاط در برابر طوفان‌های زندگی خم می‌شوند، اما نمی‌شکنند. آنها باور دارند که با مقاومت و صبر و خلاقیت می‌توان برای مسائلی که ظاهراً لاینحل به نظر می‌رسند پاسخ‌های درخور و مناسب پیدا کرد.

بدیهی است برای دستیابی به سبک زندگی سالم، همکاری و همراهی محیط‌های آموزشی، خانواده‌ها و نهادهای فرهنگی شرط اولیه است. تغذیه سالم و فعالیت فیزیکی مناسب لاجرم به سلامت روانی و ثبات رفتاری صحیح منجر می‌شود و جامعه را از بسیاری از مصائب جسمی و روحی رها می‌سازد. ارتقای سلامت و کاهش عوامل استرس‌زا مهم‌ترین عامل برای بهبود کیفیت زندگی است و نیاز به تقویت فرهنگ سلامت‌پرور دارد.

در حالی که در کشورهای صاحب فکر تناسب بین قد و وزن یکی از فاکتورهای مهم احراز شغل، ادامه

از قدیم‌الایام گفته‌اند: «عقل سالم در بدن سالم است»، اما انگار این حقیقت بدیهی مدت‌هاست که از عرصه اجتماعی ما رخت بر بسته است و پرخوری و بی‌حرکی حتی کودکان ما را هم که از روی غریزه نباید ساکت و بی‌تحرک باشند در معرض خطر جدی قرار داده و جامعه را گرفتار بیماری‌های مختلف جسمی و روانی ناشی از پرخوری و بی‌حرکی کرده است.

متأسفانه عادات غذایی نامناسب، سبک زندگی بی‌تحرک و گرایش به سوی دخانیات در سنین پایین شکل می‌گیرند و بعدها رهایی از آنها ناممکن و یا بسیار دشوار می‌شود. با نگاهی به سبک زندگی مردم، به‌ویژه نوجوانان و جوانان در می‌یابیم این نسل کمتر به تحرک و ورزش گرایش پیدا می‌کند. متأسفانه مدارس و دانشگاه‌ها هم که می‌توانند زمینه‌ساز مناسبی برای تحرک، ورزش و نشاط باشند، تمام تمرکز خود را متوجه گردآوری و حفظ حجم عظیمی از اطلاعات ریز و درشتی کرده‌اند که اکثراً در زندگی واقعی دانش‌آموزان و دانشجویان فایده‌ای ندارند. نوجوانان و جوانان ساعت‌ها وقت خود را صرف تماشای ورزش یا سیر و سفر در فضای مجازی می‌کنند، اما از خود ورزش و سفر در زندگی آنها خبری نیست!

میان وعده‌های غذایی و حتی گاهی خود وعده‌های غذایی آنها هم با غذاهای مضر و چاق‌کننده‌ای چون پفک، چیپس، شکلات و شیرینی پر می‌شود. این سبک غلط زندگی باعث شده است حداقل ۵۰ درصد دانش‌آموزان و دانشجویان در معرض ابتلا



زندگی یک جریان تند و توقف‌ناپذیر است و ما به عنوان مسافران این دریای موج باید خود را با آن تطبیق بدهیم. هرگونه تلاش برای برگرداندن یا توقف این جریان، اتلاف وقت و عمر و موجب یأس و ناامیدی است

و نگرش به زندگی در سلامت جسم و روان افراد جامعه تأثیر اساسی دارد. انسان‌هایی که یا همیشه در غم و حسرت گذشته و یا نگرانی از آینده هستند نمی‌توانند از وقت و عمر خود استفاده کافی ببرند. انسان‌های شاد و خوشحال چندان تابع شرایط پیرامونی خد نیستند و سرچشمه شادی‌ها در درون خود آنهاست. آنان گرفتار این تلاش بیپایه نمی‌شوند که همه چیز را مطابق میل خود کنند، چون آن قدر از عقل و درایت کافی بهره‌مند هستند که بدانند چنین امری شدنی نیست.

زندگی یک جریان تند و توقف‌ناپذیر است و ما به عنوان مسافران این دریای موج باید خود را با آن تطبیق بدهیم. هرگونه تلاش برای برگرداندن یا توقف این جریان، اتلاف وقت و عمر و موجب یأس و ناامیدی است.

جمع‌بندی

برای داشتن عمری طولانی و برخورداری از یک زندگی سالم باید سبک زندگی خود را تغییر بدهیم و دست از کشمکش برداریم. باید باور کنیم بنای کجی را که مدت‌ها وقت صرف ساختن آن کرده‌ایم، یک‌روزه نمی‌توانیم اصلاح کنیم و برای تغییر سبک زندگی باید وقت و حوصله زیادی را صرف کنیم و گام به گام پیش برویم. فقط کافی است بپذیریم مسئولیت درصد بالایی از بیماری‌ها، ناامیدی‌ها، شکست‌ها و بد حال بودن‌های ما به عهده خود ماست، بنابراین کسی جز ما نمی‌تواند آن را تغییر دهد و یا اصلاح کند. اقدام برای تغییر قبل از هر چیز به باور عمیق به تغییر و سپس اجرای گام به گام و تدریجی آن برمی‌گردد.

برای برخورداری از سبک زندگی سالم چه باید کرد؟

نخستین گام در این راه تغذیه سالم است. غذا باید بتواند نیازهای مورد نیاز بدن را برای انجام فعالیت‌های حیاتی تأمین و بافت‌های از دست رفته و آسیب‌دیده را ترمیم کند. تغذیه متعادل، متنوع و متناسب و رعایت میانه‌روی در مصرف مواد غذایی و کنترل وزن مقدمه برخورداری از یک زندگی سالم است.

عادات غذایی غلط به بروز چاقی، سوء تغذیه، بیماری‌های قلبی عروقی، دیابت، فشار خون، سرطان‌های متعدد و... منجر می‌شود. برای جلوگیری از این آسیب‌ها باید کنترل وزن و تناسب بین قد و وزن به صورت یک ضرورت و یا حتی اجبار اجتماعی مطرح و اجرا شود. با آموزش‌های صحیح، رژیم غذایی افراد جامعه به سمت مصرف غلات، میوه و سبزیجات و پرهیز از مصرف زیاد چربی و قند و نمک هدایت شود و شیر و لبنیات به صورت یکی از اقلام همیشگی و ضروری رژیم غذایی افراد در آید.

گام مهم بعدی ورزش و تحرک روزانه منظم است تا بدین وسیله چربی‌های بدن بسوزند، دیابت کاهش یابد، استخوان‌ها تقویت و پوکی استخوان مرتفع شود و افراد با برخورداری از فیزیک بدنی مناسب و اندام زیننده، نگرش مثبت و انگیزه کافی برای فعالیت‌های سازنده را به دست آورند.

تغییر سبک روانی زندگی

در کنار برخورداری از جسم سالم، تغییر نحوه تفکر

سالم، اوقات شاد و مثمر ثمری را سپری کنند و از تزییق ناامیدی و یأس به پیکره جامعه دست بردارند.

با نگاهی به ادبیات و هنر کشورمان که آئینه تمام‌نما و واقعی جامعه هستند به‌خوبی در می‌یابیم که حال مردم خوب نیست. این حال بد را جز با تحرک، فعالیت، امید و نشاط نمی‌شود اصلاح کرد. نیاز به احترام و توجه از سوی دیگران یکی از نیازهای طبیعی انسان است که جز در پرتو فعالیت‌های سالم، موفقیت و برخورداری از سبک زندگی سالم به دست نمی‌آید. انسان‌ها حتی اگر خود صاحب معایب بسیار باشند - که غالباً هستند - اما برای معاشرت، دوست داشتن و زندگی کردن به دنبال افراد سالم، موفق و شاد می‌گردند، زیرا انسان همواره به دنبال چیزهایی است که خود ندارد و این روزها آدم‌ها معمولاً هیكل و پوست سالم و روحیه شاد و زندگی پر و پیمان از موضوعات مفید و دلچسب ندارند و بیشتر وقت خود را به تنبلی، نق زدن و سیاه‌نمایی سپری می‌کنند. برای همین هم هست که دوستی‌ها و عشق‌ها ناپایدارند و کسی حوصله و استعداد برخورداری از روابط پایدار را ندارد.

جسم بیمار لاجرم روح مریض را در پی خواهد داشت و کسی اگر از کمترین شعور و عقل برخوردار باشد، نق زدن، یأس و بیماری را در دیگران جستجو نمی‌کند.

خبر خوش اینکه همه ما قادریم برای حفظ سلامتی خود و برخورداری از سبک زندگی سالم دست به کار شویم و دیگران را هم تشویق کنیم تا با به کارگیری روش‌های درست زندگی شاد، سالم و هدفمندی داشته باشند. فیزیک بدنی مناسب، عضلات قوی، پوست سالم و شاداب، چشم‌های شفاف و موهای سالم همراه با خوشحالی و نگرش مثبت به زندگی زمینه را برای فعالیت‌های مفید و موفقیت‌های مستمر فراهم می‌سازد و باورها و رفتارهای سالم، زندگی پرمهر و شکوفایی را برای انسان به ارمغان می‌آورد.

سلامتی چیست؟

سلامتی یعنی برخورداری کامل جسمی، روحی و اجتماعی از نعمت‌های خداوندی و فقدان بیماری، افسردگی و اضطراب. انسان‌هایی که از لحاظ جسمی و فکری سالم و شاد هستند، در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی نیز از انسجام فکری و رفتاری و آگاهی بالا برخوردارند.

سبک زندگی سالم یعنی تمرین عادات خوب و سالم و به کار بستن آنها در طول زندگی و پرهیز از عادات مضر و ناسالم.





شبى بهتر از هزار شب

شب قدر یکی مهم‌ترین مناسبت‌های ماه مبارک رمضان است که همواره مورد توجه مومنین بوده و خواهد بود. آنچه در پیش روی دارید بحثی پیرامون شب قدر بر اساس نظرات حجت‌الاسلام محمدصادق سهیلی است.

چرا این شب به ليله‌القدر نامگذاری شده است؟

شب قدر شبی است که قرآن به صورت کلی و دفعتاً بر قلب مبارک رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نازل شد. سپس در طول سی سال به صورت تدریجی دوباره نازل شد. دلیل نزول تدریجی بعد از نزول کلی هم این است که همراه شان نزول‌های مختلف، مفاهیم قرآن بیش‌تر در جان انسان‌ها بنشینند و در خور فهم بشر بشود. تا پیامبر بتواند به وسیله آن امت و تمدن اسلامی را پایه‌گذاری کند و چراغ روشن کننده راه آیندگان باشد.

در سه آیه قرآن به این مطلب اشاره و بر خی هم تصریح شده است.

آیه ۱۸۵ سوره مبارکه بقره که اشاره می‌کند: «شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن» یعنی قرآن در ماه رمضان نازل شده است.

آیه سوم و چهارم سوره مبارکه دخان می‌فرماید: «إِنَّمَا أَنزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ» * فیها یُفَرِّقُ کُلَّ أَمْرٍ حَکِیمٌ که ما آن را در شبی پر برکت نازل کردیم؛ ما همواره اندازکننده بوده‌ایم. در آن شب هر امری بر اساس حکمت (الهی) تدبیر و جدا می‌گردد. و هم چنین آیات سوره مبارکه قدر که معروف است.

اما در مورد وجه تسمیه این شب به شب قدر دو دلیل ذکر شده است. اول اینکه تقدیر امور خلاق برای یک سال در این شب رقم می‌خورد. یک دلیل دیگر این نامگذاری این است که این شب بسیار جلیل‌القدر و مرتبه است. و به همین دلیل به قدر نام‌گذاری شده است. چه کسی می‌تواند عظمت وحی و ملائکه الهی و تقدیر شان عالم را به طور کامل بفهمد؟! لذا خداوند می‌فرماید و ما ادرئک

ما ليله‌القدر. چگونه بین تعیین سرنوشت انسان در شب قدر و علم پیشین الهی و نیز اختیار انسان جمع می‌شود؟ اگر شب قدر مقدرات امضا می‌شود پس دیگر نباید مجالی برای عزم و تلاش برای سایر ایام سال باقی بماند!

آنچه در شب قدر نازل می‌شود، سوالات امتحانی یک ساله‌ی ماست، که بیرون از اختیار ما هستند. اصل سوالات در دست ما نیست بلکه از طرف خداوند متعال طرح می‌گردند؛ البته با توجه به گستره‌ی وجودی ما و امکاناتی که در اختیار داریم. این سوالات همراه با آن ملائکه‌ی که باید آن سوالات را سر موقعش پیش پای ما بگذارند در شب قدر نازل می‌شوند به آسمان دنیا تا به هنگام خودش در دنیا ظهور نمایند. بعد از آن، پاسخ ما به این سوالات است که عاقبت ما را رقم می‌زند و این کاملاً در اختیار ما است باذن‌الله.

پس آنچه در شب قدر نازل می‌شود، در طول سال

شخصی از رسول خدا
(صلی الله علیه و آله و سلم) پرسید در شب قدر
از خدا چه چیزی بخواهیم؟ فرمودند: عافیت

حتماً واقع می شود و اجتناب ناپذیر می باشد؛ ولی پاسخ ما به آن اتفاقات صددرصد در اختیار ماست. خداوند متعال به اصل سوالات، علم مطلق (بی قید) دارد؛ ولی به پاسخ ما، علم مقید به اختیار دارد؛ یعنی خدا می داند که هر کسی با اختیار خویش چه جوابی به آن سوالات خواهد داد. و چون علم خدا تخلف بردار نیست، لذا محال است ما بدون اختیار خودمان بتوانیم به آن سوالات پاسخ دهیم. لذا عاقبت ما صددرصد به اختیار خود ماست. اما درک شب قدر به معنی عرفی آن یعنی انجام اعمالی برای اینکه سوالات یک سال ما را آسان بگیرند، باید دانست که خداوند متعال برخی از این سوالات را هم مشروط، طرح می کند؛ یعنی طرح می کند که اگر فلان شخص در برابر فلان سوال، فلان پاسخ را اختیار کرد، سوال الف پیش پایش گذاشته شود؛ و اگر پاسخ دیگری را اختیار نمود، سوال ب برایش اتفاق بیفتد. و از جمله نحوه ی طرح سوالات یک سال، ربط دارد به اعمالی که شخص در سال پیش انجام داده، یا به تعبیری سوالات سال آینده ربط دارد به پاسخ های ما در سال گذشته؛ و از جمله ربط دارد به نحوه ی عملکرد ما در همان شب قدری که در آن واقع شده ایم:

مثلاً خداوند برای انسانی ثروت را در شب قدر مقدر می کند، اما اینکه او چگونه با ثروت تعامل کند این به اختیار خود اوست. آیا به عنوان مثال از آن مال انفاق می کند یا بخل می ورزد یا طغیان می کند؟ یا مثلاً خدا برای انسان بیماری را مقدر می کند اما صبر بیمار یا بیتابی کردن او به اختیار خودش می باشد.

به همین خاطر مومنین در شب قدر تلاش می کنند که خدا برای آن ها رهایی از آتش جهنم و مبتلا نشدن به اسباب عاقبت شری را رقم بزند. و وقتی قرآن را جلوی خود باز می کنند، می گویند: خدایا به حق این کتاب نازل شده و آنچه در آن است و به حق اسم اکبر تو اسما حسنی تو که در این کتاب موجود است از تو می خواهیم که مرا از رها شدگان از آتش جهنم قرار بده.

به همین خاطر گفته اند که خاصا در شب قدر از خدا عافیت بخواهید. شخصی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پرسید در شب قدر از خدا چه چیزی بخواهیم؟ فرمودند: عافیت.

فاطمه زهرا (سلام الله علیها) حتی کودکان و فرزندان خود را برای استعداد بیش تر از شب قدر آماده می کرد. در روایت هست که ایشان فرزندان خود را در طول روز در شب های قدر می خواباند تا در شب بتوانند بیدار باشند.

لیله القدر دقیقا چه زمانی است و چرا به صورت دقیق و قطعی مصداقش مشخص نشده است؟

با توجه به آیاتی که نزول قرآن را در ماه رمضان عنوان می کند حتما شب قدر هم یکی از شب های ماه رمضان می باشد. اما کدام یک از این شب ها است؟ بعضی روایات ما گفته اند در یکی از ده شب آخر این ماه می باشد.

از امام باقر (علیه السلام) از شب قدر سوال شد که فرمودند: شب قدر در ماه رمضان هر سال و در دهه آخر آن می باشد.

اما در یک سری روایات دیگر شب قدر یک شب از بین شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم متعین شده است.

و در روایاتی دیگر برای هر کدام از این سه شب نقشی تعریف شده است، از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که در شب نوزدهم امور مقدر می شود و در شب بیست و یکم ابرام و محکم می شود و در شب بیست و سوم امضا می شود.

چرا دقیقا برای ما این شب را مشخص نکردند و مصداق آن را مخفی گذاشته اند؟

شاید به این دلیل است که انسان ها بیش تر برای تضرع به خدا انگیزه داشته باشند.

از آیات سوره قدر، چگونه برای اثبات وجود امام زمان (علیه السلام) استفاده می شود؟

از سوره قدر به خوبی استفاده می شود که ملائکه شب قدر در هر سال به جهت هر کاری بر زمین فرود می آیند.

در سوره دخان و قدر به این موضوع اشاره شده است. ماه رمضان تا روز قیامت تکرار می شود و در نتیجه لیله القدر نیز تا روز قیامت استمرار دارد پس نزول ملائکه و روح نیز در هر شب قدر تکرار می شود.

با تأمل و دقت پی می بریم که در هر زمان باید امامی کامل و معصوم وجود داشته باشد تا محل نزول ملائکه و روح گردد. امام باقر (علیه السلام) فرمود: «یا

معشر الشیعة! خاصموا بسورة (انا انزلناه) تفلجوا، فوالله انهما لحجة الله تبارک و تعالی علی الخلق بعد رسول الله صلی الله

علیه و آله و آنها لسیده

دینکم و آنها لغایه

علمنا. یا معشر

الشیعة !

خاصموا

(بحم *

والکتاب المبین) فإنها لولاة الامر خاصة بعد الرسول الله صلی الله علیه و آله، ای جماعت شیعه با خصم خود به سوره «انا انزلناه» محاجه کنید که پیروز خواهید شد، پس سوگند به خدا که این سوره از برای حجت خداوند تبارک و تعالی بعد از رسول است این سوره همانا مدرک دین شما و نهایت علم ما است. ای جماعت شیعه با آیه «حم. و الکتاب المبین...» بحث کنید؛ زیرا این آیات اختصاص به والیان امر بعد رسول خدا دارد.

امام امیرالمومنین (علیه السلام) به ابن عباس فرمود: «ان لیلة القدر فی کل سنة و انه ينزل فی تلك الیلة امر السنة و ان لذلك الامر ولادة بعد رسول الله صلی الله علیه و آله فقلت: من هم؟ فقال: انا و أحد عشر من صلیی ائمة محدثون...» (۵)؛ همانا در هر سال لیله القدر است، در آن شب امر یک سال نازل می شود. برای آن والیانی است بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم).

ابن عباس می گوید عرض کردم: آنان چه کسانی هستند. حضرت فرمود: من و یازده نفر از صلب من که همگی امام و محدثند. محدث یعنی کسی که ملائکه بر او نازل می شوند و با او صحبت می کنند البته دیگر وحی نمی آورند.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

به اصحاب خود

فرمود: «أمنوا بلیلة

القدر، أنها تكون

لعلی بن ابی طالب و

لولده الاحد عشر

من بعده» به

لیلة القدر ایمان

آوردید؛ زیرا برای

علی بن ابی طالب و

یازده فرزند بعد از

اوست.

از خدا می خواهیم که ما

را در این شب کریم موفق

بدارد و برای ما سعادت را در

این شب مقدر فرماید.

دکتر کارلو: روزه‌ای که اسلام واجب کرده، بزرگترین ضامن سلامتی بدن است.

عافیت....



۲۶

سالم و تندرست در مهمانی خدا

نسرین ولیزاده

روزه ابتدا گرسنگی و گاهی نوعی تحریک عصبی و بعد ضعف احساس می‌شود، ولی در عین حال کیفیات پوشیده‌ای که اهمیت زیادی دارند، به فعالیت می‌افتند و بالاخره تمام اعضا مواد خاص خود را برای نگهداری و تعادل محیط داخلی و قلب قربانی می‌کنند.

دکتر اتوبو خنجر در کنگره پزشکی بغداد:

شخص روزه‌دار با سوزاندن رسوبات بیمارگونه و چربی‌های زائد بدن، کوره متابولیسم خود را می‌افروزد. در مدت پنجاه سال که از تأسیس کلینیک اتوبوخنجر می‌گذرد، بیش از پنجاه هزار بیمار در این کلینیک، توسط روزه درمان شده‌اند. دانستن فلسفه احکام، سبب معرفت و شناخت بیشتر نسبت به دین می‌گردد و همین شناخت، باعث تقویت اعتقاد و ایمان انسان خواهد شد.

این مباحث بیشتر در حوزه جسم است اما از لحاظ روحی و معنوی هم فوایدی دارد که البته از فواید

چند ماهی است که برای رسیدن به پرسش‌هایمان در حوزه بهداشت و سلامت به خانم دکتر زهرا جمشیدی مراجعه می‌کنیم. پزشک متخصص جوانی که گرچه در حوزه طب کار تخصص خود را با رتبه یک از دانشگاه تهران اخذ کرده است اما به سؤالات ما در حوزه عمومی هم پاسخ می‌دهد و اگر بحث کاملاً تخصصی باشد با تواضع می‌گوید این مساله را باید از متخصص فلان رشته پزشکی بپرسید تا کاملاً روشن شوید. به خانواده‌های ایثارگران هم ارادت دارد، پدرشان از بسیجیان دفاع مقدس و جانبازان جنگ بوده است اما این را دلیل ارادت خود نمی‌داند و دلایل بسیار محترمی برای این ارادت دارد که در این مقال نمی‌گنجد. این شماره با موضوع ماه رمضان و باید و نبایدهای پزشکی مزاحم ایشان شده‌ایم.

من در مطلبی نظر تعدادی از پزشکان خارجی را درباره روزه خواندم که برای شما عنوان می‌کنم حالا خودتان نتیجه را بگیرید:

دکتر کارلو: روزه‌ای که اسلام واجب کرده، بزرگترین ضامن سلامتی بدن است.

دکتر کارل (فیزیولوژیست بزرگ فرانسوی) می‌گوید: لزوم روزه‌داری در تمام ادیان تأکید شده است. در

فواید روزه

دین اسلام، کامل‌ترین ادیان است و برنامه‌ای جامع و کامل برای بشریت دارد و قطعاً دستوری نمی‌دهد که سلامت بشریت را به خطر اندازد به قول شاعر که می‌گوید:

بهتر آن باشد که سر دلبران / گفته آید در حدیث دیگران



آب جوش، شیر گرم، خرما و یک آش یا سوپ خیلی سبک می تواند یک وعده افطاری مناسب باشد.

ورزش و روزه داری

برخی تصور می کنند چون روزه دار هستند باید تمام برنامه های زندگی را تعطیل کرد. این تصور باطلی است و شما می توانید شاداب تر از گذشته فعالیت کنید حتی ورزش. ورزش هیچ منافاتی با روزه داری ندارد اما یک سری شرط و شروط دارد اگر این اصول رعایت شوند شما با ورزش می توانید ماه رمضان پر از نشاطی داشته باشید. بهترین زمان ورزش حدود یک ساعت بعد از افطار است و با فعالیت فیزیکی و ورزش قند خون کاهش می یابد و فرد روزه دار که به علت گرسنگی، قند خون پایینی دارد، اگر قبل از افطار فعالیت کند افت قندی بیشتری پیدا کند. لازم است افراد در ماه مبارک رمضان سطح ورزش را از نظر شدت و مدت کاهش دهند، اگر فردی قبلاً با شدت زیادی ورزش می کرده و آمادگی خوبی دارد در این ایام سطح ورزش را به شدت متوسط تقلیل دهد تا از خستگی بیش از حد بدن جلوگیری شود. حالا چه ورزشی باید انجام دهند را باید دوستان کارشناس ما در صفحه ورزش توصیه کنند.

نکته

یکی از نکاتی که هر فرد مسلمان برای احترام به دیگران باید انجام دهد توجه به بهداشت دهان و دندان است. میزان بزاق دهان روزه داران در طول روز به دلیل اینکه ساعت های طولانی از هیچ نوع خوردنی و آشامیدنی استفاده نمی کنند، به حداقل می رسد که این مساله می تواند بوی بد دهان روزه داران را در پی داشته باشد. برای جلوگیری از ایجاد بوی بد دهان در ماه رمضان در طول شب آب زیادی مصرف کنید، پیاز و سیر نخورید یا کمتر بخورید و حتما مسواک بزنید و از نخ دندان استفاده کنید. بیشتر از این پا در کفش دندانپزشکان محترم نمی کنم.

- آب جوش، شیر گرم، خرما و یک آش یا سوپ خیلی سبک می تواند یک وعده افطاری مناسب باشد. به فاصله نیم ساعت پس از افطار هم می توان یک شام مختصر و سبک صرف کرد.

- در وعده سحری حداکثر نوشیدن ۲ لیوان آب مجاز است. نوشیدن آب بیشتر باعث کاهش تشنگی در طول روز نمی شود و تنها سوءهاضمه و دل درد به دنبال دارد.

- می توان از خوراکی های فیبردار همچون کاهو، سبزی و خوردن میوه هایی مثل خیار و سیب با پوست استفاده کرد که هم مقداری از آب مورد نیاز بدن را تأمین می کنند و هم به دلیل اینکه فیبر دارند و باعث تعادل آب بدن در طول روز می شود.

- بین شام تا سحر هم می توان به تدریج آب، میوه و آب میوه مصرف کرد.

- کسانی که با گرفتن روزه دچار معده درد می شوند در هنگام سحر مقداری ترنجبین و خاکشیر مخلوط و میل کنند. همچنین موقع افطار یک لیوان عرق نعناع با نبات یا عسل بنوشند.

- سعی کنید یک ساعت پس از سحری بخوابید.

- سعی کنید حتما در وعده سحری از خورشت، همچون خورشت کدو، خورشت آلو یا خورشت بامیه استفاده شود.

- سبزی را در افطار میل کنید، سبزی در سحری گاهی منجر به تشنگی در طول روز می شود.

- برای افطار غذای پر حجم نخورید و افطار و شام را یکی کنید به نحوی که معده شما فرصت هضم غذا و خالی شدن آن قبل از غذای سحری را داشته باشد.

- سالاد مکمل خوبی برای غذاها در ماه مبارک رمضان است.

- برای خوردن سحری وقت کافی قرار دهید و با آرامش و دور از استرس غذای خود را بخورید.

جسمی بالاتر است و همان هم مد نظر خداوند است. یعنی روزه داری برای کسب معنویت و سلامت روح.

بایدها و نبایدها

همه به غیر از کودکان و سالمندان ناتوان و برخی بیماران می توانند روزه بگیرند. من عزیزی را می شناختم با هشتاد سال سن که تا وقتی از دنیا رفت سه ماه رجب و شعبان و رمضان را روزه می گرفت. حاج خانم نیره عباسی از بانوان بسیجی بود که در هشت سال دفاع مقدس کمک های مردمی را به جبهه ها می رساند و بعد از جنگ هم در خدمت جانبازان بود با همه مشکلات یک فرد مسن ایشان روزه می گرفت و حتی شب های سه شنبه به مسجد جمکران مشرف می شد و نماز جمعه را هم ترک نمی کرد. بنابراین تا وقتی بدن توانایی دارد ما می توانیم روزه بگیریم. اما برخی بیماران نمی توانند، مانند بیمارانی که مجبور به مصرف داروهای خوراکی هستند، مبتلایان به ام اس که بیماری شان عود کرده و در حال مصرف کورتون هستند یا بیماری آنان با گرسنگی عود می کند نمی توانند روزه بگیرند. مبتلایان به تالاسمی ماژور به علت شرایط متابولیک خود توانایی روزه داری ندارند چون بدنشان نمی تواند گلیکوژن کافی در کبد ذخیره کند. مبتلایان به آب سیاه یا گلوکوم، مبتلایان به زخم معده، مبتلایان به مشکل کبدی، بیمارانی که فشارخون های کنترل نشده دارند، مبتلایان به نارسایی کلیه، کسانی که پیوند کلیه شده اند و هنوز یکسال از موعد پیوند آنها نگذشته است، دیالیزی ها اصلاً نباید روزه بگیرند. زنان حامله بخصوص در ماه های اول بارداری نباید روزه بگیرند. کسانی که مشکلات قلبی و نارسایی قلبی دارند و اغلب کسانی که زخم معده آزارشان می دهند باید مراقب سلامت خود باشند. البته در تمام موارد باید به پزشک مراجعه شود و این پزشک است که تشخیص می دهد آیا روزه با شرایط شما به سلامت شما آسیب می رساند یا خیر.

تغذیه در ماه رمضان

یکی از مشکلات ماه رمضان مشکل تغذیه است، معمولاً در این ماه می خواهیم علاوه بر تزکیه روح به پاکسازی سموم از بدن نیز برسیم اما باور کنید بسیاری از دوستان معتقدند که بعد از ماه مبارک چاق تر و سنگین تر از سایر ماه های سال می شوند. چرا؟ چون به سختی می توانند از زولبیا و بامیه افطار بگذرند، به سختی می توانند از سفره های رنگین افطار بگذرند. متأسفانه دادن افطاری یک فلسفه محترم و مبارک دارد اما امروز در برخی خانواده ها به یک شوی غذا تبدیل شده است. توصیه می کنیم به تغذیه خود اهمیت بیشتری بدهید. هیچکدام از وعده های افطار و سحر را از قلم نیندازید اما با قانون و قاعده غذا بخورید.

توصیه های خوردنی

- افطار را با خوردن خرما، کشمش، عسل و به طور کلی با قند طبیعی آغاز کنید.



با آن درگیر هستند مثل آمریکا، آفریقا، شرق مدیترانه، جنوب شرقی آسیا و غرب اقیانوس آرام و به خصوص کشورهای مالزی، تایلند، افغانستان، پاکستان، هند، سنگاپور، عربستان (شهر جدّه) بومی شده است.

این بیماری معمولاً چه علائمی دارد؟

تب شدید از علائم اولیه این بیماری است و همچنین سردرد شدید، برافروختگی صورت، قرمزی پوست، درد پیچیده در همه بدن، احساس خستگی، درد چشم، ضایعات پوستی شبیه سرخچه، درد مفاصل و استخوان‌ها، کاهش اشتها، درد شکم از علائم دیگر این بیماری هستند. هر چقدر بیمار جلوتر می‌رود علائم تازه‌تری چون تهوع و سرخه خشک شدید، احتقان حلق و ملتحمه، خونریزی بینی و... دیده می‌شود.

درمان هم دارد؟

درمان و داروی خاصی وجود ندارد. اما بنا بر تشخیص پزشک که بیمار در چه مرحله‌ای است یک سری دستورات و داروها تجویز می‌شود. مثل استراحت، نوشیدن مایعات و...

یعنی واکسن هم ندارد؟

متأسفانه تاکنون واکسنی برای این بیماری نداریم ولی امیدواریم به زودی این اتفاق در علم پزشکی رخ دهد.

برای پیشگیری چه باید کرد؟

یک سری وظایف بر عهده دولت‌هاست و یک سری وظایف هم بر عهده ملت‌ها. مسئولین امر سلامت، قطع به یقین تدابیری اندیشیده‌اند اما آنچه بر عهده ما مردم است:

- استفاده از لباس‌های کاملاً پوشیده با آستین‌های بلند و شلوار بلند که اندام‌ها را بپوشاند؛
- استفاده از شبکه‌های سیمی الکتریکی حشره‌کش، اسپری‌های حشره‌کش و قرص‌های حشره‌کش در شبانه روز؛
- بکاربردن پشه‌بند هنگام استراحت در شبانه روز، در صورتی که آغشته به حشره‌کش باشد مؤثرتر است. - - برای دور کردن یا کشتن حشرات می‌توان پرده‌ها را نیز به حشره‌کش‌ها آغشته نمود و در مقابل پنجره‌ها و درها آویزان کرد؛
- استفاده از اسپری پشه‌کش؛
- از رفتن به کشورهای و محل‌هایی که تب دانگ همه گیر شده، دوری کنید؛
- از راکد ماندن آب خودداری کنید؛
- از اسپری‌ها و لوسیون‌های مخصوص دفع حشرات استفاده کنید.



آشنایی با بیماری تب دنگ

وقتی پشه‌ها مردافکن واستخوان‌شکن می‌شوند

○ نسرین ولیزاده

هر چقدر علم و تکنولوژی پیشرفت کند، هر چقدر سبک زندگی انسان‌ها تغییر کند باز هم هستند بیماری‌هایی که بشر را درگیر خود می‌کنند و متأسفانه برخی از این بیماری‌ها بسیار خطرناک و سخت هستند که از آن‌ها با عنوان خطرناک‌ترین بیماری‌های قرن ۲۱ یاد می‌شود. یکی از این بیماری‌هایی که سلامت انسان را به مخاطره می‌اندازد، بیماری تب دنگ است که به تب استخوان‌شکن نیز معروف است. برای آشنایی با این بیماری به سراغ خانم دکتر زهرا جمشیدی همراه خوب مجله شاهد جوان رفتیم تا ما را بیشتر با این بیماری آشنا کند.

خانم دکتر این بیماری واقعا خطرناک است؟

هر بیماری اگر مورد توجه قرار نگیرد خطرناک است و متأسفانه این بیماری هم می‌تواند شخص مبتلا را با خطر مرگ مواجه کند. اهمیت آن تا بدانجاست که سازمان جهانی بهداشت در سال ۲۰۱۴ با شعار «موجودات کوچک، تهدید بزرگ» به این بیماری به طور خاص پرداخت.

عامل یا عوامل این بیماری کدامند؟

یکی از بیماری‌های ویروسی است که توسط پشه‌ها منتقل می‌شود. اگر علمی‌تر بخواهید باید عرض کنم پشه *Aegypti Aedes* عامل اصلی انتقال این ویروس به انسان است. پشه ماده، شخص را در طول روز می‌گزرد و بیماری را منتقل می‌کند. حتی ویروس را به تخم‌های خود هم منتقل می‌کند و

پشه‌ها در تمام طول عمر، عامل بیماری را منتقل می‌کنند. و نکته جالب این است که به این پشه ببر آسیایی هم می‌گویند.

چرا به این بیماری استخوان شکن می‌گویند؟

به دلیل درد ناشی از این بیماری، بیمار احساس می‌کند تمام استخوان‌هایش در حال خرد شدن است.

این بیماری بیشتر در کدام کشورها دیده شده است؟

بر اساس اطلاعاتی که من دارم تا قبل از سال ۲۰۰۰، اپیدمی بیماری در کمتر از ده کشور گزارش شده است اما متأسفانه در حال حاضر این عدد سه رقمی شده و حول و حوش بیش از صد کشور

نقطه صفر سلامت، نقطه صفر محرومیت

○ دکتر زهرا جمشیدی

خدا رحمت کند پدرم را که تا زنده بود رزمنده بود. جنگ بود و هر کسی که دل شیر داشت ماندن در عافیت شهر برایش سخت بود، کوله بار سفر را می‌بست و عازم سفر به جبهه و نقطه صفر سلامت می‌شد. به نظر من نقطه صفر سلامت یعنی جایی که سلامت و زندگی خود را به خطر می‌اندازی و امیدت به زنده ماندن کمتر از امید به شهادت است. پدر به فیض شهادت نائل

نیامد اما جنگ و آسیب‌های آن هیچ وقت او را رها نکرد. پدر تمام جان و جوانیش را در جبهه غرب گذاشت و وقتی برگشت موهایش سپید بود اما هیچ وقت جا نزد و از تلاش دست نکشید او الگویی بود برای من که هیچ‌وقت از تلاش دست نکشم. شاید برای همین بود که وقتی تصمیم گرفتم پزشکی بخوانم با جدیت درس می‌خواندم. در دوره‌ای که ما محصل بودیم هیچ کلاس و کتاب کنکوری نبود (حداقل در شهر ما)، حتی خیلی از معلم‌های ما فارغ‌التحصیل‌هایی بودند که هنوز مهر مدرکشان خشک نشده بود و از شمال و شمال غرب به استان محروم ایلام می‌آمدند تا چند سال به عنوان نیروی طرحی کسب تجربه کنند و بعد به شهر خود برگردند (دور از انصاف است اگر نگوییم که برخی از آنها فوق‌العاده بودند -فقط برخی. نه همه) در چنین شرایطی تنها تکیه‌گاه ما برای موفقیت و رسیدن به آرزوهایمان بعد از خدا خودمان بودیم. و من می‌خواستم برای رسیدن به اهدافم با مشکلات بجنگم. جنگیدن سخت است و نفسگیر. آن هم برای ما در نقطه صفر محرومیت. در دهلران گرم و تبار که از نیمه دوم فروردین گرمایش چون قوم مغول حمله می‌کرد و تنها کولرگازی حریش می‌شد. تازه جنگ تمام شده بود و بازسازی و ویرانی‌های جنگ اقتصاد کشور را تحت‌الشعاع خود قرار داده بود. با آن شرایط بضاعت اکثر قریب به اتفاق دهلرانی‌ها داشتن یک کولرگازی بود که ستادبازسازی داده بود، گیریم کسی بضاعت داشتن دو کولرگازی هم داشت برق شهری و کنتور جوابگو نبود با این حال کولرگازی متعلق به همه خانواده بود و اگر ما خلوتی برای درس می‌خواستیم باید در اتاقی درس می‌خواندیم که با یک پنکه که بیشتر گرما تولید می‌کرد تا خنکا، درس بخوانیم.

هم من و هم خواهر و برادرانم و هم دوستانم. همه می‌خواستیم به آرزوهایمان برسیم برای همین سخت‌ترین شرایط را پشت سر گذاشتیم، حتی برای قبولی و ورود به دانشگاه با غول هفت‌سری به نام کنکور سرشاخ شدیم، مثل امروز نبود که بدون کنکور هم می‌توانی وارد دانشگاه شوی، کنکور یک جنگ تمام عیار بین میلیون‌ها دانش‌آموز بود که هنوز شیطنت‌های نوجوانی همراهشان بود و تلفات روحی و روانی این جنگ بیشتر از جنگ فیزیکی بود با این حال من از این نبرد پیروز به در آمدم و دانشجوی رشته پزشکی شدم.

شیرین بود اما این آغاز یک راه دیگر بود که تلاشی مضاعف می‌خواست چرا که من فردا و فرداها با جان مردم سر و کار داشتم و باید درس‌هایم را به خوبی و درست فهمی پاس می‌کردم. به پزشکی عمومی قانع نبودم چون می‌دانستم در جبهه سلامت باید مجهز به توان علمی بالاتر باشی و تخصص را هم گرفتم. هنوز هم باید تلاش کنم و ادامه دهم. پدرم هیچ‌وقت از پای ننشست و برای امنیت و سلامت مردمش جان را در کف دست گذاشت و من باید برای سلامت مردمش شبانه روز تلاش و مطالعه کنم و خودم را مجهز. اما هر جور که نگاه می‌کنم کفه به نفع پدرم سنگینی می‌کند.



بازارچه-مرزی-پاوه



جاده پاوه کرمانشاه



مسجد-جامع-پاوه

پاوه، مهد شگفتی‌های طبیعت

شهرستان پاوه یکی از شهرستان‌های استان کرمانشاه است که در شمال غرب استان واقع گردیده و مرکز آن شهر پاوه است.

پاوه را می‌توان مهد شگفتی‌های طبیعت خواند، چشم‌اندازهای منحصر به فرد، دره‌های سرسبز با آبشارها و جویباران همیشه جاری، هوای پاک و زلال، روستاهای شگفت انگیز شمشیر، خانگاه و هجیع با معماری بومی و زیبا بر فراز تپه‌ها و در دل دره‌ها هر گردشگر را در بدو ورود به این شهرستان محسوس خود می‌سازد. شهرستان پاوه به دلیل داشتن جاذبه‌های فراوان طبیعی و تاریخی، قابلیت جذب گردشگران داخلی و خارجی بسیاری را دارد و از پتانسیل‌های خوبی در این زمینه برخوردار می‌باشد، پاوه چنان دارای طبیعت بکر و زیباییست که جای جای آن را می‌توان منطقه تفریحی قلمداد کرد. حماسه پاوه نیز خود قصه‌ای است که در تاریخ جنگ ما ماندگار است. پاوه نامی است که با نام شهید چمران همیشه همراه است.

خانه دوست...

۳۰



یادمان شهدای پاوه



شهر پاوه



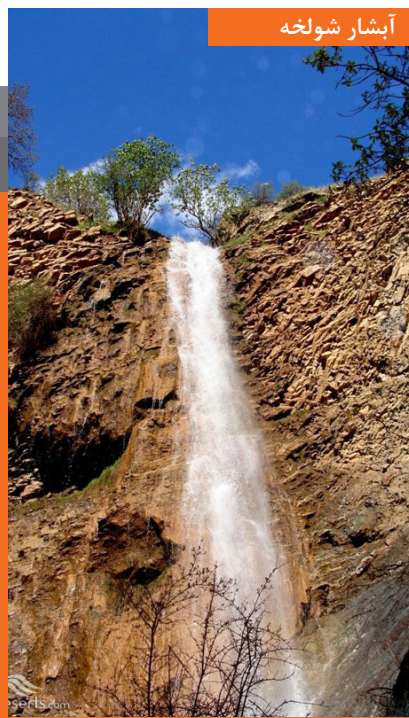
آبشار شیلماو



کوه آتشکده یا آتشگاه



آبشار دریر



آبشار شولخه



استارت آپ، کار و فناوری



عمل یا مجموعه‌ای از کارها به منظور یک حرکت جدید و یک شرکت یا کسب و کار نوپا. فرهنگ واژگان انگلیسی آمریکن هریتیج نیز استارت آپ را تعریف کرده: یک کسب و کار یا تعهدی که به تازگی آغاز به فعالیت کرده است.

ویکی‌پدیا نیز استارت آپ را یک تجارت نوپا در قالب یک کمپانی، شراکت یا سازمان موقت تعریف می‌کند که در پی ایجاد و راه‌اندازی یک مدل تجاری جدید در زمینه‌ی خاصی است. ویکی‌پدیا نیز نوآوری را به عنوان شاخصه‌ی اصلی استارت آپ عنوان کرده و به این نکته اشاره کرده که در باور عمومی، استارت آپ‌ها معمولاً ماهیتی مرتبط با فناوری دارند؛ اما این موضوع همیشه صحت ندارد. این دایره‌المعارف اینترنتی درونمایه‌ی استارت آپ را در جبهه طلبی، نوآوری و تلاش برای رشد در سطح جهانی تعریف کرده است.

اما...

استارت آپ چیزی نیست جز کارآفرینی، اما کارآفرینی به شیوه نوین. مفاهیم استارت آپ ریشه در مفاهیم کارآفرینی دارد. با این تفاوت که با گسترش روزافزون علم و اشیاع بسیاری از حوزه‌های کسب و کار برخی از پارامترها در کارآفرینی بیش از پیش پررنگ‌تر شده و از اهمیت بیشتر برخوردار می‌شود.

استارت آپ یک کسب و کاری است که بخشی از آن بر پایه فناوری است. اما هر کسب و کاری که مبتنی بر فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات است، لزوماً یک استارت آپ نیست، با این وجود همه استارت آپ‌ها به طری از وب، موبایل، اینترنت و تکنولوژی‌های مرتبط بهره می‌برند تا سریع‌تر رشد کنند و بتوانند در جهت مقیاس‌پذیری رشد خوبی داشته باشند.

تعریف می‌کند:

استارت آپ یک کمپانی نوپا است که راه‌حلی نوین را برای یک مسأله ارائه می‌کند؛ در حالی که تضمینی برای موفقیت کمپانی از طریق راه حل ارائه شده وجود ندارد.

بسیاری استارت آپ را فرهنگ نوینی برای اندیشه‌های نو و خلاقیت بر فراز ایده‌های موجود می‌دانند که هدف از آن برطرف کردن مشکلات موجود در نقاط کلیدی است که به عنوان پاشنه‌ی آشیل راه‌حل‌های موجود شناخته می‌شوند.

آدورا چئونگ، موسس و مدیرعامل کمپانی هوم جوی (Homejoy) که یکی از استارت آپ‌های مطرح ایالات متحده در سال ۲۰۱۳ بوده، در تعریف استارت آپ این مفهوم را با عنوان پنجره‌ی ذهن رو به آینده خوانده است. وی در این خصوص چنین اظهار نظر کرده است:

تاسیس یا پیوستن به یک استارت آپ به معنای یک تصمیم جدی برای جدا شدن از شرایط ایده‌آل و پایدار به منظور دستیابی به رشد برق‌آسا و تلاش برای ایجاد موجی از تغییرات در مدت زمان کوتاه است.

بر اساس تعریف مرین وبستر استارت آپ به این معنی است:

برای اینکه چرخ زندگی‌ات بچرخد باید کار کنی، دنبال کار دولتی باشی باید حتماً از هفت‌خوان رستم بگذری و یک پارتنی خوب داشته باشی که دستت را بند کند. بخش خصوصی هم اول از قوم و خویش خود شروع کرده‌اند و تو می‌مانی و حوضت. حالا می‌خواهی آب این حوض را بکشی و دور بریزی، بماند و گندآب شود یا توی حوض ماهی بریزی.

ما هیچ وقت شما را ناامید نمی‌کنیم و می‌گوییم جوینده یابنده است. برای همین پیشنهاد می‌کنیم بروید سراغ استارت آپ‌ها.

نگوید نشنیده‌ایم که برای جوان امروزی زشت است اگر نداند استارت آپ یعنی چه؟ یک کم تند رفتیم. خیلی‌ها هستند که فقط اسمش را شنیده‌اند و نمی‌دانند یعنی چه؟ ما در این شماره با شما هستیم و آشنایی با معنا و مفهوم استارت آپ.

استارت آپ را تعریف کنید؟

مثل خیلی چیزهای مفهومی برای استارت آپ هم تعاریف مختلفی شده است و هر کس بسته به نگاه و تخصصش آن را تعریف کرده است از جمله:

نیل بلومنتال، موسس و مدیرعامل کمپانی واربی پارکر (Warby Parker) استارت آپ را این چنین

کسب و کارهای نوپا معمولاً با فناوری
سر و کار دارند و برای رسیدن به هدف
خود از فناوری‌های نوین به شکل
خلاقانه استفاده می‌کنند

خرید به شکل سنتی، که خیلی قابل اعتماد هم نبود، جرقه اولیه تأسیس شرکت دیجی کالا بود. مدیران این سایت از سال ۸۴ تصمیم به راهاندازی آن گرفته و در سال ۱۳۸۵ توسط حمید محمدی و سعید محمدی بنیانگذاری شد. پرسنل اولیه آن ۵ نفر بودند که تا اسفند ۱۳۹۲ به ۲۰۰ نفر افزایش پیدا کرد و طبق گفته مدیران تا پایان سال ۹۳ به ۷۰۰ نفر رسید. این شرکت در سال ۹۱ پیشنهاد شراکت صندوق سرمایه‌گذاری سرآوا را پذیرفت. محمدی در مصاحبه‌ای در سال ۱۳۹۲ مدعی شد که دیجی کالا سهم بیش از ۸۵ درصدی از بازار خرده‌فروشی آنلاین ایران را در دست دارد. تا دی ماه ۱۳۹۴، دیجی کالا با اشتغال‌زایی برای ۱۲۰۰ نفر، عملاً ۱۵ درصد از تعهدات بودجه‌ای دولت در حوزه اشتغال را عملی کرد. علی ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در مورد رقمی که دولت باید برای ایجاد یک شغل هزینه کند، می‌گوید: «برای ایجاد یک شغل در پالایشگاه حدود ۱۲ میلیارد تومان هزینه نیاز است. در پتروشیمی نیز برای ایجاد ۷۰۰ شغل به ۳ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان نیاز است و هزینه ایجاد شغل در بنگاه‌های میانی نیز ۵۰۰ میلیون تومان است.» حالا اگر ۱۲۰۰ شغلی را که با راهاندازی دیجی کالا به وجود آمده با در نظر گرفتن اینکه دیجی کالا یک بنگاه میانی است، ضرب در رقم میانی آقای وزیر ۵۰۰ میلیون تومان کنیم، می‌شود ۶۰۰ میلیارد تومان. این در حالی است که کل بودجه دولت برای یک سال اشتغال‌زایی ۴ هزار میلیارد تومان است. به عبارتی دیجی کالا به تنهایی بدون محاسبه اشتغال‌زایی دیگر استارت‌آپ‌های موفق در ایران و بدون دریافت پولی از دولت با اشتغال‌زایی برای ۱۲۰۰ نفر ۱۵ درصد از تعهدات دولت را در حوزه ایجاد اشتغال عملی کرده است.

مردم منطقه جغرافیایی جدید چگونه غذا را مصرف می‌کنند؟ و کلی پرسش و تحقیق دیگر.

استارت‌آپ‌ها چگونه مشتری جذب می‌کنند؟
کسب و کارهای نوپا معمولاً با فناوری سر و کار دارند و برای رسیدن به هدف خود از فناوری‌های نوین به شکل خلاقانه استفاده می‌کنند. آنها زنده خواهند ماند تا زمانی که فناوری زنده است. زیرا آنها نیاز واقعی را شناسایی می‌کنند و مشتریان این شرکت‌ها همان‌هایی هستند که با فناوری به صورت روزمره سر و کار دارند. در حال حاضر می‌توان گفت تقریباً همه استارت‌آپ‌ها به هر نوعی که شده از داده‌های بزرگ، وب، موبایل، اینترنت و فناوری‌های جدید استفاده می‌کنند تا رشد بالایی داشته باشند و به تعداد کاربران و مشتری‌های بالایی برسند. این اتفاق مخصوص ایران نیست و در سراسر جهان همین مدل رایج است. برای مثال بهتر است به گوگل، آمازون یا علی بابا اشاره کنیم. همه این شرکت‌ها از فناوری اطلاعات برای رشد استفاده می‌کنند. نمونه‌های داخلی هم نیاز مشابه به فناوری اطلاعات دارند.

یک مثال برای دنیای استارت‌آپ‌ها
بیایید یک مدل ایرانی برای استارت‌آپ بررسی کنیم! یکی از آشناترین مثال‌هایی که می‌توان برای تحقق یک استارت‌آپ در ایران زد، دیجی کالا است. در مورد ایده و دلیل راهاندازی شرکت دیجی کالا، ذکر این نکته ضروریست که برداران محمدی یعنی حمید و سعید در سال ۱۳۸۴ هر دو عکاسی دیجیتال را پیگیری می‌کردند. بعد از جست و جو در اینترنت درباره دوربین‌ها، دوربین مورد نظر را از بازار خیابان جمهوری تهران خریداری کردند. اما بعد از چند روز پی بردند، لنز روی دوربین دست دوم و تعمیری است. این اتفاق ناخوشایند از تجربه

نقش نوآوری و خلاقیت در استارت‌آپ‌ها
استارت‌آپ‌ها، معمولاً بر محور ایده‌های نوآورانه و خلاقانه بنا می‌شوند. در واقع فرد یا افرادی خلاق و نوآور، با ایده‌های نو، در جستجوی روش‌هایی برای کسب درآمد از آن ایده و تولید انبوه محصولات یا خدمات مبتنی بر آن ایده هستند. نوآوری در استارت‌آپ‌ها، به شکل نوآوری در بازار یا نوآوری در محصولات و خدمات خود را نشان می‌دهد. تحقیق و توسعه بیشترین نقش در شکل‌گیری ایده‌های نوآورانه و موفقیت استارت‌آپ‌ها بازی می‌کنند.

برخی اشتباهات رایج در رابطه با استارت‌آپ‌ها
لزومی ندارد تا هر استارت‌آپی حتماً در حوزه کامپیوتر و اینترنت باشد. دلیل اینکه اغلب استارت‌آپ‌ها در این حوزه شکل گرفته و موفق می‌شوند دو نکته است:

با گسترش روزافزون فناوری‌های سخت‌افزار و نرم‌افزار، هزینه‌های ایجاد زیرساخت‌های لازم برای راهاندازی کسب و کار در این بخش کاهش یافته و در نتیجه با سرمایه کم نیز، می‌توان شروع به کار کرد.

ویژگی بالای این حوزه در تحقق مقیاس‌پذیری و تکرارپذیری به سبب مهیا کردن بسترهای مبتنی بر فناوری که در آن بتوان تعداد کاربران، تعداد پردازنده‌ها، میزان حافظه دائمی و موفق و پهنای باند و ... را افزایش داد.

هر وب‌سایت یا برنامه کاربردی موبایل، حتماً نمی‌تواند با تعریف استارت‌آپ منطبق بشود. در واقع مدل کسب و کاری که در پس وب‌سایت نهفته است، اگر به دنبال یافتن ارائه یک خدمت یا محصول تکرارپذیر و مقیاس‌پذیر با هدف رشد سریع است باشد، آنگاه می‌تواند یک استارت‌آپ تلقی گردد. هر کسب و کارها کوچک، لزوماً یک استارت‌آپ

نیست. برای مثل یک پیتزافروشی که برای مدت سال‌ها ساندویچ و پیتزا را به یک روش مشخص قبلی می‌فروشد و مشتریان و درآمدش در حال افزایش است، استارت‌آپ نیست. چرا که از ابتدا مدل کسب و کار بر اساس تجربیات و مدل‌های موجود قبلی انتخاب شده است. اما یک تولیدکننده مواد غذایی که غذای جدیدی را تولید می‌کند و یا حتی غذای خود را در منطقه جغرافیایی جدید امتحان می‌کند نیز استارت‌آپ است. چون در مورد مدل کسب و کارش عدم قطعیت دارد و نمی‌داند آیا آن منطقه جغرافیایی جدید از همان غذای قبلی استقبال می‌کند و یا باید در طعم غذا تغییراتی ایجاد کرد؟



مصاحبه با پدر و مادر شهید احمد به‌خویی

شمع‌ها و زیارتی به نیابت احمد

ابوتراب روستازاده‌ای ملایری است، که از همان دوران کودکی به دلیل از دست دادن پدر مخارج خانواده را با کشاورزی تأمین می‌کرد. با کم رونق شدن زندگی تصمیم گرفت به تهران بیاید و با حمایت برادر بزرگتر در کوره‌پزی مشغول به کار شد. ابوتراب در سن ۱۸ سالگی با ماه‌تاج که اصلالتا ملایری بود ازدواج کرد و حاصل این ازدواج ۱۰ فرزند بود. که احمد دومین فرزند خانواده در سال ۱۳۴۴ به دنیا آمد. در این شماره گفتگویی داریم با پدر و مادر شهید احمد به‌خویی.

کودکی احمد

احمد از همان کودکی فعالیت‌های قرآنی‌اش را در مسجد شروع کرد. بسیار فعال بود و با تمام علاقه‌اش دنبال مسائل مذهبی و دینی بود. و در همان کودکی با حوزه علمیه قم ارتباط برقرار کرد. و همین ارتباط‌ها از او فردی انقلابی ساخت. و حاضر بود برای اسلام جان بدهد. می‌گفت ما خدا داریم، پیغمبر داریم، امام زمان (عجل) داریم.

فعالیت‌های انقلابی

با شروع تظاهرات‌ها و راهپیمایی‌ها، احمد با همان سن کم همراه مردم شد. کودکی و جوانیش با انقلاب بود. همراه با بچه‌های مسجد فعالیت‌های انقلابی‌اش ادامه داشت. صبح مدرسه می‌رفت و بعد از ظهر در مغازه میوه فروشی کار می‌کرد و بعد از آن یا در مسجد بودند، یا اعلامیه پخش می‌کردند و یا در راهپیمایی‌ها بودند. تا انقلاب پیروز شد.

ترور

بعد از انقلاب فعالیت‌هایش را ادامه داد. در گروه‌های بسیج دنبال دستگیری منافقین بودند. چندیاری در تهران پارس و خزانه می‌خواستند ترورش کنند اما موفق نشدند.

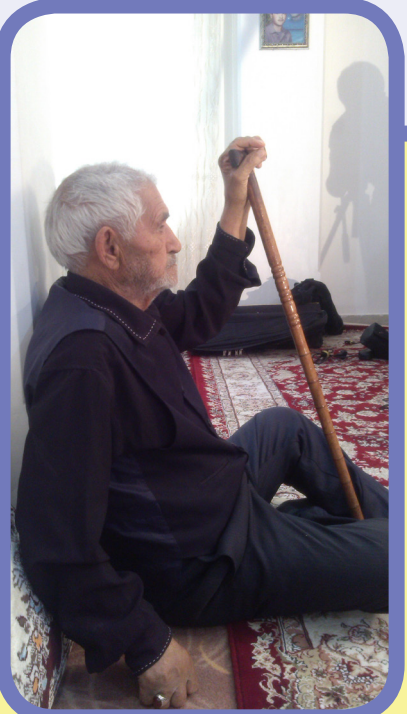
اعزام به سربازی

در تشییع جنازه شهدا شرکت می‌کرد هر جا شهیدی می‌آوردند می‌رفت و می‌گفت هدفش آزادی ایران است. به کلاس دوازدهم که رسید گفت باید جبهه برم وقتی برگشتم دیپلم و لیسانس می‌گیرم الان مملکت‌م به من نیاز داره. به عنوان نیروی ارتش آموزشش در اصفهان گذراند و بعد از تقسیم به کرمان انتقالش دادند. و به عنوان نیروی داوطلب با تیپ زرهی کرمان به کرمانشاه رفت.

خصوصیات خلاقیش

همیشه کمک حال همه خانواده بود چه در کارهای بیرون از منزل چه کارهای داخلی منزل. وقتی می‌رفت خدمت و برمی‌گشت چون خواهر و برادرهایش هنوز کوچک بودند از اون‌ها نگهداری می‌کرد. با همسایه‌ها خیلی اخلاق خوبی داشت. وقتی پیرمرد و یا پیرزنی





می دید کمک می کرد. در انجام کارها بسیار دقیق بود.

حرف های همیشگی با مادر

وقتی مرخصی می آمد به مادر می گفت: مادر چشم به راه من نباش. من اگر زنده باشم، هر جایی که باشم خودمو بهت می رسونم دنبال من نیا.

شهادت

۶ ماهی از خدمتش گذشت بود. ماه محرم بود و حوالی اذان مغرب در حال پست دادن بود که توپخانه دشمن شلیک می کند و احمد با زبان روزه در گیلانغرب به شهادت می رسد. پنجشنبه به شهادت رسید و شنبه در تهران تشییع جنازه اش بود.

خبر شهادت از زبان مادر شهید

بیرون بودیم ساعت نزدیک ۱۲ بود که رسیدم خانه. دیدم همسایه ها مثل همیشه نیستن پرسیدم چیزی شده. گفتن یکی از اقوام ما برایش مشکلی پیش آمده منتظر همسر هستم که بیاد. دیدم که خیلی برقرار است گفتم خب بگید چی شده شاید بتونم کمک کنم. گفتن نه شما برید خانه اگر کمک نیاز بود میایم شما رو هم می بریم. هر چقدر منتظر ماندم خبری نشد و رفتم پیش همسایه، دیدم دارند گریه می کنند. من اصرار کردم گفتند: اگر چیزی بگیم ناراحت نمیشی؟ گفتم: نه. گفتند که احمد پاش شکسته آوردنش تهران. گفتم: کدام بیمارستان؟ پس چرا معطلید من رو ببرید بیمارستان.

همسر سرکار بود نمی تونستم منتظرش بمونم. من رو بردن پزشک قانونی و فهمیدم که احمد شهید شده. از مسئول پزشک قانونی پرسیدم جنازه هایی که آوردن کجا هستن. گفت که ۴۵ نفر هستن و تا فردا نمی تونید شهیدتان رو ببرید.

همسایه ها من رو بردن زیرزمین، اونجا احمد دیدم. انگار خواب بود. بر چهره اش حتی غبار ننشسته بود

و لبخند می زد. گلوش تیر خورده بود. پاش هم از پهلوش شکسته بود. لباس هایی که خودم براش خریده بودم رو به تن داشت. گفتند برید فردا ۸ صبح می تونید بیاد ببریدش.

خبر شهادت از زبان پدر شهید

من کارخانه سنگبری بودم. همسایه مون بهم خبر داد که احمد پاش شکسته. وقتی رسیدم دیدم کوچه پر از جمعیت و ازدحام هست. مردم بهم تسلیت گفتند. دقیقاً ۳ روز بعد از شهادت دکتر بهشتی احمد شهید شد. یعنی ۱۰ تیر ۱۳۶۰. ولی خدا رو شکر می کنم که با خون جوانان ما این مملکت آزاد شد. خدا رو شکر امام زمان (عجل) داریم که بهمون کمک کرده. جنگ ما با عراق به تنهایی نبود بلکه جنگ ایران و هفتاد کشور بود. جوان هایی که شهید شدن سربازهای امام زمان (عجل) بودن.

خواب های مادر

هر از چندگاهی احمد بهم سرمیزنه اما در عالم خواب. اولین بار که اومد به خواب، همون اوایل بود شهید شده بود و من بی تاب می کردم. سوار بر اسب روی کوهی داشت می رفت. بهم گفت: ببین اینجا چقدر خوبه. این قدر گریه زاری نکن مادر، من جای خوبی اومدم. مادر شهید: «اولی که اومد خوابم رو کوهی داشت میرفت سوار اسب بود گفت ببین اینجا خوبه اینقدر گریه و زاری نکن من جای خوبی اومدم.»

یک مدت خیلی ناراحت بدم که چرا برای احمد زن نگرفتم. از احمد به خوابم اومد. گفت: «مادر این باغ رو که دیدی، این باغ منه. تو ناراحت نباش. من ازدواج کردم و همه چیز اینجا خوبه فقط برام گریه نکن.»

دوستان احمد

احمد همیشه با افراد سالم نشست و برخاست می کرد. یکی از دوستان احمد که از مدرسه تا خدمت با هم

بودند جعفر بود. خیلی با هم صمیمی بودند. بعد از شهادت احمد، سپاه قم اومدن. همان افرادی که پیکر احمد رو به سختی از میدان معرکه کشیده بودن بیرون تا به دست ما برسه. بعضی از دوستان احمد هنوز به ما سر میزنند و بهشت زهرا(س) میان.

آرزوی زیارت

وقتی وسایل احمد را آوردند و ساکش رو باز کردیم وصیتنامه احمد رو دیدیم که نوشته بود: اگر من شهید شدم، بدانید که قصد داشتم خدمت که تمام شد به زیارت امام رضا(ع) بروم و ۲۰۰ تومن در حرم بنذارم و ۲۰ شمع روشن کنم. اگر شهید شدم به زیارت امام رضا(ع) بروید. ما هم طبق وصیت احمد عمل کردیم. آن جوانان چیزی از دنیا نبردند و جان خود را پای اعتقاداتشان گذاشتند.

حرف های مادرانه با احمد

۳۵ ساله که احمد شهید شده. هنوز دلم آرام نشده و وقتی به یادش می افتم اشک می ریزم. به خوابم میاد و باهام صحبت می کنه، آرام می کنه. بهش میگم احمد ما رو تنها گذاشتی و رفتی. یکبار بهشت زهرا(س) رفتم با صدای بلند فاتحه می خوندم انگار احمد اومده بود جلو پام و نگاه می کردم.

حرف های پدرانه با احمد

اولاد برای پدر و مادر خیلی عزیز و دوست داشتنی هست. اما احمد و امثال احمد برایشان فقط رضای خدا معیار بود. وقتی با احمد خلوت می کنم میگم: پسرم ما رو شفا کن. دست ما رو بگیر اون دنیا حواست به ما هم باشه. از احمد می خوام برای سلامتی آقای رهبر، سلامتی ملت ایران و سلامتی و ظهور امام زمان (عجل) دعا کنه.



این حال امیدواریم امسال سوژه‌های خوب با طعم
لیخنه داشته باشد و ما را بسی خرسند کند.

ما و خانواده نقی معمولی

گرچه عید نوروز منتظر دیدن این سریال پرطرفدار بودیم اما ظاهراً قرار است ماه مبارک رمضان امسال را با خانواده آقای معمولی سپری کنیم. «پایتخت ۵» در تهران، شمال و جنوب ایران و همچنین قبرس تصویربرداری می‌شود. مناطق شیرگاه مازندران، پرند تهران و جزیره قشم از لوکیشن‌های این سریال است و با توجه به سرعت سیروس مقدم در کارگردانی انتظار می‌رود که در مدت زمان کوتاه باقی‌مانده تا ایام ماه مبارک رمضان، تیم تولید «پایتخت ۵» بتواند کار خود را به تولید برساند تا برای پخش در این ایام از شبکه یک سیما آماده شود.

در سری جدید «پایتخت» شخصیت‌های جدید هم به این سریال اضافه می‌شوند و ماجرای اصلی از این قرار است که خانواده معمولی به دلایل منطقی مجبور می‌شوند سر از یک کشور خارجی در بیاورند و آنجا با ماجراهایی گره می‌خورند که در آن همبستگی خانواده، عشق و علاقه آنها به همدیگر، اهمیت وطن و دور هم بودن را بیشتر از گذشته درک می‌کنند.

داستان «پایتخت ۵» این است که خانواده نقی مجبور می‌شود به دلایلی سر از آن در بیاورد و بعد ماجراهایی

نگاهی به سریال‌های ماه رمضان

افطار با طعم سریال

یوسف موسوی

یکی از اتفاقات خوب ماه رمضان به دست اهالی تلویزیون رقم می‌خورد و آن هم برنامه‌های متنوعی است که برای این ماه تدارک می‌بینند و حتماً هر سال یک سریال درجه اول هست که مردم را پای تلویزیون می‌خکوب کند و هیچ مانعی نمی‌تواند باعث شود که یک قسمت از دست مخاطب برود. امسال هم رسانه ملی برنامه‌ها و سریال‌های متنوعی دارند که در زیر به آن اشاره می‌کنیم.

مجله‌های تصویری

معمولاً تمام شبکه‌ها برنامه‌های ترکیبی خاص خود را در وقت سحر و افطار دارند. یک مجری و مهمان‌های مختلف و میان برنامه‌های مناسبی این ماه خلق‌الله را تا وقت اذان سرگرم می‌کنند

که تا به حال موفق‌ترین آن ماه عسل بوده است. ماه عسل پرطرفدار نامش با نام ماه مبارک رمضان سنخیت بسیاری دارد ولی محتوای آن بیشتر به یک روضه خوانی مدرن نزدیک است (نظر نگارنده است و قطعاً مخالفان میلیونی هم دارد این نظر). با





سامان پس از «ارمغان تاریکی» و «پروانه» است که نگاهی متفاوت و دراماتیک به موضوعات سال‌های آغازین انقلاب اسلامی دارد و با توجه به تقارن مناسبت‌هایی همچون ۱۵ خرداد و ۷ تیر در ماه رمضان سال ۹۶ تصمیم مدیران در رسانه ملی بر آن است که این مجموعه تلویزیونی فاخر در این ایام از شبکه ۳ سیما پخش شود.

داستان این سریال درباره جوانی پر شر و شور است که در بحبوحه وقایع انقلاب رازی در زندگی‌اش فاش می‌شود. او برای رسیدن به حقیقت حوادث پیچیده‌ای را پشت سر می‌گذارد. مسعود رایگان، ژاله صامتی، علیرضا کمالی، بهناز جعفری، احسان امانی، شهاب شادابی، هادی عامل هاشمی، پژمان جمشیدی با معرفی سناناز سعیدی و با حضور فاطمه گودرزی، هدایت هاشمی، داریوش فرهنگ، معصومه قاسمی‌پور، رامین راستاد، قربان نجفی بازیگران اصلی این سریال هستند و شخصیت سیدحسن؛ روحانی‌ای که ایفای نقش او را هدایت هاشمی در «پروانه» برعهده داشت، با همین شخصیت در سریال «نفس» حضور دارد.

تدوین این سریال بصورت هم‌زمان ادامه دارد و حسن حسندوست بیش از نیمی از تدوین این سریال را انجام داده است. شهر نور، وردیچ، کلاک کرج، سینما صحرا و بیمارستان فیروزآبادی از جمله لوکیشن‌هایی بود که عوامل «نفس» در آنها کار کردند.

نقش محوری آن است. در این سریال ۳۰ قسمتی، تلاش می‌شود با ترسیم فضای روابط اجتماعی یک محله، روی نقش مسجد و امام جماعت در رتق و فتق مشکلات روزمره مردم تمرکز شود.

محمد کاسبی، فرهاد قائمیان، اسماعیل محرابی، برزو ارجمند، متین ستوده، جعفر دهقان، جهانبخش سلطانی و رضا توکلی از جمله بازیگران اصلی این سریال هستند.

«سر دلبران» دومین همکاری مشترک محمدرضا شفیعی و محمدحسین لطیفی بعد از سریال موفق «تنهایی لیل» است. این سریال هم مانند همکاری قبلی این تهیه‌کننده و کارگردان، مضمونی اجتماعی داشته و برزو ارجمند در نقش یک روحانی ایفای نقش می‌کند.

«نفس» نفس شبکه سوم سیما

شبکه سه سیما هم در ایام ماه رمضان از گوی پخش سریال‌های مناسبتی دور نماند و مجموعه تلویزیونی «نفس» سومین ساخته جلیل سامان را به عنوان سریال ویژه رمضان امسال برای پخش از شبکه ۳ سیما انتخاب کرده است. جلیل سامان که در آثار قبلی خود یعنی «ارمغان تاریکی» و «پروانه» به وقایع انقلاب اسلامی پرداخته بود در این اثر نیز سعی دارد تا به وقایع منجر به انقلاب اسلامی در سال ۵۷ بپردازد.

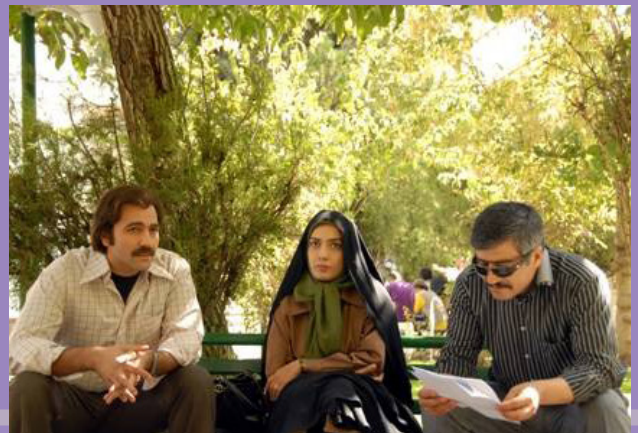
سریال «نفس» سومین مجموعه از سه‌گانه جلیل

برایشان اتفاق می‌افتد که همبستگی و عشق و علاقه این خانواده را به یکدیگر می‌بینیم. همچنین در این مجموعه اهمیت وطن و درک درست از کنار هم بودن به مخاطب نشان داده می‌شود.

سر دلبران از نگاه محمدحسین لطیفی

محمدحسین لطیفی نیز از دیگر کارگردانانی است که برای رمضان سال ۹۶ تولید سریالی اجتماعی را در دستور کار خود قرار داده و مجموعه تلویزیونی «سر دلبران» را با محوریت نقش محوری مسجد برای پخش در ماه رمضان آماده می‌کند. تصویربرداری سریال جدید محمدحسین لطیفی که مضمونی اجتماعی و خانوادگی دارد به خاطر استفاده از تنوع در فضا سازی از ابتدای اسفند ماه در شهر یزد شروع شد و در ادامه در بخش‌هایی از شهر تهران ادامه پیدا می‌کند. این سریال که برای ۳۰ قسمت ۳۵ دقیقه‌ای طراحی شده، توسط حسین حسینی و با همکاری رضا خمسه نوشته شده است و گزینه اصلی شبکه دو سیما برای پخش در ماه رمضان است.

سریال «سر دلبران» نیز از جدیدترین محصول سازمان هنری اوج است که تهیه‌کنندگی آن را محمدرضا شفیعی و نویسندگی آن را حسین حسینی و رضا خمسه به عهده دارند. سریال «سر دلبران» که قرار است در ماه مبارک رمضان از یکی از شبکه‌های سیما پخش شود، روایتی اجتماعی درباره مسجد و





نگاهی به فیلم سینمایی ویلایی‌ها

روایت ناتمام زنان جنگ دیده

○ زینب عباسی

شدند و منیر قیدی کارگردان جوان فیلم جایزه ویژه درخشان جشنواره را کسب کرد. با وجود حاشیه‌هایی که این فیلم در جشنواره داشت هم اکنون این فیلم در سینماهای کشور در حال اکران است.

قصه قهرمانان قهرمان پرور

ویلایی‌ها قصه خانواده‌های فرماندهان سپاه و ارتش در سال ۱۳۶۵ است. عزیز زن ۵۰ ساله‌ای است که همراه نوه‌هایش وارد مجموعه ویلاها می‌شود. الیاس نیز راننده بسیجی است که هر وقت وارد مجموعه می‌شود همه نگران این می‌شوند که شاید خبر شهادت یکی از فرماندهان را بدهد. پس از مدتی سیمیا که عروس عزیز است از تهران می‌آید تا بچه‌های خود را به خارج از کشور ببرد. تصویری که از زن در این فیلم می‌شود یک تصویر تازه و واقع‌گرا از زن در جنگ است. زنانی از جنس اصل و بی‌بدیل که حماسه آفریدند. منیره قیدی در این فیلم تمام کلیشه‌های رایج را شکست و تصویری درست از زنان در طول جنگ خلق کرد.

اما در این حاشیه‌ها آدم‌هایی بودند که گاه فراموش می‌شوند مثل مادران شهدا، پدران شهدا، فرزندان شهدا و... تا به حال کمتر فیلمی در حوزه دفاع مقدس ساخته شده که به این آدم‌ها بپردازد. البته در سال‌های اخیر چند فیلم ناب و فاخر برای مادران شهدا ساخته شد، فیلم‌هایی چون بوسیدن روی ماه همایون اسعدیان و شیاز ۱۴۳ نرگس آبیاری که به خوبی توانسته بود بخشی از دین خود را به مادران شهدا ادا کنند و البته از طرف همه جریان‌های فکری نیز مورد عنایت و استقبال قرار گرفتند. بهترین فیلم برای پدران شهدا را هم حاتمی کیا با عنوان (بوی پیراهن یوسف) ساخت و باقی فیلم‌ها چیزی برای گفتن نداشتند. برای همسران شهدا هم اثر قابل توجهی مشاهده نشده است. اما منیر قیدی، اولین اثر سینمایی خود را با موضوع همسران شهدا ساخته است که توانست در جشنواره فیلم فجر در چند حوزه کاندید جوایز مختلفی شود. مهدی قاسمی برای ویلایی‌ها (برنده) بهترین جلوه‌های بصری، ثریا قاسمی برای ویلایی‌ها (برنده) بهترین بازیگر مکمل زن

ویلایی‌ها روایت ناتمام زنان این سرزمین است، زنانی که از دامن‌شان مرد به معراج صعود کرد و خودشان افتادند، شکستند و تاب آوردند تا وطن، وطن بماند. تاریخ جنگ ما در خط مقدم و زیر گلوله خلاصه نمی‌شود. جنگ ما یک متن داشت و هزار حاشیه و این حاشیه‌ها بودند که متن را تحت‌تاثیر خود قرار می‌دادند اگر نبودند مادرانی که فرزندان خود را راهی جنگ کنند متن جنگ کجا رزمنده برای دفاع داشت، اگر کمک‌های مردمی نبود کجا تاب می‌آوردند رزمندگان ما و...





مشرق در نقد و بررسی این فیلم می نویسد: زنان در «ویلائی‌ها» رزم‌جویان جنگجویی در خط مقدم دفاع نیستند، اما رزم آنان کمتر از بزم رزم مردانه در مواجهه مستقیم با دشمن نیست. آنان سربازانی هستند که در خط رزم هستند، در تیر مقابل دشمن قرار ندارند اما روزانه با مرگ‌های خاموشی در کالبد زنانه‌شان دست و پنجه نرم می‌کنند. بدین جهت نگارنده ادعا می‌کند که ساختار روایی این فیلم فراتر از سینمای ایران و به دلیل بدعت خاص مرزهای جهانی را در می‌نوردد. از همه مهمتر مقوله کارگردانی است که منیر قیدی به تنهایی میلیون‌ها برابر از استنلی کوبریک و الیور استون بی‌هیچ اغراقی کارگردانی سینما می‌داند. با لحظات بسیار ساده نفس را در گلوئی مخاطب حبس می‌شود و یا هر مرتبه با ورود هایش یا یک موتور پیک، قلب تماشاگر را از درون سینه اش در می‌آورد. آن‌سوی دوربین پریناز ایزدیار در نقش خانم خیری، اثبات می‌کند مریل استریپ و آدری توتو به گرد پایش هم نمی‌رسند. طنز طباطبایی الگوهای رایج بازیگری را با ادای یک دیالوگ و یک کنش ساده به سادگی جابجا می‌کند و درود بر شرف ثریا قاسمی که اگر هزاران سیمرغ و شاخه گل، مستولان جشنواره برای ایفای نقش عزیزخانم، نثارش کنند بازهم کم کاری کرده‌اند.

ویلائی پر از ستاره

ویلائی‌ها از جمله فیلم‌های پر بازیگری است که تمام بازیگران اصلی آن زن هستند. به غیر از چندین سکانس که بازیگر مرد دارد، در بقیه صحنه‌های فیلم فقط بازیگران زن حضور دارند و اغراق نیست اگر بگوییم همه بازیگران این فیلم ستاره‌های درخشان سینمای ایران هستند از جمله بانو ثریا قاسمی، پریناز ایزدیار، طنز طباطبایی و... عوامل حرفه‌ای

وقتی پشت کار کسی مثل سعید ملکان باشد یعنی می‌شود به آن اطمینان کرد و با خیال راحت بلیط خرید و ویلائی‌ها را تماشا کرد. سعید ملکان تهیه‌کننده «ویلائی‌ها» سال ۹۴ با دو فیلم «ابد و یک روز» و «برادرم خسرو» در جشنواره فجر حضور داشت. «ابد و یک روز» با توجه به استقبال مردم، عنوان پرفروش‌ترین فیلم اجتماعی تاریخ سینمای ایران را به خود گرفته است.

منیر قیدی گرچه اولین کارگردانی خود را در سینما با ویلائی‌ها آغاز کرده است اما در این حوزه برای خودش برو بیایی دارد. پیش از این به عنوان منشی صحنه و دستیار کارگردان با فیلمسازان متعددی همکاری داشته است. او پیش از «ویلائی‌ها» ساخت فیلم‌های کوتاهی همچون «دختر، پسر، پیرمرد»، «در راه ویلا» و مستند «تهران، شهر چنان» را در کارنامه دارد و جوایزی از جشنواره‌های مختلف برای این آثار دریافت کرده است.

دیدن این فیلم را به شما پیشنهاد می‌کنیم.



با جوانان قمی و قمیه شامند

جوانی به وقت تلاش

اقتصادی مقام معظم رهبری در تلاش است و چون ایشان فردی ولایت مدار است حتما مولفه هایی در ذهن دارد که او را برای به انجام رسیدن این مهم کمک کنند و یکی انتخاب مدیران جوان و توانمند است که او را برای انجام سیاست های ابلاغی مقام معظم رهبری در حوزه اقتصاد مقاومتی کمک کنند و این نه تنها برای من موفقیت بلکه افتخار نیز هست که در جبهه اقتصاد افتخار سربازی دارم. اما هنوز برای رسیدن باید رفت. خداوند توفیق داد و توانستیم برای اولین بار در کشور روزانه ۲۵۰ تن روغن کجند تولید کنیم، برای رسیدن به این عدد تحقیقات و کار کارشناسی و علمی بسیاری شد. تکنولوژی تولید روزانه ۲۵۰ تن روغن دانه کتان و جوانه ذرت با همت همکاران در اختیار شرکت پنبه دانه های خراسان است. از سوی وزارت صنعت و معدن و فرمانداری نیشابور به عنوان کارخانه نمونه شناخته شدیم. در روز جوان به عنوان جوان نخیه از این حقیر تقدیر شد. بندهای ۲۴ و ۲۶ اقتصاد مقاومتی را به نحو احسن اجرا کرده ایم، در

خودم یک چشم انداز و دورنما داشتیم که برای رسیدن به آن برنامه ریزی کردم و راه های رسیدن به هدف را مشخص کردم و تمام جوانب را بررسی کردم که چطور باید به آن نقطه مطلوب برسم. تلاش کردم، زحمت کشیدم، افتادم، بلند شدم تا به نقطه مطلوب برسم. گرچه هنوز به آن نقطه ایده آل نرسیده ام و هنوز در تلاشم که به قله مدنظر خودم برسم. گاهی ۲۰ ساعت در شبانه روز کار می کنم تا به ایده های خود برسم. در فرهنگ لغت من نشد معنا ندارد و همیشه با خودم تکرار می کنم که می شود. با توکل به خدا و همت عالی کار نشد ندارد.

موفقیت...

همین که از سوی یک مدیر جهادی و موفق این اعتماد به من شده که در سن جوانی مسئولیت مدیرعاملی یک حوزه مهم را به من بسپارند یعنی موفق بوده ام. مهندس اسکندری که خود از مدیران جهادی و ایثارگر است برای رفع دغدغه های

مدیرعامل جوان شرکت پنبه دانه های خراسان از شرکت های وابسته به بنیاد شهید یکی از جوانان نخیه و سرآمد شاهد است که توانسته است از پس مشکلات این حوزه به خوبی برآید. ابوالفضل بوژمهرانی متولد شهریور ۱۳۶۵ در شهر دین و دانش، محل پیوند ایران و اسلام نیشابور است. این دانش آموخته کارشناسی ارشد صنایع غذایی، از سال ۱۳۹۰ عضو هیات مدیره شرکت پنبه دانه های خراسان در نیشابور است که در ۳۰ سالگی با نشان دادن توان و دانش مدیریت خود به مدیرعاملی این شرکت منصوب شد. رسیدن به موفقیت در حوزه اقتصاد کار دشواری است و این بهانه ای شد که با این فرزند شهید معظم گفتگویی داشته باشیم و از موفقیت هایش برایمان بگویید.

با کریمان کارها دشوار نیست

وقتی وارد یک وادی می شوی، وقتی برای خود هدفی تعیین می کنی باید برای رسیدن زحمت بکشی، تلاش کنی و وقت بگذاری. من هم برای

اینکه محصول خودمان است بلکه بخاطر اطمینان از سلامت آن و سلامت غذایی مردم آن را توصیه می‌کنم.

اقتصاد مقاومتی

چند سالی است که دغدغه اقتصاد و معیشت مردم، مساله اصلی مقام معظم رهبری است و به شدت نیز پیگیر هستند ما امروز وظیفه داریم در جهت منویات مقام معظم رهبری بیش از پیش تلاش کنیم. برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی روش‌های بسیاری توصیه شده است اما هر حوزه راه و روش خود را باید بر اساس سیاست‌های ابلاغی پیدا کند و به اجرا درآورد.

مشکل اصلی کشور ما امروز وابستگی شدید به نفت است که باید با سایر تولیدات این وابستگی را به صفر برسانیم. در حوزه ما هم بحث روی P22 کنجد و... است که باید کشور به این سمت برود که این محصولات فراوری شوند. مساله دیگر استفاده بهینه از منابع انسانی متخصص و کارآمد است که بتواند در کمترین زمان بهترین بازدهی را داشته باشد. ما در این شرکت سعی کرده‌ایم از نیروی متخصص و ماهر استفاده کنیم و خلایقیت و نوآوری در دستور همیشگی کار ما است.

تمام تلاش ما این است که با یک استراتژی دقیق نقاط ضعف خود را برطرف، نقاط قوت را تقویت کنیم تا ان شاء الله در رقابت بازار همه رقبای خود را از نظر کیفیت با فاصله زیاد پشت سر بگذاریم.

حرف آخر:

صادقانه و خالصانه از مهندس اسکندری و دکتر نوروزی بخاطر اعتمادی که به جوانان دارند بسیار سپاسگزارم.

در این راه به شهادت رسید و این برای من بسیار ارزشمند است و این عنوان را با هیچ گوهری در دنیا عوض نمی‌کنم. نبودن و نداشتن پدر سخت است اما من همیشه او را زنده و ناظر در کنار خود می‌بینم. فرزند شهید بودن بدون تخصص و تعهد ارزشی ندارد و نمی‌شود کسی به صرف فرزند شهید بودن بگوید من موفقم و باید در یک جایگاه کلان مدیریتی قرار بگیرم. بلکه فرزند شهید برای حفظ این جایگاه تلاش کند، درس بخواند، تخصص و تجربه کسب کند و مثل پدرش در حوزه تخصصی خود جهادی عمل کند شک نکنید هیچ بالادست عاقلی نمی‌تواند از یک فرد با چنین ویژگی بگذرد.

مدیر خوب

مدیر خوب علاوه بر داشتن دانش و بینش کافی، تخصص و تعهد کاری اخلاص و صداقت در کار را نیز نباید فراموش کند. مدیری موفق است که وقتی از تلاش و پشتکار در کار می‌گوید خودش نیز به همان نسبت و بلکه بیشتر در کنار کارگرش زحمت بکشد.

محصول خوب

از جمله بارزترین محصولات این شرکت در راستای سلامت غذایی مردم می‌توان به روغن کنجد با نام تجاری لی‌فود اشاره کرد. روغن کنجد حاوی آنتی اکسیدان‌های طبیعی و همچنین ویتامین‌های D و E و امگا ۶ است. این روغن دارای بیش از ۸۰٪ اسیدهای چرب اشباع نشده مانند لینولئیک اسید و اسید اولئیک است و نه تنها کلسترول خون را افزایش نمی‌دهد بلکه مصرف متعارف آن باعث کاهش کلسترول خون نیز می‌شود. من نه بخاطر



محصولات کارخانه تنوع و تعدد ایجاد کرده‌ایم و... خیلی دیگر از خودم تعریف نکنم. عرض کردم برای پاسخ به سوال

باز هم مادرم...

اگر امروز من می‌توانم سربلند و با افتخار در جامعه عرض اندام کنم بخاطر زحمات‌های مادری است که مثل همه شهدا جان و جوانیش را گذاشت تا فرزندانش به بالندگی برسند. بستری که مادرم برایم فراهم کرد باعث شد من امروز یک جوان سالم و تحصیل کرده و مورد وثوق باشم. آرامش و آسایشی که مادرم برای فراهم کردن تا فقدان پدر را حس نکنم قابل وصف نیست. هر چه دارم از خدا دارم و مادرم.

با افتخار فرزند شهیدم

هیچ وقت از گفتن اینکه فرزند شهیدم ابایی نداشته و ندارم. شش روزه بودم که پدرم رفت تا فرزندان ایران اسلامی در آسایش و آرامش باشند و



پدل ورزش قرن بیستمی‌ها

○ زینب دارابی کارشناس تربیت بدنی و دبیر ورزش

پدل ورزش قرن ۲۰

این ورزش نوپا و کمی ناشناس در آن سوی مرزها با تبلیغات و معرفی خوب توانسته است طرفدارانی برای خود جذب کند، گرچه هنوز تا همه گیر شدن راه زیادی در پیش دارد اما تا اینجای کار خوب پیش آمده است. ورزشی جذاب و پرتحرک که همه‌ی گروه‌های سنی می‌توانند به آن بپردازند. در واقع این ورزش معجون مخلوطی از ورزش‌های راکتی مانند اسکواش، تنیس، بدمینتون و ... است.

زمانی که «آلفونسو هومن لوهه» ی اسپانیایی برای دیدن دوستش «انریکو کور کوئه را» به مکزیک سفر کرده بود، برای پایه‌ریزی این رشته با وی به مشورت پرداخت و در بازگشت به اسپانیا برای نخستین بار زمین بازی پدل را در «مارابلا» بنا کرد. قوانین این رشته و نوع بازی آن به تدریج مدون و به سرعت علاقه‌مندان بسیاری در آمریکای لاتین، اروپا، کانادا و حتی هندوستان جذب آن شدند. از آرژانتین و اسپانیا به عنوان کشورهایی که بیشترین توجه را به ورزش قرن بیست و یکم نشان داده‌اند، یاد می‌کنند، چرا که حدود شش میلیون نفر در این کشورها مشغول بازی پدل هستند و حدود ده هزار زمین نیز برای این رشته احداث شده است.

با پیشرفت علم و تکنولوژی، همه جنبه‌های زندگی یک انسان معاصر نیز تحت شعاع این پیشرفت قرار گرفته است. دانشمندان و کارشناسان حوزه‌های مختلف نیز به سرعت برق و باد در تلاش و تکاپو هستند تا از این مارا تن عقب نمانند و در کار و رشته خود تحولات نوینی انجام دهند و باعث شور و شگفتی شوند. طبیعتاً در بین علاقه‌مندان به ورزش نیز این انگیزه هست که در ورزش نیز نوآوری داشته باشند و مردم را با اختراع ورزش‌های جدید جذب کنند. یکی از این ورزش‌ها، که امروزه بیشتر در کشورهای اروپایی و آمریکای لاتین مرسوم است ورزش پدل است که در زیر به معرفی آن می‌پردازیم.





پدل در وطن

سال ۸۴ وقتی آقای فرهاد جامع برای دیدار از خانواده‌اش به اسپانیا سفر کرد برای اولین بار با این ورزش جذاب آشنا شد و چون خودشان از پیشکسوتان تنیس هستند به سرعت جذب این رشته شد و تصمیم گرفت به محض بازگشت به وطن این ورزش را در ایران همگانی کند. تلاش‌های ایشان به بار نشست و در سال ۱۳۸۹ نخستین زمین پدل در مجموعه انقلاب تهران به مرحله بهره‌برداری رسید.

قوانین پدل

بازی دو به دو است یعنی چهار نفر دو به دو روبروی هم قرار می‌گیرند. برنده کسی است که از ۳ ست ۲ ست را ببرد. هر ست ۶ گیم است. تعویض زمین در امتیاز فرد با ۹۰ ثانیه استراحت انجام می‌شود. بازیکنان بدون اجازه داور حق ترک زمین را ندارند. در ابتدا بازیکنی که قرعه را برده حق زدن یا گرفتن سرویس را دارد. ۱۰ دقیقه تاخیر موجب باخت تیم غایب می‌شود. ادب و نزاکت واجب، پرخاش ممنوع

ابزار پدل

زمین پدل: زمینی به شکل مستطیل با ۱۰ متر عرض و ۲۰ متر طول است که باید برای جلوگیری از آسیب دیدگی چمن مصنوعی داشته باشد. لباس: ورزشی باشد و تمیز کفش: فقط ورزشی باشد و ورزشکار با آن احساس راحتی کند. راکت: راکت پدل از شکل خاصی برخوردار است. راکت‌هایی که زه ندارند و به جای آن کربن در آن‌ها به کار رفته است. طول این راکت‌ها ۴۵/۵ سانتی متر در ۲۶ سانتی متر و ۳۸ میلی‌متر هم ضخامت دارد. البته سطح مرکزی راکت دارای سوراخ‌هایی است که هر کدام بین ۹ تا ۱۳ میلی متر است. راکت پدل دارای یک بند بوده که برای حفظ ایمنی به میچ دست ورزشکار گره می‌خورد.

تور: تور ده متری که ۸۸ سانتی متر ارتفاع دارد، در وسط عرض زمین نصب می‌شود. توپ: توپ پدل گویی لاستیکی شبیه به توپ تنیس و زرد رنگ است. به طور معمول این توپ بین ۵۶ تا ۵۹/۴ گرم وزن دارد. در پادل هم مثل اسکواش از دیوار برای ضربه استفاده می‌شود و خط اوت وجود ندارد. در واقع توپ پس از یک بار برخورد به دیواره توسط بازیکن زده می‌شود. جنس زمین بازی از چمن مصنوعی یا سیمانی به رنگ‌های زرد، آبی و سبز است.



وزنه‌برداری قهرمانی آسیا بازگشت ایران

بزرگسالان درباره مسابقات قهرمانی بزرگسالان آسیا و بازی‌های کشورهای اسلامی گفت: پس از پایان المپیک ریو، قصد داریم برای المپیک ۲۰۲۰ توکیو، پشتوانه‌سازی کنیم. باید به جوان‌تراها میدان بدهیم، بنابراین تیم جوانی را راهی مسابقات قهرمانی آسیا و بازی‌های کشورهای اسلامی خواهیم کرد.

وی ادامه داد: جوانگرایی ریسک بالایی دارد، اما فارغ از کسب نتیجه در این مسابقات، وزنه‌برداران جوان تیم ملی نیز تجربه حضور در میادین بین‌المللی را پیدا می‌کنند. اگر این نفرات در نخستین تجربه خود موفق به مدال آوری شوند، وزنه‌برداری کشورمان از این پشتوانه‌ها در آینده استفاده خواهد کرد.

انوشیروانی در خصوص برنامه‌ریزی ۴ ساله فدراسیون وزنه‌برداری تصریح کرد: پس از المپیک ریو، برنامه چهار ساله جدیدی داریم تا در رقابت‌های مهم پیش رو به بهترین نتیجه دست پیدا کنیم؛ موفقیت در رقابت‌های قهرمانی جهان و المپیک برای ما از اهمیت بیشتری برخوردار است. این برنامه‌ریزی ۴ ساله موفقیت در مسابقات وزنه‌برداری قهرمانی جهان در آذرماه سال جاری به میزبانی آمریکا، بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ اندونزی و بعد از آن المپیک ۲۰۲۰ خواهد بود.

برنامه‌ای که در گام اول موفق نشان داد و باید منتظر پاییز و گام دوم آن بود.

ایوب موسوی در دسته ۹۴ کیلوگرم قهرمانی آسیا دو مدال نقره و یک طلا به‌دست آورد و نایب قهرمان آسیا شد. صالح چراغی وزنه‌بردار دسته ۸۵ کیلوگرم ایران در حرکت یک ضرب، مدال طلا و در حدنصاب مجموع نشان نقره رقابت‌های قهرمانی آسیا در ترکمنستان را کسب کرد. رامین ربیعی و علی هاشمی هم برای تیم ملی وزنه‌برداری ایران مدال برنز گرفتند. در پایان رقابت‌های قهرمانی آسیا به میزبانی ترکمنستان امتیازهای تمامی تیم‌های شرکت‌کننده در این رویداد محاسبه شد و تیم ملی ایران توانست در رقابتی نفس‌گیر و نزدیک با حریفان مدعی آسیایی به مقام قهرمانی قاره کهن برسد.

تیم ملی وزنه‌برداری کشورمان در این رقابت‌ها توانست ۵۶۲ امتیاز کسب کند و قهرمان شود، چین با ۵۴۸ امتیاز دوم و تیم وزنه‌برداری ازبکستان با ۵۱۱ امتیاز سوم شد. ترکمنستان کشور میزبان این رقابت‌ها با ۴۹۰ امتیاز در جایگاه چهارم قرار گرفت.

اهمیت کار تیم ملی وزنه‌برداری ایران در آنجا بود عنوان قهرمانی آسیا را پس از ۵ سال در عشق‌آباد ترکمنستان به دست آورد تا برای رویداد قهرمانی جهان که در آمریکا برگزار می‌شود با روحیه‌ی بهتری آماده شود.

ایران در نهایت نیز توانست ۵ مدال طلا، ۳ نقره و ۳ برنز بگیرد. سجاد انوشیروانی سرمربی تیم ملی وزنه‌برداری

تیم ملی وزنه‌برداری ایران بعد از درخشش در المپیک ریو و کسب مدال‌های رنگارنگ از آن رقابت، حدود یکسال بعد از آن رویداد رقابت‌های وزنه‌برداری آسیا را در پیش داشت. رقابت‌هایی که پنج سال از قهرمانی تیمی در آن دور مانده بود و حالا با تیمی جوان و بدون ستاره‌هایی مانند کیانوش رستمی، بهداد سلیمی و سهراب مرادی عازم مشهد شده بود تا از آنجا با اتوبوس خود را به عشق‌آباد پایتخت ترکمنستان و میزبان این بازی‌ها برساند.

سجاد انوشیروانی قهرمان سال‌های نه چندان دور با دستیاری نواب نصیرشلال و محید ربیعی تیمی جوان با ترکیب جابر بهروزی، صالح چراغی و مرتضی بیگلری، ایوب موسوی، علی هاشمی، محمدرضا براری، همایون تیمسوری و رامین ربیعی در این رقابت‌ها حاضر کرده بودند که چشم به پولاد سرد و مدال‌های رنگارنگ آن دوخته بودند.

ستاره تیم کشورمان کسی نبود جز محمدرضا براری که سه مدال طلا وزن ۱۰۵ کیلوگرم را کسب کرد و بعد از قهرمانی در آسیا مدال‌های طلایش را به شهدای مرزبان تقدیم کرد و گفت: واقعا دوست دارم مدال‌هایم را به شهدای مرزبان و خانواده عزیزشان تقدیم کنم. این عزیزان برای وطن ما جانشان را دادند و امیدوارم این مدال‌ها کمی از غم خانواده‌هایشان کم کنند.



پایان فصل فوتبالی

پاییز مستطیل سبز

نتایجی درخور نام و نشان ایران کسب کند. فصل فوتبال داخلی به پایان رسید. فصل یارگیری و ترکاندن بمب‌های نقل و انتقالات شروع شده و تیم‌ها گرم آماده‌سازی خود برای یک فصل فوتبالی تازه هستند. رقابت‌هایی که از دل آن بازیکن‌های تیم ملی بیرون می‌آیند و جوان‌های مستعدی مانند جهانبخش، انصاری فر، آزمون، قوچان‌نژاد و ... که در باشگاه‌های خوب اروپایی فصلی خوب را پشت سر گذاشتند و در آستانه‌ی ترانسفر به تیم‌های سطح بالاتر در لیگ‌های طراز اول دنیا هستند.

فوتبالی که یک سال تمام پاییز و زمستان و بهاری گرم را برای بینندگان رقم زد و حالا در تابستان به استراحتی چند هفته‌ای خواهد رفت تا باز فصلی دیگر و رویاهایی تازه برای تماشاگران در پیش داشته باشد. تلاش و جان کندن و گل زدن و گل خوردن. اشک‌ها و لیخندها. بالا بردن جام و فانوس به دست شدن و اندوه سقوط از لیگی به دسته‌ی پایین‌تر و حکایت هزاران فوتبالیست و میلیون‌ها هوادار تنها برای یک توپ و دو تور. حکایت بوسه زدن توپ به تور و از جا کنده شدن هزاران هوادار.

در فصل قدرت گرفتن دو قطب فوتبال ایران و آسیا یعنی دو تیم قرمز و آبی پایتخت، حالا نوبت تیم ملی فوتبال کشورمان است تا همچنان و به شکل متوالی و پیاپی نشان دهد که ایران قدرت اول فوتبال آسیاست و درصدد ورود به عرصه‌های جهانی. افتخاراتی که پیش از آن در فووتسال و فوتبال ساحلی نصیبمان شده و تنها در اصلی‌ترین رقابت مستطیل سبز یعنی فوتبال بزرگسالان از آن بی‌نصیب بوده‌ایم.

راهیابی رده‌های سنی فوتبال کشورمان به جام جهانی فوتبال یعنی اینکه ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ برای فوتبال دوستان پر از هیجان شرکت نوجوانان، جوانان و بزرگسالان ایران در بالاترین سطح فوتبال جهان است. فوتبالی که در کنار مسائل اقتصادی، حائز بسیاری از مسائل ملی و اجتماعی است که می‌تواند موجی از امید و نشاط را در میان جامعه ایجاد کند.

فوتبالی که سال‌ها منتقد عدم بهره‌وری آن با توجه به هزینه‌ی هنگفت سرمایه‌گذاری در آن بودیم و حالا این امید را ایجاد کرده که دوباره به روزهای اوج خود در چند دهه پیش بازگردد و بتواند نه تنها در آسیا که در میدان‌های جهانی عرض اندام کند و

فصل فوتبالی ۹۵ - ۹۶ در هر دو لیگ برتر و آزادگان به پایان رسید. پرسپولیس بعد از چند فصل ناموفق و ماندن در یک قدمی جام بالاخره توانست با اقتدار قهرمان لیگ برتر شود و از آن سو هم پارس جنوبی جم و سپیدرود رشت جواز حضور در لیگ برتر را گرفتند تا دو تیم از استان‌های بوشهر و گیلان به لیگ اضافه شوند و لیگ ۹۶ جذاب‌تر از گذشته پی‌گیری شود.

فصل فوتبال داخلی با برندگان و بازندگان در حالی به پایان رسید که خرداد تا شهریورش پر از جذابیت رقابت‌های بین‌المللی به خصوص در بعد آسیایی آن است. تکلیف تیم‌های صعود کرده به جام قهرمانان باشگاه‌های آسیا مشخص شده و حالا نوبت تیم ملی کشورمان است که موفقیت‌های خود در مقدماتی جام جهانی روسیه را تکمیل کند. تیمی که تقریباً خیالش از بابت صعود تا حدودی راحت است و اگر در ۲۲ خرداد و در آزادی همیشه ترسناک برای رقیبان بتواند ازبکستان را شکست بدهد بدون نگاه کردن به نتایج رقا و دو بازی باقی مانده در شهریور ماه، یکی از صعودهای راحت و بی‌دردسر خود را تجربه کرده است.

۴۵





بازتاب رسانه‌ای انتخاباتی که گذشت

جهان مبهوت جمهوری ما

هر چند ما به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در خرداد هر چهار سال یکبار عادت کرده بودیم و این ماه تبدیل به یکی از سیاسی‌ترین ماه‌های ذهن ما شده بود. اما اردیبهشت و روزهای پایانی آن در سال ۹۶ هم به یادمان حافظه سیاسی کشور ما اضافه شد. جایی که در سراسر ماه میانی بهار کشور در تب و تاب انتخاباتی قرار گرفت که آخرین رئیس جمهور قرن حاضر هجری شمسی را مشخص می‌کرد.

انتخاباتی که با شش نامزد آغاز شد و با چهار نامزد به پایان رسید. انتخاباتی با همه‌ی خصوصیت‌های ایرانی و در عین حال با شرایطی متفاوت نسبت به دوره گذشته. انتخاباتی که بسیاری از چشم‌ها را به خود متوجه می‌دید و خبرنگارانی از کشورهای مختلف برای پوشش تصویری و خبری آن به ایران آمدند.

حسین انتظامی معاون مطبوعاتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به برگزاری باشکوه انتخابات ۲۹ اردیبهشت در مورد پوشش رسانه‌ای این رویداد می‌گوید: با احتساب خبرنگاران مقیم رسانه‌های خارجی و همچنین صدور روایید ۲۵۳ خبرنگار در این روزها، مجموعاً ۵۷۰ خبرنگار و عوامل خبری از ۲۴۵ رسانه، از بیش از ۴۰ کشور جهان، پوشش خبری این انتخابات را برای افکار عمومی جهانی به عهده داشتند که خود این تعداد و تنوع و کیفیت و رتبه رسانه‌های پوشش دهنده، از واقعی بودن و غیرنمایشی بودن مردمسالاری در ایران حکایت دارد.

انتظامی همچنین افزود: این تعداد خبرنگار و رسانه خارجی که نسبت به دوره گذشته انتخابات ۳۳ درصد افزایش داشته است همچنین نشان از موفقیت دیپلماسی رسانه‌ای دارد.

انتظامی با اشاره به دیپلماسی رسانه‌ای دولت نیز خاطرنشان کرد: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان مجری این سیاست اصولی دولت یازدهم، با کمک و مسئولیت شناسی سایر دستگاه‌های مرتبط از جمله وزارت امور خارجه و نهادهای امنیتی و انتظامی همواره تلاش داشته است از ظرفیت حضور نمایندگان رسانه‌های خارجی در کشور برای ارائه تصویری واقعی از ملت بزرگ ایران و جمهوری اسلامی استفاده کند و از این طریق به توسعه تعامل سازنده رسانه‌های خارجی با رسانه‌های داخلی کمک کند تا ظرفیت‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشورمان به جهانیان و منطقه معرفی شود.

به گزارش ایرنا، از آسوشیتدپرس، بر اساس نتایج اولیه شمارش بخشی از آراء حسن روحانی به عنوان رئیس جمهوری مستقر در مقایسه با رقیب خود بیش از ۵۸ درصد آرا را کسب کرده است.

براساس آمارهای رسمی که از سوی علی اصغر احمدی به خبرنگاران در یک مصاحبه تلویزیونی اعلام شده است، بیش از چهار میلیون تن از ایرانیان در انتخابات روز جمعه شرکت کردند که این به معنی مشارکت بیش از هفتاد درصد مردم در رای گیری است.

آسوشیتدپرس در توصیف فضای انتخاباتی روز جمعه در ایران نوشت: مقامات ایران بارها مجبور شدند ساعت رای گیری را تا آخرین ساعت شب تمدید کنند تا پاسخگوی صف طولانی رای دهندگان باشند. در عین حال برخی از مردم گفتند مجبور شدند ساعت‌ها منتظر بمانند تا نوبت رای دادنشان برسد.

رسانه‌های فرانسه: روحانی پیشتاز

صفحه توئیتر و تارنمای خبری بسیاری از رسانه‌های فرانسوی زبان با انتشار نتایج اولیه دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران، از پیشتازی حسن روحانی رئیس جمهوری وقت در این انتخابات خبر دادند.

تارنمای روزنامه لوموند با اختصاص دادن تیتیر یک خود به این خبر، نوشت: حسن روحانی رئیس جمهوری ایران با اختلاف زیادی پیشتاز است.

مخبره به دنیا

اما آن چه در روزجمعه ۲۹ اردیبهشت ماه پای صندوق‌های رای درصاف‌های طولانی و ساعت‌ها انتظار، همگان بویژه رسانه‌های خارجی را متحیر کرد، عزم و اراده مردمی بود که تا ۱۲ شب هم در صف ایستادند. خبرگزاری آسوشیتدپرس روز شنبه و در صبح پس از انتخابات از مشارکت بیش از ۷۰ درصدی مردم ایران در دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری خبر داد.

این روزنامه مشهور فرانسوی در دو گزارش دیگر خود با اشاره به نتایج اولیه انتخابات از تیتراهای «حسن روحانی در مسیر انتخاب مجدد ریاست جمهوری» و «ایران: سیاست گشایش حسن روحانی محبوب رای دهندگان» استفاده کرد.

لوموند نیز با انتشار گزارش هایی در زمینه انتخابات ریاست جمهوری ایران از تیتراهایی همچون «حسن روحانی، میانه روی به دنبال پایداری» بهره برد. در این میان برخی رسانه های فرانسوی زبان همچون فیگارو پر شمارگان ترین روزنامه فرانسه و «لکروا» حضور مردم ایران در پای صندوق های رای برای انتخاب رئیس جمهوری جدید را بسیار گسترده ارزیابی کردند. در حالی که تارنمای خبری فیگارو از نتایج اولیه و پیش تنازی روحانی در انتخابات خبر می داد، تارنمای خبری روزنامه لکروا با اشاره به تمدید چند باره ساعت رای گیری در انتخابات ایران، از جمعیت رو به رشد رای دهندگان ایرانی در پای صندوق های رای خبر داد و آن را عاملی برای تمدید کار رای گیری اعلام کرد.

رسانه هایی همچون رادیو بین المللی فرانسه و «اروپ ۱» نیز با تیترا مشابه «روحانی رئیس جمهوری کنونی پیش تناز» علاوه بر تارنمای خبری، اخبار و نتایج اولیه انتخابات ریاست جمهوری ایران را در شبکه اجتماعی توئیتر نیز پوشش دادند.

تارنمای شبکه تلویزیونی فرانس ۲۴ نیز تیترا یک خود را به این خبر اختصاص داد و نوشت: «انتخابات ریاست جمهوری ایران: بر اساس نتایج اولیه روحانی پیش تناز است.» تارنمای این شبکه تلویزیونی علاوه بر انتشار آمارهای اولیه، همچنین از بسیج قوی مردم ایران برای رای دادن خبر داد.

این رسانه فرانسوی با اشاره به سخنان وزیر کشور ایران، نرخ مشارکت در این انتخابات را ۷۰ درصد اعلام و اضافه کرد: افزون بر ۴۰ میلیون ایرانی روز جمعه در رای گیری مشارکت کردند. در برابر خیل جمعیت، شعبه های اخذ رای ساعت های زیادی باز ماند.

خبرنگار فرانس ۲۴ در این گزارش با اشاره به اینکه در مواردی دو یا سه ساعت برای ورود به شعبه اخذ رای در صف بودیم، از حضور گسترده جوانان پایتخت در این انتخابات خبر داد.

خبرگزاری فرانسه نیز با انتشار نتایج اولیه این انتخابات، از عنوان «روحانی رئیس جمهوری وقت پیش تناز» برای گزارش خود استفاده کرد.

در این گزارش که لحظاتی پس از اعلام رسمی نتایج اولیه انتخابات ایران بر روی تارنمای خبری این خبرگزاری منتشر شد، به نقل از علی اصغر احمدی سخنگوی وزارت کشور، آمده است: حسن روحانی رئیس جمهوری، پیش تناز انتخابات ریاست جمهوری است که روز جمعه برگزار شد.

در ادامه این گزارش آمده است: از شمارش افزون بر ۲۵ میلیون و ۹۰۰ هزار رای، روحانی ۱۴ میلیون و ۶۰۰ و رئیس ی ۱۰ میلیون و ۱۰۰ هزار رای کسب کرده است. بیش از ۴۰ میلیون رای دهنده از میان ۵۶ میلیون و ۴۰۰ هزار واجد شرایط رای دهی، در این انتخابات شرکت کردند.

در ادامه این گزارش آمده است: از لحاظ درصد، این

بدان معنی است که بر اساس نتایج اولیه، روحانی حدود ۵۶ درصد از آرا و رئیس ی ۳۹ درصد آرا را کسب کردند.

خبرگزاری فرانسه در ادامه گزارش خود آورده است: مشارکت گسترده مردم در انتخابات روز جمعه که طبق برآوردها بیش از ۴۰ میلیون نفر از ۵۶ میلیون رای دهنده واجد شرایط در آن شرکت کردند، باعث شد رای گیری برای اخذ رای از مردمی که در صف های طولانی ایستاده بودند، تمدید شود.

این رسانه فرانسوی ادامه داد: روحانی، میانه روی ۶۸ ساله که نقش پیش تنازی را در توافق هسته ای سال ۲۰۱۵ با قدرت های جهان داشت، انتخابات را انتخاب بین آزادی های بیشتر مدنی و «فراط گرایی» عنوان کرده است اما با رقابت شدیدی از سوی «ابراهیم رئیسی» ۵۶ ساله که خود را مدافع محرومان توصیف کرده و خواستار خط مشی سختگیرانه تر علیه غرب است، مواجه بوده است.

خبرگزاری فرانسه: سران اصولگرایان به پیروزی روحانی اذعان کردند

خبرگزاری فرانسه در گزارشی نوشت: پس از اعلام پیش تنازی حسن روحانی بر رقیب اصولگرای خود ابراهیم رئیسی در انتخابات، سران جریان اصولگرا شکست را پذیرفته و به پیروزی روحانی اذعان کردند. خبرگزاری فرانسه با اشاره به نتایج اولیه شمارش آرا افزود: بر همین اساس، در اولین واکنش جریان اصولگرا حتی پیش از اعلام نتایج انتخابات، سران این جریان به پیروزی روحانی اذعان کرده و شکست را پذیرفتند. علیرضا زاکانی نماینده سابق مجلس و از اصولگرایان که در تبلیغات انتخاباتی علیه روحانی فعالیت می کرد، اقرار کرد که آمارهای اولیه نشان دهنده پیروزی روحانی است و باید به وی تبریک گفت.

خبرگزاری فرانسه افزود: وزارت کشور ایران اعلام کرد که بیش از ۴۰ میلیون نفر آرای خود را به صندوق های رای انداخته اند. نتایج اولیه نشان می دهد که روحانی ۵۶ درصد و رئیس ی ۳۹ درصد آرا را بخود اختصاص داده اند.

گاردین: پیروزی روحانی

نشریه انگلیسی گاردین درباره انتخابات ریاست جمهوری و نتیجه آن نوشت: کسب اکثریت آرا و

پیروزی حسن روحانی، توفیق بزرگی برای اصلاح طلبان است.

گاردین در مقاله روز پس از انتخابات نوشت: پس از اعلام نتایج اولیه که حاکی از پیش تنازی اصلاح طلبان از رقیب محافظه کار (اصولگرا) ابراهیم رئیسی است، حسن روحانی در شرف یک پیروزی بزرگ و انتخاب دوباره برای دوره دوم ریاست جمهوری خود قرار دارد. گاردین افزود: درست پیش از ساعت ۹ صبح به وقت تهران، وزارت کشور ایران اعلام کرد که تاکنون و با توجه به شمارش نیمی از آرا، روحانی با ۱۴ میلیون رای نسبت به ۱۰ میلیون آرا رئیس ی پیش تناز است.

این نشریه انگلیسی نوشت: دولت اعلام کرد که از ۵۶ میلیون واجد شرایط، ۴۰ میلیون نفر رای داده اند و مقامات ایرانی قرار است نتایج دقیق آرا را اعلام کنند. نشریه انگلیسی گاردین در ادامه نوشت: برغم آنکه روی هم رفته این رقابت را رئیس ی باخته است، اما به نظر می رسد وی از آرای کافی برای محفوظ نگاه داشتن آینده سیاسی خود برخوردار شده و به وی اجازه خواهد داد که بار دیگر برای چنین رقابتی حضور یابد یا توجیهی برای ارتقای وی باشد.

گاردین افزود: روحانی که در انتخابات ۲۰۱۳ توانست ۱۸ میلیون و ۶۰۰ هزار رای کسب کند، پیش بینی می شود که این بار بالای ۲۰ میلیون رای به دست آورد. این رسانه انگلیسی اضافه کرد: با اعلام نتایج اولیه مبنی بر پیش تنازی روحانی، ستاد انتخاباتی وی با صدور بیانیه ای اعلام کرد که برنامه ای برای برپایی جشن ندارد. ایرانی ها معمولاً خیلی سریع چنین پیروزی هایی را با بوق زدن و حضور در خیابان و پخش شیرینی جشن می گیرند.

گاردین ادامه داد: در بسیاری از شهرهای ایران حضور مردمی بیش از ۷۰ درصد بود اما آرا کلی در این زمینه هنوز اعلام نشده است. در شهر قم حدود ۷۸ درصد از واجدان شرایط رای داده اند، در شهر یزد مشارکت ۹۱ درصد و به نقل از فرماندار استان شمالی گیلان حضور مردم در این انتخابات ۸۰ درصد بود.

الجزیره انگلیسی: روحانی پیش تنازی قوی دارد

پایگاه اینترنتی شبکه الجزیره انگلیسی در گزارشی اعلام کرد: با شمارش بیش از نیمی از آراء انتخابات ریاست جمهوری ایران، حسن روحانی پیش تنازی قوی دارد.



در این گزارش آمده است: همزمان با اعلام نتایج اولیه شمارش آراء انتخابات سرنوشت سازی که می تواند به طور چشمگیری بر آینده ایران تاثیر بگذارد، مشخص شد که حسن روحانی رئیس جمهوری میانه رو این کشور به نظر پیشتازی قوی دارد. الجزیره تصریح کرد: مشارکت گسترده مردم (بیش از ۴۰ میلیون نفر از ۵۶ میلیون واجد شرایط رای دادن در انتخابات شرکت کردند) باعث شد رای گیری به دلیل صف های طولانی تشکیل شده برای چند ساعت تمدید شود. انتظار می رود نتایج نهایی اواخر شنبه اعلام شود. بسیاری این انتخابات را تصمیم گیری در مورد سیاست حسن روحانی در الحاق ایران به جامعه جهانی و اقداماتش برای بازسازی اقتصاد این کشور خوانده بودند. روحانی چهار سال پیش قول داده بود که با سیاست هایش منجر به کاهش انزوای بین المللی شود. این رسانه اضافه کرد: اهمیت انتخابات ریاست جمهوری روز جمعه در ایران تا حدودی از آن جهت بود که اولین انتخابات ریاست جمهوری پس از حصول توافق هسته ای ایران با غرب بود.

دوپچه وله: حسن روحانی پیشتاز انتخابات ایران

پایگاه اینترنتی شبکه دوپچه وله در گزارشی عنوان کرد: با اعلام نتایج اولیه آراء حسن روحانی پیشتاز است. در این گزارش آمده است: مقامات ایرانی روز شنبه از حضور گسترده مردم در انتخابات ریاست جمهوری خبر دادند؛ انتخاباتی که حسن روحانی میانه رو با ابراهیم رئیسی محافظه کار (اصولگرا) رقابت داشت. رئیس کمیته انتخابات ایران روز شنبه اعلام کرد که تاکنون حسن روحانی ۱۴۶ میلیون و ابراهیم رئیسی ۱۰۰۱ میلیون رای داشته اند. وزارت کشور از مشارکت ۷۰ درصدی مردم در این انتخابات خبر داد. دوپچه وله در ادامه عنوان کرد: سایت های خبری حامی اصلاحات اوایل شنبه از پیروزی حسن روحانی خبر داده اند اما در آن زمان مدارک کافی برای تایید ادعایشان وجود نداشت.

دوپچه وله اضافه کرد: حسن روحانی در انتخابات پیشین، ایران را با چارچوب ارتقای ایرانی آزادتر و الحاق این کشور به عرصه جهانی پیروز شد. دو سال پیش وی توافق با قدرت های جهان در مورد موضوع هسته ای ایران را تکمیل کرد. روحانی چند روز پیش اعلام کرده بود که انتخابات ریاست جمهوری روز جمعه برای نقش آینده ایران در منطقه و جهان مهم به شمار می رود. ابراهیم رئیسی نیز در اظهار نظری اعلام کرد: من به نتیجه انتخاب مردم احترام می گذارم. نتیجه انتخابات مورد احترام من و مردم ایران خواهد بود.

تلویزیون دولتی روسیه: جوانان رویکردهای روحانی را برگزیدند

شبکه دوم تلویزیون دولتی روسیه اعلام کرد: جوانان ایرانی دلیل رای دادن خود به حسن روحانی رئیس جمهوری کنونی در انتخابات روز جمعه را تلاش وی برای پیشرفت ایران و روشن اندیشی می دانند. شبکه روسی که چهار خبرنگار و تصویربردار را برای پوشش خبری برگزاری دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری به ایران اعزام کرده، گزارش داد: جوانان می گفتند به روحانی رای می دهند، زیرا در چهار سال گذشته اقدام های بسیاری انجام داده و همچنین به جوانان توجه کرده است. رسانه روسی روز شنبه در بازتاب انتخابات و دیدگاه های مردم ایران نوشت: جوانان ایرانی طرف گفت و گو با گروه خبری تاکید کردند که روحانی تلاش های زیادی برای پیشرفت ایران انجام داده و روشنفکر است. شبکه دوم تلویزیون دولتی روسیه همچنین گزارش داد: انتخابات با حضور بسیار گسترده مردم که چشمگیر بود، برگزار شد و در بخش های مختلف مدیریت رای گیری هم اعلام شد، تخلفی رخ نداده و روند پیش بینی شده با آرامش کامل پایان یافته است. خبرنگاران رسانه روسی در گزارش های خود اعلام کردند که وجود صف های طولانی از ویژگی های این رای گیری بود و بر اساس اطلاعات اعلام شده رسمی، ۷۵ درصد واجدان شرایط رای دادن در انتخابات شرکت کردند که بیشتر از پیش بینی ها بود.

شبکه دوم تلویزیون دولتی روسیه در پایان گزارش داد که با وجود رسیدن به زمان اولیه اعلام شده برای اتمام رای گیری، حضور جمعیت پر شمار منتظران رای دادن وجود داشت.

بلومبرگ: پیروزی روحانی الحاق ایران به اقتصاد بین الملل

پایگاه اینترنتی شبکه بлумبرگ در گزارشی عنوان کرد: حسن روحانی در مسیر پیروزی در انتخابات ایران قرار گرفت.

در این گزارش آمده است: براساس نتایج اولیه شمارش آراء انتخابات ریاست جمهوری در ایران مشخص شد که حسن روحانی پیشتازی آشکاری در این انتخابات دارد؛ نتیجه ای که ضربه ای است به کسانی که به دنبال منحرف کردن سیاست روحانی در تعامل گسترده با جامعه جهانی بودند.

بلومبرگ نوشت: نتایج اولیه آراء نشان می دهد که حسن روحانی در مسیر شکست دادن ابراهیم رئیسی رقیبش قرار دارد. گزارش شده که حدود ۴۰ میلیون رای شمارش شده است. انتظار می رود نتایج نهایی انتخابات اواخر روز شنبه اعلام شود.

بلومبرگ تصریح کرد: پیروزی روحانی در انتخابات ریاست جمهوری هدف وی در الحاق ایران به اقتصاد بین الملل را تقویت خواهد کرد. با این حال موفقیت وی به همکاری تشکیلات محافظه کار (اصولگرا) نظام حاکم در ایران که به طور ضمنی در رقابت های انتخاباتی از ابراهیم رئیسی حمایت کرده بود، بستگی دارد. همچنین موفقیت حسن روحانی به اقدامات و سیاست های دونالد ترامپ که روز شنبه برای مذاکره با مقامات عربستان در مورد مهار نفوذ منطقه ای ایران وارد ریاض شد، خواهد داشت.

بلومبرگ عنوان کرد: صفوف رای گیری در چندین حوزه رای گیری مهم در سراسر تهران تا اواخر روز جمعه نیز طولانی بود که این مساله باعث تمدید چند ساعته رای گیری شد. مشارکت گسترده تر در انتخابات در ایران به طور سنتی به نفع نامزد میانه رو تر بوده است. هر کسی که در نهایت رئیس جمهوری آتی ایران شود، با یک دونالد ترامپ در جایگاه تقابلی تر که پیشتر توافق هسته ای را "فاجعه" توصیف کرده بود، روبرو خواهد شد.

روزنامه الزمان: مردم ایران با حضور چشمگیر در انتخابات درخشیدند

روزنامه الزمان چاپ لندن در شماره شنبه خود بر مشارکت گسترده مردم ایران در انتخابات ریاست جمهوری تاکید کرد.

براساس این گزارش، بسیاری از افراد حایز شرایط رای دادن در پای صندوق های رای گیری حاضر شدند و با نوشتن نامزد مورد نظرشان رای خود را به صندوق ریختند.

مسئولان پس از مواجه شدن با خیل بی شمار رای دهندگان مجبور شدند مدت زمان تعیین شده





برای اخذ رای که در ابتدا ساعت ۱۸ تعیین شده بود را در چند نوبت تمدید کرده و در نهایت تصمیم به بستن صندوق‌های رای در ساعت ۲۴ گرفتند.

در همین راستا آیت الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران جزو اولین کسانی بود که رای خود را به صندوق انداخت و از شهروندان خواست تا در اسرع وقت و به طور گسترده در انتخابات حضور به هم رسانند.

الزمان در ادامه نوشت: بسیاری از ایرانیان به طور خانوادگی در انتخابات شرکت کردند و بسیاری از افراد که نسل باصندلی و کرسی‌های کوچک تاشو در صفوف حضور به هم رساندند و بسیاری به منظور تسهیل در روند رای دادن اسامی کاندیداهای موردنظر خود را بر روی تلفن‌های همراه خویش ثبت کرده بودند.

بازتاب پیشسازی روحانی در رسانه‌های پاکستان

تقریباً همه رسانه‌های پاکستان روز شنبه ضمن انتشار اخبار و گزارش‌هایی از حماسه بزرگ انتخابات ریاست جمهوری در ایران، حضور چشمگیر مردم در این انتخابات را بیش از هر چیز دیگر مورد توجه قرار دادند و برخی از این رسانه‌ها نیز از پیشسازی روحانی نسبت به سایر نامزدها خبر دادند.

سایت اینترنتی روزنامه انگلیسی زبان "داون" نوشت که دکتر حسن روحانی پیش‌تاز بلامنازع انتخابات است و تقریباً در آستانه پیروزی قرار گرفته است.

این رسانه به نقل از وزارت کشور ایران اعلام کرد که بیش از ۴۰ میلیون رای در دوازدهمین دور انتخابات ریاست جمهوری ایران به صندوق‌ها ریخته شد و به عبارت دیگر، این دوره از انتخابات شاهد مشارکت ۷۰ درصدی مردم بود.

سایت‌های اینترنتی شبکه خبری "جیو" پاکستان و روزنامه "نیوز" این کشور هم ضمن ارائه سوابقی از انتخابات روز گذشته، اخبار مشابهی را در خصوص پیشسازی روحانی در انتخابات اعلام کردند. این رسانه‌ها همچنین میزان مشارکت مردم در انتخابات روز گذشته را "عظیم" توصیف کردند.

بازتاب پیشسازی روحانی در رسانه‌های افغانستان

رسانه‌های افغانستان، نتایج شمارش اولیه آرای دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران را در بخش‌های مختلف خبری بازتاب دادند و افزودند که حسن روحانی رئیس جمهوری ایران از مجموع حدود ۲۵ میلیون رای، ۵۶٫۵ درصد و ابراهیم رئیسی ۳۹ درصد آراء را به خود اختصاص داده‌اند.

به گزارش ایرنا، شبکه «یک» تلویزیون افغانستان روز شنبه اعلام کرد که براساس نتایج اولیه اعلام شده روحانی بیش از ۱۴ میلیون رای و ابراهیم رئیسی ۱۰ میلیون رای کسب کرده‌اند.

این شبکه خبری افغانستان افزود که «سید مصطفی میرسلیم» و «سید مصطفی هاشیمی طباطبائی»، هر دو در مجموع کمتر از یک میلیون رای به دست آورده‌اند. شبکه خبری «طلوع نیوز» افغانستان نیز در بخش‌های

مردم در انتخابات و آزادی عمل رأی دهندگان و صحت و سلامت انتخابات را تحت الشعاع خبرسازی خود قرار دهند.

با این وجود بسیاری از سایت‌های خبری به حضور گسترده مردم در پای صندوق‌های رای اذعان کردند. از جمله این سایت‌ها شبکه خبری حزب المردة لبنان بود که از حضور گسترده مردم در ساعات آغازین صبح در پای صندوق‌های رای خبر داد.

پایگاه خبری المنار نیز حضور مردم در انتخابات ریاست جمهوری در مراکز رای‌گیری را گسترده خواند و به نقل از رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران به ملت ایران توصیه کرد که در سریع‌ترین زمان ممکن در انتخابات شرکت کرده و به مراکز رای‌گیری بروند، چرا که کار خیر باید در اول وقت و بدون تاخیر انجام شود. ایشان انتخاب رئیس‌جمهور را بسیار مهم ارزیابی و تأکید کردند که به این ترتیب سرنوشت کشور در دست ملتی قرار می‌گیرد که رئیس دستگاه اجرایی را انتخاب کرده‌اند.

پایگاه خبری مصرس با اشاره به انتخابات ریاست جمهوری در ایران نوشت که امروز حدود ۵۶ میلیون ایرانی در دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری به پای صندوق‌های رای می‌روند تا یکی از چهار کاندیدای حاضر در انتخابات که نمایندگی دو جریان متناقض را بر عهده دارند را انتخاب کنند. این پایگاه خبری در ادامه به گزارش روزنامه آمریکایی واشنگتن پست اشاره کرد که تأکید کرده بود حسن روحانی رقابت سختی را در پیش رو خواهد داشت که در آینده سیاسی کشور سهیم خواهد بود. این روزنامه همچنین نسبت به غافلگیر کننده بودن این انتخابات هشدار داد.

پایگاه خبری الوفد حضور مردم در انتخابات ریاست جمهوری را گسترده خواند و تأکید کرد که از همان ساعات اولیه صبح امروز مردم به صورت گسترده در این انتخابات شرکت کرده و در بسیاری از شهرهای کشور در صف‌های طولانی که گاه تا خارج از مراکز رای‌گیری نیز کشیده می‌شد، ایستادند تا رأی خود را به صندوق ببندازند. این گزارش افزود که شمارش آراء از نیمه شب آغاز می‌شود و احتمال می‌رود طی ۲۴ ساعت از بسته شدن مراکز رای‌گیری نتیجه نهایی انتخابات اعلام شود.

مختلف خبری خود به زبان‌های پشتو و فارسی، نتایج شمارش اولیه آرای دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران را اعلام کرد و افزود: تازه‌ترین گزارش‌ها، حاکی از پیشسازی حسن روحانی در این انتخابات است. این شبکه پرمخاطب افغانستان افزود: روحانی بیش از ۱۴ میلیون و ۶۰۰ هزار رای از مجموع ۲۵ میلیون رای شمارش شده را از آن خود کرد و نفر بعدی در این انتخابات حدود ۱۰ میلیون رای به دست آورده است. طلوع نیوز شرکت مردم ایران را در انتخابات روز گذشته (جمعه) چشمگیر دانست و افزود: به دلیل حضور گسترده مردم و صف‌های طولانی زمان رای‌گیری تا ساعت ۲۴ تمدید شد.

خبرگزاری صدای افغان (آوا) نیز روز شنبه نوشت که انتخابات دوازدهم ریاست جمهوری ایران با حضور گسترده و حیرت آور مردم ایران، پس از ۱۶ ساعت به پایان رسید.

این خبرگزاری افزود که انتخابات ریاست جمهوری ایران به علت حضور گسترده مردم در پای صندوق‌های رای، در جهان بی‌نظیر بود و مشارکت مردم در این انتخابات بیش از ۷۰ درصد اعلام شده است. رادیو آزادی نیز با انتشار گزارشی از پشتتازی نامزد اصلاح طلبان در مقابل اصول‌گرایان در انتخابات ریاست جمهوری ایران، نوشت: حسن روحانی پیش‌تاز انتخابات ریاست جمهوری ایران است.

پیشسازی روحانی در انتخابات ریاست جمهوری ایران در شبکه‌های اجتماعی افغانستان نیز بازتاب گسترده داشته است.

رسانه‌های عرب زبان

پایگاه خبری الوفد حضور مردم در انتخابات ریاست جمهوری را گسترده خواند و تأکید کرد که از همان ساعات اولیه مردم به صورت گسترده در این انتخابات شرکت کرده‌اند.

روسیا الیوم عربی، سما نیوز، ارم نیوز، بی بی سی عربی و ... خبر آغاز انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای شهر و روستا در ایران را مورد پوشش قرار دادند. در این میان برخی از رسانه‌های مغرض و معاند جمهوری اسلامی ایران نظیر العربیه سعی کردند حضور گسترده

نسیم خنکی از سمت کبیرکوه می آمد، پروین روی تخت آهنی گوشه حیاط به دور دستها خیره شده بود. در دور دست دینارکوه پیش رویش بود سنگین و در آن وقت غروب به نظرش سورمه ای می آمد. اگر سر می چرخاند پشت سرش کبیرکوه بود و انبوه بلوطهایش. اوایل از اینکه شهر را محصور در دو رشته کوه می دید خوف برش می داشت فکر می کرد هر لحظه کوهها برای دست دادن به هم از جایشان تکان بخورند و شهر را زیر پایشان له کند. اما این ضربالمثل دلش را قرص می کرد که:

کوه به کوه نمی رسه
آدم به آدم می رسه

دلش می خواست آدم به آدم برسد.
جمیله به عمار. سعدیه به سلیم.
مادرش به پسرهایش و خودش به
مهران.

هیچ وقت تصور نمی کرد یک روز افق
دیدش از خطی در انتهای دشت یا
شط به قله کوه برسد. فکر نمی کرد
خورشید مثل توی نقاشی ها از پشت
کوه بیرون بیاید یا پشت کوهها مخفی
شود.

خرمشهر که کوه نداشت. آبادان هم
نداشت. اهواز هم نداشت. اما حالا فرسنگها
از خوزستان دور بود. حالا وسط شهر کوچکی
بود که میان کوهها محصور بود. آبادان سبز و
ساکت و امن. پدرش سالها پیش برای کاری گذرش
به ایلام و آبادان خورده بود و هوای خنک و سرسبزی
شهر کوچک و بی امکانات آبادان توی خاطرش مانده بود.
جنگ که شد فکر کرد چه جایی بهتر و امن تر از یک شهر در میان
کوههای سر به فلک کشیده. پیکان آبی آسمانش را بنزین زد و رفت
سراغ دایی جابر و گفت: تا میتونیم باید از اینجا دور شیم. صبح بعد
از ۳۱ شهریور قبل از طلوع آفتاب پیکان باباش و کامیون خاور دایی
جابر پر مسافر شد.

همه هم زن و بچه. ابوحامد همسایشون گفت که زن و بچه اش را
اهواز پیاده کند. علی آقا هم گفت زن و بچه اش را اندیمشک پیاده
کنند تا از آنجا بروند خرم آباد خانه مادرزنش.

اما بقیه که یک قوم و خویش بودند می رفتند به شهری که تا غروب
قبلش حتی اسمش را نمی دانستند فقط می دانستند یک جای امن
است. اگر ناچار نبودند هیچکدام راضی به دل کندن از خرمشهر
نبودند.

هر زنی که توی پیکان یا خاور بود بخشی از وجودش را جا گذاشته
بود. مردها مانده بودند یا برای دفاع یا واجب دانستن که اولویت با
زن و بچه است و قول دادند زود به خانواده بپیوندند.

اما جنگ ادامه داشت. پروین آهی کشید و گره روسریش را شل کرد
نسیم خنکی دوید لای موهایش و خنکی دل انگیزی همه وجودش
را قلقلک داد. پوزخندی زد و با خودش گفت: الان خرمشهر گرم
است. حتی لب شط هم گرم است.

زیر لب گفت: حتما مهران باور نمی کند اگر بهش بگم اینجا هنوز
بهار است.

سنگینی دستی روی شانه اش نشست برگشت ذلیخا بود زن ایمانی
صاحبخانه. با لهجه لکی گفت: غروبه. الان دعاگیراست. دعا کن
نامزدت سالم برگرده، برادرات، فامیلات.

پروین دستش را نوازش کرد و گفت: کار ما هم فقط شده دعا.
ذلیخا کنارش نشست و گفت: به امید خدا بر می گردن. جنگ تموم
میشه بر می گردید خرمشهر.



پروین با خنده گفت: خستون کردیم.

ذلیخا دستپاچه شد، با کف دست محکم زد به گونه‌اش و گفت: روم سیاه بشه اگه منظور بد داشته باشم. شما مهمان مائید. صاحبخانه‌اید. باور کن همان شب که ایمانی آمد و گفت چند خانواده جنگ‌زده آمدن تو حیاط مسجد گفتم برو بیارشان منزل ما. یادته ایمانی و حاجی‌رضا برادرشورم آمدن دم مسجد. شاید هم آن وقت شب که رسیدید خسته و خواب بودید.

پروین ذلیخا را به طرف خودش کشید و دست انداخت دور شانه‌اش و گفت: قربون مهربونیت برم من. شوخی کردم. چطور ممکنه یادم بره مهربانی شما را. مگه چند وقت گذشته همه‌اش ۱۹ ماه گذشته.

بعد آرام گفت: تا اندیمشک گرم بود. پیاده شدیم که دست و صورتان را بشوریم و بچه‌ها برن توال. دایی جابر از خادم مسجد پرسید می‌خواهیم بریم آبدانان از دهلران باید بریم؟

خادم مسجد گفت: عامو دهلران هم مثل خرمنشهر جنگه. دهلرانیا هم مثل شما فرار کردند. به دایی برخورد گفت ما فرار نکردیم. پیرمرد خندید و گفت منظور بدی نداشتیم یعنی مثل شما مجبور شدن شهر را تخلیه کنند. درست هم نیست آدم ناموسش را نجات ندهد.

بابا که داشت موتور پیکان را خنک می‌کرد گفت از پل دختر و دره‌شهر می‌رویم. دایی جابر متعجب گفت نوری تو خوب واردی.

ذلیخا نمی‌دانی چقدر سخت بود همه راه و گرمای مسیر یک طرف. جاده پر پیچ و خم دره‌شهر به آبدانان یک طرف ما تو عمرمان کوه ندیده بودیم. دره ندیده بودیم. یعنی چشم‌امون را بسته بودیم تا برسیم به شهر شما. یعنی حتی باد خنک را هم نفهمیدیم تا رسیدیم.

بابا گفت می‌رویم مسجد تا فردا جایی پیدا کنیم. وقتی وارد حیاط شدیم چند خانواده جنگ‌زده دهلرانی گوشه و کنار بساط پهن کرده بودند.

طفلکی‌ها ما را که دیدند به استقبال ما آمدند. دلداریمان دادند. بی‌بی زینت همین مستاجر آقا کولیوند برامون چایی آورد. انگار هزار سال است ما را می‌شناسد. ما شش خانواده بودیم و بی‌بی فقط چهار استکان داشت اما به کوچک و بزرگمان جای داد. ذلیخا نمی‌دانی چقدر بعد از آن مسیر طولانی و پر خطر، بعد از آن گردنه وحشتناک چقدر سرمان برای چایی تازه دم درد می‌کرد و بعد هم شیخ‌عباس با یک آبکش پر از سبزی خوردن و یک بغل نان محلی جلو آمد و گفت: شرمند ما هم مثل شما در به دریم شام ما این است بی‌تعارف و تکلف با هم می‌خوریم. سفره هم نداریم. بابا تشکر کرد. اما شیخ‌عباس گفت یالله خانوما، مادرا، خواهرها دست بکار شوید برامون لقمه درست کنید ازتون مرغ و مسما نخواستیم.

ذلیخا با لیخندی گفت: مرد خوبی است، خیر است. بعد چی شد؟

پروین کمی جا به جا شد و گفت: داشتیم ساندویچ نان و سبزی می‌خوردیم که آقای ایمانی و حاج‌رضا با یک دیگ بزرگ استامبولی‌پلو آمدند. شما و نصرت‌خانم زحمت کشیده بودید و جمع کثیری آواره را طعام دادید.

و خودش زد زیر خنده و گفت یاد حکایت‌های دینی افتادم وقتی گفتم طعم.

بعد هم اصرار که مهمان ما باشید.

شیخ‌عباس که ریش سفید جمع بود گفت: برادرم ما یکی دو نفر نیستیم. چهل، پنجاه نفریم.

حاج‌رضا گفت ما هم چهل پنجاه خانواده‌ایم مهمان ما. و آن شب از اقبال خوش ما، قسمت ما این بود که مهمان ذلیخا بانو بشیم و باز از اقبال بلندمان این بود که بانو دو اتاق خالی این سر حیاطش دارد که تازه مستاجرش صاحبخانه شده و این بار از اقبال شما این بود که زود مستاجر پیدا کردید. ذلیخا گفت شما صاحبخانه‌اید. بخدا آقا بابای شما لجباز است و گفت من به شرط اجاره می‌مانم والا من و ایمانی که از خدایمان است تا آخر جنگ نوکرتان باشیم.

پروین صورت ذلیخا را بوسید و گفت شما اینقدر خوبید که ما تا قیام قیامت شرمند شما هستیم. اگر خوبی شما نبود کجا مادرم می‌توانست دوری پسرهایش را تحمل کند.

ذلیخا چشمکی زد و گفت: پس نامزد خودت، پسر عمویت چی؟

پروین با خجالت سرش را پایین انداخت و سکوت کرد.

ذلیخا گفت من دلم روشن است خرمنشهر آزاد می‌شود. تو به مهران می‌رسی. دختر عمه‌ات جمیله به شوهرش عمار. دختر عمویت به آقا سلیم.

پروین گفت خوب اسم همه مردای ما را بلدی. ذلیخا بلند شد و گفت: ها که بلدم. از صبح تا شب باید ور دل شما دخترکا بشینم و هی دلداری بدم و هی شما از عشق و عاشقی‌ها تون بگید.

پروین با تعجب گفت: ما از عشق و عاشقی گفتیم. دلخا چشمکی زد و گفت به زبان نمی‌آید از چشم‌اتون می‌خوانم. وقتی با آه اسم شوهراتون می‌آید خودم تا آخرش می‌رم. ناسلامتی ما هم روزی جوان و به سن و سال شما بودیم. من که از بچگی چهل سالم نبوده. منم نامزد داشتیم. تازه عروس بودم.

حالا پاشو برو که همه تو اتاق دارند اخبار گوش می‌دهند شاید خبری از جنگ بگیرد.

پروین بلند شد و به اتاق دایی جابر رفت که تلویزیون نداشت از شنیدن اخبار بدش می‌آمد. دلش آرامش می‌خواست و آن لحظه آرامش در اتاق خانواده دایی‌اش بود چون همه پای تلویزیون در اتاق دیگتر بودند. پروین به در و دیوار نگاه کرد و بعد روحش پر کشید به خرمنشهر. خانه بزرگ و شیک دایی که تازه ساخته بود و به قول خودش تا قرض و قوله‌هاش را دادم کمرم خم شد و حالا سهم دایی و زن

و بچه‌اش از آن زندگی و لوازم لوکس که زن دایی تک به تک را با سلیقه از آبادان خریده بود یک اتاق کوچک و یک موکت دست دوم و چند دست رختخواب بود و مقداری ظرف و قابلمه. وضع خودشان هم همین بود اما دردش کمتر بود به قول مادرش خوب شد بابات عقل کرد که گفت به جای بازسازی خانه برای پسرا زمین می‌خرم تا فردا که خواستند ازدواج کنند خودشان به میل خودشان بسازند.

اما پروین هم می‌دانست مادرش برای دلداری خودش می‌گوید چون تمام آن خانه برایش پر از خاطره بود.

بالمستی برداشت و گوشه‌ای دراز کشید و به مهران فکر کرد به اینکه قرار بود عید برود سر خانه و زندگیش. صورت سفید مهران با موهای بور و چشم‌های میشی جلوی چشمش تصویر شد. وقتی کمکش کرد که سوار کامیون شود گفت پروین مراقب خودت باش. بعد از سقوط هم نامه داد که پروینم تو را دوست دارم اما برای وطنم جان می‌دهم تا آزادی خرمنشهر می‌مانم تا سربلند با تو روبرو شوم. چشم‌هایش به اشک نشست و با رویای دیدار مهران چشم روی هم گذاشت.

خواهش برد سنگین. حتی وقتی زن دایی رویش پتو انداخت هم متوجه نشد.

با صدای نماز صبح دایی بلند شد رفت که وضو بگیرد دختر دایی‌اش انیس کنار حوض وضو می‌گرفت با دیدنش گفت: پری این روزا خیلی ساکتی؟

پروین خمیازه‌ای کشید و گفت: منتظر یک معجزه هستم.

انیس گفت: این‌شاءالله

کپسول گاز تمام شد تا بابا برود کپسول بگیرد و غذا بپزد ناهار دیر شد سفره که پهن شد دایی جابر گفت انیس بابا یک بشقاب غذا ببر برا خونه آقا ایمانی. مادر بشقابی پر کرد و گفت آره عمه. انیس گفت از این همه آدم من ببرم.

دایی گفت انگار که می‌خوای ببری بازار صفا، دو قدمه اون ور حیاط. انیس بشقاب را گرفت و رفت. که صدای جیغش بلند شد همه از جا بلند شدند انیس در چارچوب در ایستاده بود و فریاد می‌زد: پری معجزه شد.

معجزه. همه هاج و واج بودن. آقا ایمانی بدون دمپایی پشت سرش ظاهر شد و بین اشک و لیخند تکرار می‌کرد: آزاد شد. خرمنشهر پیروز شد.

ذلیخا هم می‌گفت: شکر خدا. چشممان روشن. پروین خودش را انداخت بغل ذلیخا و زد زیر گریه باورش نمی‌شد. بابا رادیو را روشن کرد مارش پیروزی می‌زد و پروین فکر می‌کرد چرا امروز هیچکس به فکر اخبار بعد از ظهر نبود. مهم نبود، مهم روز خوب پیروزی بود که اتفاق افتاده بود.

برای شهدای مدافع حرم: مهمان دمشق

از باغ پر از حادثه بگذر به سلامت
ای سرخ‌ترین لاله‌ی پرپر، به سلامت
دنیا قفسی بود برای نفس تو
از خاک گذشتی دم آخر، به سلامت
مانند جوانان حرم خوب گذشتی
از معرکه‌ی نیزه و خنجر به سلامت
آن جا که سری نیست چه باید بنویسم
از خویش گذشتی، تن بی سر، به سلامت
راحت بگذر، گریه‌ی شوق است دلاور
بر گونه‌ی غمدیده‌ی مادر، به سلامت
پیداست که ارباب شهیدان به علیکی
پاسخ بدهد در صف محشر به سلامت
دنیاست اگر خانه و مرگ است اگر در
تو می‌گذری راحت از این در، به سلامت
مهمان دمشقی، قدم آخر عشقی
راه تو بهشت است، برادر به سلامت

علی سلیمانی

تقدیم به امام مهربانی‌ها علی: کیست این مرد

رادمردی مهربان با دست‌های پینه دار
در میان کوچه‌های شهر غربت رهسپار
کیسه‌های نان و خرما روی دوش خسته‌اش
کیست این مرد غریبه، با لباسی وصله‌دار؟
کهکشان‌ها شاهد غم‌های بی‌اندازه‌اش
ماه می‌گرید برایش چون دل ابر بهار

نیمه شب‌ها لابه لای نخل‌ها گم می‌شود
چاه می‌داند دلیل گریه‌های ذوالفقار
در کنار چاه هرشب ایستاده جبرئیل
تا نکند از سر دوش علی گرد و غبار
چند سالی هست بعد ماجرای فاطمه
لرزشی افتاده بر آن شانه‌های استوار
قامت سرو بلندش در هلال افتاده است
زیر بار رنج‌های تلخ و سخت روزگار
جای رد ریسمان‌های زمخت فتنه‌ها
سال‌ها مانده است بر دست کریمش یادگار
وحید قاسمی

حلبچه

می‌گویند:
پدرم در حلبچه مفقود
پدرم در حلبچه
پدرم در
پدرم
پدر ...
اما فکر می‌کنم
قایم باشک زیر کانه‌ی توست
و این را
از روی دست دفتر خاطرات خوانده‌ام
که دوست داشتی با من بازی کنی، سربه سرم
بگذاری.
ولی
پیدا می‌کنم تو را
شاید تو سنگ، شاید روی شیشه، شاید لای سجاده
.....
آنگاه

جنگ بود

من
شبانه روز
سربه سرت می‌گذارم
گفته‌ام مهری از خاک حلبچه برایم بیاورند
یاسر قنبرلو

عشق بود و جبهه بود و جنگ بود
عرصه بر گردان عاشق تنگ بود
هر که تنها بر سلاحش تکیه کرد
مادری فرزند خود را هدیه کرد
در شبی که اشکمان چون رود شد
یک نفر از بین ما مفقود شد
آنکه که سر دارد به سامان می‌رسد
آنکه که جان دارد به جانان می‌رسد
دیدهام، دستی به سوی ماه رفت
بی سر و جان تا لقاءالله رفت
زندگی‌مان در مسیر تیر بود
خاک جبهه، خاک دامن‌گیر بود
آنکه خود را مرد میدان فرض کرد
آمد از این نقطه طلی‌الارض کرد
هر که گرد شعله چون پروانه است
پیکر صدپاره‌اش بر شانه است
تن به خاک و بوی یاسش می‌رسد
بوی باروت از لباسش می‌رسد
دشمن افکن‌های بی‌نام و نشان
پوک‌های خونین شده تسبیحشان
کار هرکس نیست این دیوانگی
پيله وا می‌ماند از پروانگی

افشین مقدم



جایگاه اجتماعی زن در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای

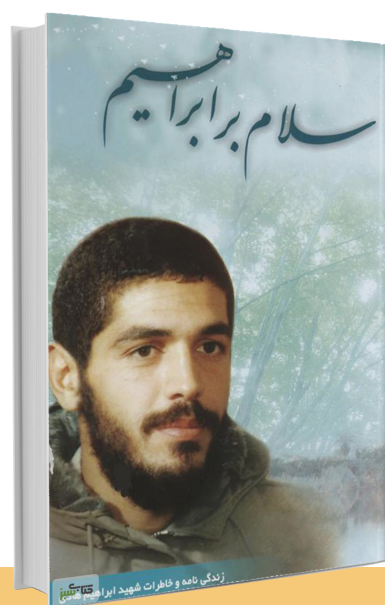
نرگس کاروند

نویسنده سخنان و دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای درباره‌ی زن را از نگاهی پژوهشگرانه و دور از تعصبات و سوگیری‌های موافق یا مخالف سیاسی و مذهبی، بسیار جامع و فراگیر یافت و بر این باور است که با توجه به اشراف ایشان بر علوم دینی، واقعیت‌های اجتماعی و مسائل روز، و اعتقاد به فقه پویا، می‌توان دیدگاه‌های ایشان را نشأت گرفته از نگاه واقعی و تحریف نشده‌ی اسلام به زن دانست؛ این دیدگاه می‌تواند راهی تازه پیش پای زنان و فعالیت‌های اجتماعی ایشان در کنار مسئولیت‌های خانوادگی بگستراند.

در این کتاب سعی بر آن است که با استخراج و تبیین نظرات آیت‌الله خامنه‌ای، دیدگاه واقعی اسلام در مورد نقش و جایگاه زن در اجتماع بررسی شود؛ چرا که مسائل فرهنگی و جایگاه زن در جامعه از دغدغه‌های مهم ایشان می‌باشد و ایشان به عنوان رهبر جامعه‌ای که دین رسمی آن اسلام است، هم به شرایط زمانی و مکانی و مسائل جامعه آگاهی دارند و هم با تسلط بر مسائل فقهی و اعتقاد به فقه پویا دیدگاه‌هایی تأثیرگذار بر جامعه دارند.

«سلام بر ابراهیم»

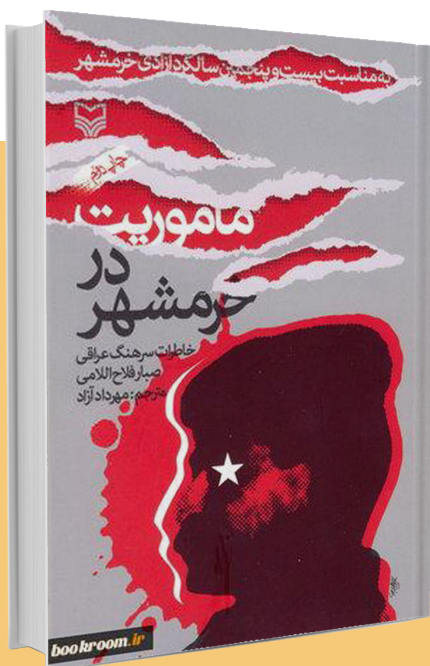
«سلام بر ابراهیم» کاری است از گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی که در قالب زندگینامه‌ای مختصر و ۶۹ خاطره درباره شهید بزرگوار و مفقودالثر ابراهیم هادی منتشر شده است. این نوشتار حاصل بیش از ۵۰ مصاحبه از خانواده، یاران و دوستان آن شهید است که همگی نگارنده را در گردآوری این مجموعه ارزشمند یاری رساندند. این اثر از سوی گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی منتشر شده و تاکنون پرمخاطب‌ترین عنوان منتشر شده از سوی این گروه فرهنگی است.



مأموریت در خرمشهر

خاطرات سرهنگ فلاح اللامی از فرماندهان ارتش عراق است که وی در خاطرات خود به افشا و جنایات اسرار ارتش بعث عراق پرداخته است. در این کتاب، فلاح اللامی، آمادگی ارتش عراق قبل از جنگ عراق و همچنین اشغال خرمشهر و جنایت تجاوزات و غارت وحشیانه بعضی‌ها در این مناطق را تشریح کرده است. وی همچنین به پیروزی نیروهای ایرانی در عملیات آزادسازی خرمشهر اشاره کرده، اسنادی نیز از ارتش عراق در کتاب ضمیمه شده است. صاحب خاطره قبل از جنگ رئیس کمیته واردات اسلحه در عراق بوده است.

جنایات صدام در کویت، جنگ اول خلیج فارس و قیام شیعیان در زمان صدام نیز از جمله فصول کتاب هستند.



باشگاه مهربانی پل ارتباطی ما و شماست. با ما در تماس باشید و شماره‌ی خود را هم برآیمان بفرستید، شاید روزی صدای گرم شما هم، دلگرممان کند

زهرا میرصادقی - تهران

- سلام. وقتتون بخیر. از مجله شاهد جوان تماس می‌گیرم.
سلام. بله بفرمایید، در خدمتم.
- شما مجله شاهد جوان را دریافت میکنید؟
بله، سعی می‌کنم همه مطالب رو مطالعه کنم.

رضا بایرامی - تبریز

- نظرتان در مورد مجله‌ی شاهد جوان بفرمایید.
مجله روند خوبی دارد و این مایه خوشحالی است.
- کدام صفحه را بیشتر دوست دارید؟
من بیشتر سعی میکنم مطالب با موضوع شهدا را بخونم. برخی صفحات که مختص خانم‌هاست که تمایلی به خواندن آنها را ندارم.
- کدام صفحه؟
پدرانه، مادرانه، دخترانه، پسرانه.

الهه یاری - مازندران

- شما مجله‌ی شاهد جوان را دریافت میکنید؟
بله، اما از وقتی به دانشگاه آمدم دیگر در خانه نیستم که بتوانم مجله را مطالعه کنم.
- کجا با مجله‌ی شاهد جوان آشنا شدید؟
پدرم جز کارمندان بنیاد شهید بود. و از طریق بنیاد با این مجله ارزشی آشنا شدیم.
- نظرتان را در مورد این مجله بفرمایید؟
خدا رو شکر در کشوری هستیم که نشریات ارزشی در آن به چاپ می‌رسد. و مجله شاهد جوان یکی از آن مجله‌های ارزشی است که همیشه یادآور کسانی است که با فداکاری خود عزت ما را تضمین کردند. امیدوارم ما هم بتوانیم شرمندۀ آنها نشویم.

محمد رضا کیانی - مرکزی

- نظرتان در مورد مجله شاهد جوان؟
در عین سادگی مجله خوبی است.
- کدام صفحات را می‌پسندید؟
صفحات گفتگو با ایثارگران و خانواده شهدا را خیلی دوست دارم.

علی شعبانی - قوشچی

- سلام وقتتون بخیر از مجله شاهد جوان با شما تماس میگیرم.
بله. بفرمایید.
- نظرتان در مورد مجله‌ی شاهد جوان چیست؟
ساله‌است که این مجله را میخوانم و راضی هستم.
- کدام صفحه را بیشتر دوست دارید؟
بیشتر صفحات را دوست دارم اما صفحه مورد علاقه‌ام موج سازان است.

رضا احسانی - شهرکرد

- نظرتان در مورد مجله‌ی شاهد جوان چیست؟
و اما مجله شاهد جوان، مجله‌ای که سال‌ها وظیفه خطیری بر عهده دارد و سعی کرده یاد شهدا را زنده بدارد.
- صفحات مورد علاقه شما کدام صفحات هستند؟
من چندین صفحه را دوست دارم مثل سبک‌زندگی، دور و نزدیک، نور و نقره، موج‌سازان، حماسه‌آفرین، جدول... علاقه خاصی دارم.

علی حسین نیا - خراسان

- شما مجله‌ی شاهد جوان را دریافت میکنید؟
بله.
- مجله شاهد جوان را چگونه ارزیابی میکنید؟
شاهد جوان مدت زیادی روال رو به زوالی را در پیش گرفته بود ولی از اواخر سال گذشته خدا را شکر یک تغییراتی در مطالب مجله دادید که جذابیت مجله را بیشتر کرده بود مخصوصاً معرفی مناطق جنگی و البته معرفی شخصیت‌های قهرمان و مصاحبه با آنان.

محسن احمدی - سمیرم

- نظرتان در مورد مجله شاهد جوان چیست؟
خدا را شکر که هنوز مجله و نشریاتی از جمله شاهد هست که یاد شهدا را زنده نگه دارد. دستتان درد نکند.
- کدام صفحه را بیشتر دوست دارید؟
تمام مطالب را دوست دارم.
- نظرتان جهت بهتر شدن مجله شاهد جوان چیست؟
به مناسبت همین اتفاقات ملی مطالبی را در مجله چاپ کنید. و این شماره بیشتر مطالب در مورد انقلاب باشد.



فاطمه حسین زاده - فارس

- شما که از مشترکین مجله هستید چرا این مجله را انتخاب کردید؟
بله، مجله را بنده انتخاب نکرده‌ام چون آن زمان خیلی کم سن و سال بودم، بلکه پدر عزیزم جز مشترکین مجله شاهد جوان است و منم همراه ایشان از این مجله خوب استفاده میکنم.
- ممنون از صداقت شما. پیشنهاد خاصی برای پیشرفت مجله ندارید؟
با فرزندان ایناگران نیز مصاحبه کنید.
- در چند شماره قبل با چند فرزند شهید موفق نیز مصاحبه داشته‌ایم.

علیرضا موسویان - قم

- نظرتان در مورد شاهد جوان؟
در یک جمله خوب است.
- کدام صفحه را بیشتر دوست دارید؟
شهادت مدافعان حرم واقعا در جامعه مظلوم واقع شده‌اند اما خدا خیرتان بدهد که به معرفی این شهیدان میپردازید و مطلب شهادت مدافع حرم بهترین قسمت شاهد جوان است.

عباس تهامی - زنجان

- نظرتان در مورد مجله‌ی شاهد جوان؟
شاهد جوان به دلیل اینکه مخاطبین جوانی دارد کارش خیلی سخت است. چون جوانان تنوع را می‌پسندند و یکنواختی برایشان بدترین اتفاق است. با وجود این سختی اعظم صفحات شما مطالب خوبی دارد.
- پیشنهادی خاصی برای شاهد جوان دارید؟
به دلیلی که ذکر کردم سعی کنید تعداد صفحاتی که مطالب آزاد در آنها کار می‌شود را خیلی کم کنید.
- ممنون از وقتی که در اختیار ما گذاشتید.

کیوان احمدی - سمیرم

- مجله شاهد جوان را دریافت می‌کنید؟
بله
- نظرتان در مورد مجله؟
خانواده من از این مجله راضی هستند. همسر معمولاً مطالعه می‌کند و برای من تعریف میکند.
- کدام صفحات را می‌پسندید؟
صفحه مورد علاقه من، خانه دوست است.

زینب مشعری - کرمان

- شما مجله‌ی شاهد جوان را دریافت می‌کنید؟
بله. سال‌های زیادی است که مجله را دریافت میکنم.
- کجا با مجله‌ی شاهد جوان آشنا شدید؟
از وقتی که به یاد دارم این مجله در خانه ما بود.
- نظرتان را در مورد این مجله بفرمایید؟
مجله خوبی است.

الهه عباسی - ساری

- نظرتان در مورد مجله چیست؟
بینظیر و عالی.
- چه صفحه‌ای را بیشتر دوست دارید؟
همه صفحات را دوست دارم.
- پیشنهادی برای پیشرفت مجله دارید؟
در مورد زنان ایناگر هم صحبت شود. چون وجود زنان ما در زمان ۸ سال دفاع مقدس بسیار مهم و سازنده بود. چه زنانی که به عنوان همسر سختی زندگی را بر دوش گرفتند و چه زنانی که به عنوان امدادگر و حتی گاهی رزمنده از کشور عزیزمان دفاع کردند. این بانوان باید معرفی شوند. چون این عزیزان بسیار مظلوم واقعی شدند.

مینا توحیدیان - تهران

- نظر خاصی برای بهتر شدن مجله خودتان ندارید؟
برای ویژه‌نامه محرم تا اربعین، از شهیدانی که در بازه زمانی محرم تا اربعین به شهادت رسیده‌اند یاد کنید.
- کدام صفحه را می‌پسندید؟
من به صفحه موجسازان خیلی علاقه‌مند هستم. و هر بار که این صفحه را می‌خوانم تا چند روز این مطالب را مرور میکنم و میدانم که چقدر برای این مرز و بوم خون داده‌ایم. و چه خانواده‌هایی این بار سنگین ایناگر را کشیده‌اند.

سحر جاوید - گرمسار

- شما مجله شاهد جوان را دریافت می‌کنید؟
پدرم این مجله را برای ما گرفت. هر وقت به خانه پدری بروم مطالعه می‌کنم.
- نظرتان را در مورد مجله بفرمایید؟
من و مادرم خیلی مجله را دوست داریم. مخصوصاً مصاحبه با مادران شهدا که بسیار تاثیرگذار است.

کیمیا فراست - سنقر

- شما مجله شاهد جوان را دریافت می‌کنید؟
بله، ۳ سالی هست که مجله را دریافت می‌کنیم.
- نظر یا پیشنهادی خاصی برای مجله دارید؟
اگر یک صفحه را به معرفی شهدای استان‌ها اختصاص دهید خیلی خوب می‌شود. چون ما فقط شهدای مطرح شده را می‌شناسیم. با این کار می‌توانیم قهرمانان هر استان را بشناسیم.

سلما راستگو - یاسوج

- نظرتان را در مورد مجله بفرمایید؟
مجله نسبتاً خوبی است اما جای پیشرفت دارد
- چه صفحاتی را دوست دارید؟
بیشتر صفحاتی که در مورد شهادت و صفحه جدول را می‌پسندم.

نامه‌های رسیده

زهرا حسینقلی - اردبیل، سحر خاتمی - کرج،
میلاد فروتن‌راد - تهران، مریم ناصر امینی - شهرری،
مجید بابایی - محلات، مهدی محمدپور - کاشان،
عاصم رموان‌طلب - تبریز، قربان صالحی -
خرم‌نیا - تهران، رقیه عزیزی - کرمان، رضا
تاند - اصفهان، لیلا ابوتراب - سمیرم، الیاس
ایزی - بجنورد.



فروردین

این عشق خدایی و صادقانه‌ترین تظاهراتش باعث ایثار می‌شود و ایثار در قله عشق انسان در بند او را در شدیدترین تجلیاتش به شهادت راهی سازد و در مقام شهادت انسان همه هستی خود را خالصانه و عاشقانه قربانی خدا می‌کند.

شهید رضا کهدویی

اردیبهشت

ای محصلین سنگر مقدس درس را ارج و ارزش نهید و علاوه بر درس در مسائل انقلاب شرکت کنید و تا وارد مرحله آموزش عالی نشده‌اید هدف خود را خالص کنید که همان خدمت به اسلام و مردم است.

ای دانشجویان مواظب باشید به خاطر مشکلات عادی جذب گروهک‌ها نشوید و همیشه به کم قانع باشید.

شهید فرج‌الله دیده‌بان

خرداد

نگذارید که ضد انقلاب و دشمنان داخلی در صفوف فشرده شما رخنه کنند و از این راه ضربه‌ای به انقلاب و اسلام بزنند دعاها را فراموش نکنید و در دعاها امام را فراموش ننمائید.

شهید مختار ملک‌آبادی مهابادی

تیر

فرد مسلمان همیشه در فکر جهاد در راه خداست.

شهید مجتبی محمدی

مرداد

ما در هر جمع و در هر جماعت و در هر محفل اسلامی و در هر گردهمایی برای یاری الله در انتظار قربانی هستیم و در انتظار شهادت. «امام خمینی»

شهید علی‌اصغر جلیلی مهابادی

شهریور

امام رضا (ع) می‌فرماید: کسی که به یاد مصیبت‌های ما افتد و گریه کند بر آنچه نسبت به ما انجام شده در درجه با ماست.

شهید محمد نجفی نیسانی

مهر

حال که بدن‌های ما برای مردن آفریده شده پس چه بهتر که این مرگ در راه خدا باشد: امام حسین (ع) سیدالشهداء

شهید حسینعلی منتظری نجف‌آبادی

آبان

ای ملت ای امت راه سعادت بخش حسین را ادامه دهید و زینب‌وار زندگی کنید.

شهید محمدرضا مصطفی نجف‌آباد

**در این شماره هم به نیت شما
«متولدین هر ماه» تفأل زدیم
به وصیت شهدا که امید در
آینده وصیت شهدا برسیم به
آنچه که از ما می‌خواهند و خدا
می‌خواهد و ما می‌خواهیم.**

آذر

خداوند می‌فرماید: هر کس خواسته باشد در جوار خدا باشد باید عمل صالح به جا آورد و در عمل خود برای خدا شریک قرار ندهد.

شهید مصطفی قیصری

دی

باید متجاوز را به پای میز محاکمه کشید تا ادب شود: امام خمینی (ره)

سیدعلی موسوی

بهمن

حجاب چهره جان می‌شود غبار تنم
خوشا دمی که از این چهره پرده برفکنم
چنین قفس نه سزای چو من خوش الحانی است
روم به روضه رضوان که مرغ آن چمنم
شهید علی رضا زاده عسگری

اسفند

خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده آنها را در راه خدا جهاد کنند که دشمنان دین را به قتل برسانند و یا خود کشته شوند.

شهید شهروز محمدی



Respecting the law

When Imam was in Paris and neighborhood of Neauphle -le-Château, some of his companions slaughtered a sheep. According to France's Laws, Slaughter of animals outside slaughterhouses is prohibited. When Imam heard that it is against France's Laws, he declared: "I do not eat the flesh of this sheep..

ترجمه‌ی شماره قبل

اجرای حمله آمریکا به طیس در حقیقت از روز ۱۳ آبان ۱۳۵۸، (۴ نوامبر ۱۹۷۹) آغاز شد؛ زمانی که «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» به سفارت آمریکا در تهران حمله کردند و ۵۳ آمریکایی را به گروگان گرفتند. با توجه به اینکه دولت کارتر نتوانست از راه دیپلماتیک گروگان‌های آمریکایی را آزاد کند، یگان ویژه «دلتا فورس» از نیروهای مسلح آمریکا، مأموریت پیدا کردند تا گروگان‌های آمریکایی را در یک عملیات کماندویی آزاد کنند و به آمریکا باز گردانند. به این ترتیب نیروهای آمریکایی از خلیج فارس عازم طیس شدند اما این نیروها پس از استقرار در صحرای طیس و پیش از حرکت به سوی تهران در پنجم اردیبهشت، دچار حادثه طوفان شن شده و از ادامه مأموریت باز ماندند. البته در همین راستا «مایلز کاپلند» یکی از مأموران سابق سرویس اطلاعاتی آمریکا و از دست‌اندرکاران کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران معتقد است: «هدف از تهاجم طیس تنها آزادی گروگان‌ها نبود بلکه کودتا برای سرنگونی رژیم ایران هدف اصلی این عملیات بوده است.»



از شما خوانندگان عزیز مجله می‌خواهیم در صورت تمایل متن فوق را ترجمه کرده و به آدرس ما ارسال کنید. به بهترین ترجمه جایزه داده می‌شود.

برنده ترجمه‌ی شماره گذشته:
آصف صفایی-سمنان



کاریکاتوریست: سعید صادقی



خوانندگان عزیز مجله‌ی شاهد جوان می‌توانند برداشت خود را از کاریکاتور نوشته و به دفتر مجله ارسال کنند. مجله‌ی شاهد جوان ضمن اعلام برندگان به بهترین نوشته جایزه می‌دهد. حتماً روی پاکت قید شود: مربوط به شاهد جوان.

کودکان و غیر نظامیان بیشترین قربانیان رژیم صهیونیستی هستند



شورای سیاست گذاری:

سید حسن مؤذنی | اسکندر یارنسب | حبیب اله صادقی | بهرام کلهر نیا
 غلامعلی طاهری | سید نظام الدین امامی فر | حسین چنغانی | رضاحسینی کارد
 رئیس جشنواره: اسکندر یارنسب | دبیر جشنواره: حبیب اله صادقی

دبیر اجرایی: رضا حسینی کارد
 شورای دبیری و داوری:

متعاقباً اعلام می شوند.

مهلت ارسال آثار:
 ۱۳۹۶/۴/۱

موضوعات:

- ♦ واقعه هفتم تیر
- ♦ حضرت امام (ره)، مقام معظم رهبری و حادثه هفتم تیر
- ♦ معرفی شهدای هفتم تیر
- ♦ تروریسم -
- ♦ منافقین، هفتم تیر
- ♦ اندیشه های شهید بهشتی

مقررات و ضوابط شرکت در جشنواره:

۱۱. به جز آثار برگزیده، دیگر شرکت کنندگان باید پس از پایان جشنواره به مدت ۳۰ روز با در دست داشتن رسید و مراجعه به دبیرخانه اثر خود را دریافت دارند. در غیر این صورت دبیرخانه هیچ گونه مسئولیتی در قبال نگهداری آثار نخواهد داشت.

۱۲. در صورتی که در هر مرحله اثبات شود که مالکیت معنوی اثر متعلق به هنرمند دیگری است، ضمن خارج نمودن اثر از جشنواره کلیه مسئولیت آن به عهده ارائه دهنده می باشد.

۱۳. برگزار کنندگان جشنواره مجاز به استفاده از آثار در امور تبلیغی و نمایشگاهی و انتشارات هستند.

۱۴. هیأت داوری با توجه به کیفیت آثار دریافتی نسبت به انتخاب آثار برگزیده تصمیم گیری می نماید.

۱۵. شرکت در جشنواره به منزله پذیرش مقررات آن است.

۱۶. در شرایط و موضوع های پیش بینی نشده، هر نوع تصمیم گیری با شورای دبیری است.

* همراه با آثار جدول تقاضای شرکت به طور کامل تکمیل و ارسال گردد.

جوایز:

نفر اول در هر بخش ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
 نفر دوم در هر بخش ۷۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
 نفر سوم در هر بخش ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

نشانی دبیرخانه: تقاطع آیت الله طالقانی^(ع) - شهید موسوی (فرصت سابق)
 - موزه شهدا | شماره تماس: ۰۲۱۸۸۳۰۶۸۳۱ | Jashnvaire.7tir@gmail.com



معاونت فرهنگی و امور اجتماعی
 اداره کل فرهنگی و تبلیغات